

رساله

راه‌های تبلیغ

تالیف
محمد علی فیضی

برای سوّمین بار مسمّر گردید
۱۲۸۱ بیدع

فهرست رسالهٔ راهنمای تبلیغ
 ~~~~~

رسالهٔ راهنمای تبلیغ شامل منتخباتی چند  
 از الواح مبارکه حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء  
 و حضرت ولی امرالله ارواحنا فداهم مبنی بر اهمیت  
 و چگونگی اجرای امر مهم تبلیغ میباشد که باقسام و  
 عناوین ذیل منقسم و منظم گردیده و قسمتی از ترجمهٔ  
 مقاله سرکار روحیه خانم حرم مبارک نیز راجع به میثاق  
 الهی و تبلیغ و سایر تذکرات مفیده که در مقام خود  
 دارای اهمیت بسزائی است درخاتمه بر آن مزید شد :  
شماره صفحه

- قسمت اول - تبلیغ امرالله و وظیفه عمومی اجباست ۶  
 قسمت دوم - شرایط تبلیغ و صفات نفوسیکه  
 ۶۲ باین خدمت مهم قیام مینمایند  
 قسمت سوم - اوامر مبارک راجع به نصرت  
 و اعانت مبلغین ۱۱۲

شماره صفحه

- قسمت چهارم — بیانات مبارک دربارهٔ محافل
- ۱۱۹ درس تبلیغ
- قسمت پنجم — نشریات امریه ممد امر تبلیغ<sup>ست</sup> ۱۳۰
- قسمت ششم — امر مبارک راجع به تشکیل
- ۱۳۱ لجنه مرکزی تبلیغ
- قسمت هفتم — بیانات مبارک راجع باهمیت
- ۱۳۲ نطق و بیان و آداب آن
- قسمت هشتم — چند مناجات جهت موفقیت
- ۱۴۳ در تبلیغ
- قسمت نهم — خاتمه مشتمل بر قسمتی از
- ترجمه مقاله سرکار روحیه خانم
- حرم مبارک راجع به میثاق<sup>لهی</sup> ۱۵۰
- و تبلیغ و تذکرات مفیده دیگر

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*

## بسم الله الابهي

مقصود از کتابهای آسمانی و آیات الهی آنکه  
 مردمان بر راستی و دانائی تربیت شوند که سبب  
 راحت خود و بندگان شود هر امری که قلب را  
 راحت نماید و بر بزرگی انسان بیفزاید و ناس را  
 راضی دارد مقبول خواهد بود مقام انسان بلند  
 است اگر بانسانیت مزین و الا پست تر از جمیع  
 مخلوق مشاهده میشود بگو ایدوستان امروز را  
 غنیمت شمیرید و خود را از فیوضات بحر تعالی محروم  
 ننمائید از حق میطلبم جمیع را بطراز عمل پاک و  
 خالص در این یوم مبارک مزین فرمایید  
 انه هوالمختار

قسمت اول

در این دور مبارک تبلیغ و وظیفه عمومی

احببنا است

مممممممممممممممممممممممم

الف - از بیانات مبارکه حضرت بهاء الله جل اسمہ الاعلی :

( ۱ ) در لوح مبارک خطاب بحیدر قبل علی میفرمایند :  
" الیوم برکّل احبّای الهی لازم است که آنی در تبلیغ امر  
تکامل نمایند و درکّل حین بمواعظ حسنه و کلمات لیسّه  
ناس را بشریعت عزّ احدیّه دعوت نمایند چه اگر نفسی  
الیوم سبب هدایت شود اجر شهید فی سبیل الله در نامه  
عمل او از قلم امر ثبت خواهد شد این است فضل پروردگار  
تو در باره عباد مبلّغین "

پند  
( ۲ ) و نیز در لوح مبارک خطاب به ناپلئون سوم میفرما:  
" قد کتب الله لکّ نفس تبلیغ امره "

( ۳ ) در لوح دیگر میفرمایند :  
" در این ظهور اعظم اکثری از احبّابا به تبلیغ امر مالک اسماء  
مأور شده اند یعنی امر تبلیغ برکّل واجب شده که شاید  
جمیع دوستان رحمان برتبه بلند اعلی و مقام اعزّ اسنی که

میفرماید من احیا نفسا فکأنما احیا الناس جمیعا فائز شوند .

( ٤ ) ونیز در لوحی که باین جمله ابتدا میسرود  
 ( هو الشاهد السميع العليم قلم اعلى در گل حین ندا  
 میفرماید ولیکن اهل سمع کمیاب ) میفرمایند :  
 " جمیع همّت را در تبلیغ امر الهی مصروف دارید هر  
 نفسی که خود لائق این مقام اعلی است بآن قیام نماید  
 والا له ان يأخذ وکیلا لنفسه فی اظهار هذ الاموالذی  
 به تزعزع گل بنیان مرصوص و اندک الجبال و انصعقت  
 النفوس "

( نقل از مجموعه الواح استنساخ شده شیراز صفحه ٣٤٩ )  
 ( ٥ ) و نیز میفرمایند :

" بنام خداوند بیمانند ساقی رحیق بقا مالک اسماء بود  
 طوبی از برای نفسی که رحیق اطهر را در ایام مالک قدر  
 آشامید و ببحر عرفان مالک ادیان فائز گشت امروز روز تبلیغ  
 است و گل باو مأمور تا مخلصین بمقامیکه در کتاب الهی  
 نازل شده فائز شوند من احیا نفسا فکأنما احی الناس  
 جمیعا و حیوتی که در کتاب الهی مذکور است حیوة افئده  
 و قلوب است بعرقان محبوب اگر نفسی باین مقام فائز نشود  
 از میتین محسوب لذا باید در لیالی و ایام دوستان حق

جهد بلیغ نمایند که شاید گمگشتگان را به سبیل مستقیم هدایت نمایند و تشنگان را از این رحیق حیوان بچشانند هر نفسی باینمقام فائز شد از جواهر وجود لدی اللّٰه مذکور از شماتت اعدا و اقتدار اولی البغضا محزون میا<sup>شید</sup> زود است که اول بمدح و ثنا و ثانی بضعف و فنا تبدیل شود طویب لکم یا احبائى ان لکم حسن مآب "

( ۶ ) و نیز میفرمایند :

" قل اعلم بعلم اليقين بانّ الله امر الکل بتبلیخ امره و ما ترتفع به کلمة المطاعه بین البریه بعد از این حکم محکم که از سماء اراده مالک قدم نازل کل باطاعت مکلفند اگر باوامر الهی فائز شدند و بما ینبغی عمل نمودند عندالله مقبول و الاّ الامر یرجع الی الامر و الغافل فی خسران مبین "

( از صفحه ۳ کتاب اقتدارات )

( ۷ ) و نیز در لوح مبارک مندرج در صفحه ۱۰۴ کتاب

اقتدارات میفرمایند :

" الیوم یوم نصرت امر الهی است بر هر نفسی لازم که در کمال استقامت ناس را بشطر الهی دعوت نماید انشاء اللّٰه جهد بلیغ نمائید که شاید گمگشتگان بریه نفس وهوی بافق قدس ابهی توجه نمایند از نفوس اثر محبوب بوده و خواهد بود چه که ثمر هر نفسی اثر اوست نفس بی اثر مثل شجر

بی شمر در منظر اکبر مذکور لله ناطق شوید ولله تبلیغ امر نمائید باعراض و اقبال ناظر نباشید بلکه ناظر بخدمتی که بآن مأورید من لدی الله این است فضل اعظم و رستگاری ابدی و شمر جاودانی و عنایت حق در گل احیان و مدد فیضش در گل اوان رسیده و خواهد رسید من کان له الله معه و یؤیّده بالحقّ و انه علی کلّ شیء قدير .

۱۰۸. و در سوره البیان میفرمایند :

" قل یا ملاء البهء بلّغوا امر الله لان الله کنب لکل نفس تبلیغ امره و جعله افضل الاعمال لانها لن یقبل الا بعد عرفان الله المهیمن العزیز القدير و قدر التبلیغ بالبیان لا بدونه کذلک نزل الامر من جبروت الله العلیّ الحکیم ایاکم ان لا تجادلوا مع نفس بل ذکرها بالبیان الحسنه و الموعظة بالبلفه ان كانت متذکرة فلها و الا فاعرضوا عنها ثم اقبلوا الی شطر القدس مقرّ قدس منیر"

( ۹ ) و نیز میفرمایند :

" یا محمود بلسان پارسی بشنو جهد نمائید تا افسردگان و پژمردگان را تازه نمائی و تشنگان بادیه های گمراهی را به سلسبیل هدایت رسانی امروز آفتاب فضل مشرق و آسمان گرم مرتفع طوبی لنفس عرفت و فزت و یل للغافلین



در جمیع احوال با اسم غنی متعال به تبلیغ امر حکمت و بیان مشغول باش آنه مع عبادہ المبلّغین الحمد لله رب العالمین

( ۱۰ ) و همچنین در لوح مبارک خطاب بجناب

ابن اصدق میفرمایند :

" طوبی از برای نفسی که الیوم بخد مت امر قیام نمود نفوسی که صاحب بیانند باید به تبلیغ مشغول شوند این است امر مبرم الهی که در کتب و صحف از قلم اعلی جاری و نازل گشته این فقره بسیار بزرگست از حقّ جلّ جلاله بخواهید تا کل را از این مقام بلند محروم نفرماید اگر از اول امر نفوس مشتعلہ مطمئنہ به تبلیغ متمسک میشدند هر آینه عالم از نیر اعظم منور و روشن مشاهده میگشت امید هست که اولیای حق طرا بر تبلیغ امر قیام نمایند قیامی که سبب قیام اهل عالم شود به بیانی که سبب نطق و بیان امم گردد".

( ۱۱ ) و نیز میفرمایند :

" یا اسمی الجمال اگر نفس در مشرق زمین باشد و آنجناب در مغرب و اراده نمایند بعرفان الله فائز گردد بر آنجناب حتم است مع استطاعت کسه بآن ارض توجه نماید و ریحیق حیوان رابقدر

استطاعت و قابلیت او بر او مبذول دارد ای جمال اگر در آیات منزله از سماء فضل تفکر نمائی شهادت میدهی که حق جلّ و عزّ امر فرموده و میفرماید همان مصلحت عباد بوده و خواهد بود البته باید تبلیغ امر نمائی و بخدمت مشغول گردی طالبان بحرهدایت را محروم ننمائید ولیکن باندازه عطا نمائید بهترین ثمری که بشجره بیان منسوب است این کلمه مبارکه است تخمهای حکمت را در اراضی طیبیه باندازه و مقدار مبذول دارید انشاء الله بحرارت نار کلمه الهیه جمیع را مشتمل نمائی و بشرط اقدس دعوت کنی از قبل قلم اعلی و صایای لاتحصى فرموده و حال هم میفرماید ای جمال بشفقت پدری با جمیع اهل ارض معاشر باش و همچنین از ثدی حکمت جمیع را تربیت نما در هیچ حالی از احوال از حکمت چشم برمدار اوست سبب اعلای امر او و علت سکون اضطراب و قوه قلوب و اطمینان نفوس بوده و خواهد بود .

( ۱۲ ) و نیز در لوح آقامیرزا محمدعلی که خدا قزوینی

میفرمایند :

" قد کتب لک نفس تبلیغ امره و کذلک قضی الامر من لدن عزیز قدیر و من یفتح الیوم شفتاه لذر مولا ه یوئده جنود وحی الله بالهام بدیع و یجری الله عن فمه کوثر المرغان و

ينطقه بالحكمة والبيان على شأن لن يقدر ان تكلم بين يديه  
احد من الخلائق اجمعين . ”

( ۱۳ ) و همچنين در لوح خطاب بجناب سمندر  
ميفرمايند :

” ان اجعل همك تبليغ امر مولاك تالله هذا افضل  
الاعمال في كتاب مبين . ”

( ۱۵ ) و در لوح خطاب بحسين ميفرمايند :

” بايست مستقيم با مرالله و بقدر وسع در تبليغ امرش جهد نما  
كه اليوم اقرب قربات در نزد سلطان اسماء و صفات ايمن  
رتبه اعلى است . ”

( ۱۶ ) و نيز در لوح دنيا ميفرمايند :

” يا افنانى عليك بهائى و عنائتى خيمه امر الهى عظيم  
است جميع احزاب عالم را فرا گرفته و خواهد گرفت روز روز  
شماست و هزار لوح گواه شما بر نصرت امر قيام نمائيد

و بجنود بیان به تسخیر افتاده و قلوب اهل عالم مشغول  
 شوید باید از شما ظاهر شود آنچه که سبب آسایش  
 و راحت بیچارگان روزگار است "

( ۱۶ ) و در لوح خطاب بجناب آقا محمد حسن بلورفروش

شیراز میفرمایند :

" قل یا قوم هذا یوم التبلیغ ضعوا ما عندکم متمسکین  
 بحیل الله مالک یوم القیام..... یا اولیائی امروز روز  
 نصرتست و روز بیانست به تبلیغ امر الهی مشغول شوید  
 و در جمیع احوال بروح و ریحان و حکمت و بیان از ریحیق  
 مختوم که با صبح عنایت حضرت قیوم باز شده عطا نمائید  
 شاید غافلهای عالم بدریای آگاهی راه یابند و بر خدمت  
 قیام کنند . "

( ۱۷ ) در لوح خطاب بجناب عندلیت میفرمایند :

" یوم یوم فرح اکبر است باید اولیاء همّت کنند و  
 گمراهان را بسبیل الهی راه نمایند بگو ایدوستان امروز  
 روز خدمتست جامه خوف و صمت و سکون را بنطق و بیان  
 و اطمینان و اهتزاز تبدیل نمائید جمیع اشیاء بذکر و ثنا  
 ناطق یوم یوم الله و ربیع زمورات و اوراد حکمت و بیان  
 طویب نفس عرف و لالسن نادت و قالت یا قوم قد اتی  
 الیوم العزّة والاقتدار والعظمة والاختیار لله الواحد

المقتدر الغفار .

( ۱۸ ) در لوح خطاب بجناب افنان شیراز میفرمایند :  
 " امروز روز خدمت و روز تبلیغ و روز نصرت است و لکن  
 بحکمت و بیان بیان مؤثر است مخصوص اگر از قلوب  
 فارغه مطهره ظاهر شود نسئل الله ان یمده بجنود  
 عرفانه انه علی کل شیء قدیر ."

( ۱۹ ) در لوح دنیا میفرمایند :

" یا حزب الله بخود مشغول نباشید در فکر اصلاح عالم  
 و تهذیب امم باشید اصلاح عالم از اعمال طیبیه طاهره  
 و اخلاق راضیه مرضیه بوده ناصر امر اعمال است و معینش  
 اخلاق یا اهل بها بتقوی تمسک نمائید هذا ما حکم  
 به المظلوم و اختاره المختار ."

( ۲۰ ) در لوح خطاب به ط جناب میرزا زین العابدین

میفرمایند :

" انشاء الله بنور بیان رحمن منور باشید و بخد متش قائم  
 طوبی لمن فاز بکلمة الله المهیمن القیوم و قام علی نصرة  
 الامرو هو التبلیغ فی لوحی المحفوظ ای اهل بها  
 لثالی آگاهی را از غیر خود منع ننمائید بحکمت و بیان این  
 درر شینه را بر ابصار خلق عرضه دارید شاید بصوری  
 یافت شود و بمنظر اکبر توجه نماید الامر بید الله رب العالمین"

ب- از بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء :

۱- در لوح خطاب بانجمن روحانی میفرمایند :

" اگر تبلیغ تأخیر افتد تأیید بکلی منقطع گردد زیرا مستحیل و محال است که بدون تبلیغ احبای الهی تأیید یابند در هر صورت باید تبلیغ نمود ولی بحکمت اگر چهارا ممکن نه خفیا بتربیت نفوس پردازند و سبب حصول روح و ریحان در عالم انسانی شوند . "

۲- در لوح خطاب بمیرزا عبدالحسین اصفهانی

میفرمایند :

" در قرآن میفرماید یا ایهاالذین امنوا اذا نودی للصلوة من یوم الجمعة فاسهوا الی ذکرالله و ذروا البیوع پس در این ایام اکبر باید باعظم صلوة که تبلیغ امرالله است پرداخت تالله الحق انها تجارة و ثروة کامله و سلطنة قاهره و عزة باهره و ملک دائم و سریر قائم و شأن عظیم عند کل ذی حظ عظیم . "

۳- در لوح مبارک مندرج در صفحه ۱ مکاتیب ۳

میفرمایند :

" خداوند میفرماید وتری الارضی هامة فاذا انزلنا علیها الماء اهتزت وربت و انبتت من کل زوج بهیج

میفرماید زمین خاک سیاه است چون فیض ابر بهاری  
 ببارد آن خاک سیاه باهتزاز آید و گلهای رنگارنگ  
 برویاند یعنی نفوس انسانی چون از عالم طبیعت است  
 مانند خاک سیاه است چون فیض آسمانی برسد و تجلیات  
 نورانی هویدا گردد باهتزاز و حرکت آید و از ظلمات  
 طبیعت رهائی یابد و گلهای اسرار الهی برویاند .

۴- در لوح مبارک مندرج در صفحه ۷ مکاتیب<sup>۳</sup>

میفرمایند :

" حضرت رسول خطاب بحضرت امیر میفرماید یا علی  
 لئن یهدی الله بک نفسا خیرک من حمرنم یعنی  
 ای علی اگر هدایت کند خدا بوسیله تو نفسی را بهتر است  
 از شتران سرخ مو".

۵- در لوح دیگر میفرمایند :

" هو الله ای یاران عبدالبهاء اعظم خدمت در آستان  
 مقدس تشکیل مجلس تبلیغ است پس شما ای یاران الهی  
 و رفیقان عبدالبهاء و بقول ترکها یولد اش و قـارداش  
 این غریق بحر فنا باید در تأسیس محافل تبلیغ نهایت  
 همت نمائید تا تائیدات ملکوت ابهی احاطه کند و انجذاب<sup>ت</sup>  
 ملاء اعلی جلوه نماید و علیکم التحية والثناء ع ع "

۶- در لوح دیگر میفرمایند :

" ای بنده پروردگار از خدا بخواه که در این عالم پرمحنت  
 نفس راحتی کشی و در اینجهان پر آرایش آسایشی نمائی  
 این موهبت چهره نگشاید و این عنایت محفل دل نیاراید  
 مگر بانقطاع از ماسوی الله و توجه تام بملکوت ابهت<sup>لله</sup>  
 و این انقطاع و توجه حاصل نشود مگر بانجذابات بنفحات ا  
 واشتمال بنار محبت الله این انجذاب و اشتعال میسر  
 نشود مگر به تبلیغ امرالله و ثبوت و رسوخ بر عهد و میثاق الله  
 والبهاء علیک وعلی کل منقطع مؤید منجذب مشتعل مبلغ  
 ثابت راسخ مستقیم فی دین الله ع ع "

۷- در لوح خطاب بجناب حاج آقا محمد علاقبنده

میفرمایند :

" تا توانید در این ایام تبلیغ امرالله نمائید فرصت بسیار  
 خوبی ید قدرت الهیه فراهم آورده این فرصت را از دست  
 ندهید جمیع قلوب متوجه بامرالله و جمیع گوشها مترصد  
 استماع کلمة الله احزاب ایران کل مشغول بخود واکثری  
 از شدت نزاع و جدال از حیات و زندگانی بیزار مفری  
 میطلبند و مفری و ملجاء و پناهی جز ملکوت ابهت نه  
 که ولوله و زلزله در آفاق انداخته و عنقریب ایران را محصور  
 و ایرانیان را عزیز در دو جهان نماید خیرخواهی ایران  
 این است که جمیع ملل و شعوب و قبائل عالم را خاضع و خاشع



نماید هر نفسی که ثابت بر عهد است ولو بظاهر خواندن ابجد نداند باید در فکر اعلاء کلمة الله و تبلیغ باشد ع " .

۸- در لوح مبارک خطاب بمحفل روحانی طهران

میفرمایند :

" اليوم اهمّ امور تبلیغ امر الله و نشر نجات الله است تکلیف هر نفسی از احیای الهی این است که شب و روز آرام نگیرد و نفسی بر نیارد جز بفکر نشر نجات الله یعنی بقدر امکان بگوشد که نفسی را بشریعه بقا هدایت نماید و احیا کند زیرا این اثر از او در اعصار و قرون متسلسل گردد چه که از هادی اول تتابع و ترادف و تسلسل در مؤمنین دیگر کند عاقبت یک نفس مقدس سبب احیاء صد هزار نفوس شود ملاحظه فرمائید که چقدر اهمیت دارد که هدایت یک نفس اعظم از سلطنت است زیرا سلطنت ظاهر در ایامی چند منتهی شود نه اثری و نه ثمری و نه سروری و نه فرحی و نه بشارتی و نه اشارتی نه نامی و نه نشانی باقی ماند اما این سلطنت که هدایت نفوس است دست در آغوش دلبر ابدی نماید و انسان بر بالین سرمدی بیاساید لهذا باید محفلهای روحانی در جمیع بلاد فراهم آید و فکرشان این باشد که نفوس هدایت شوند و همچنین با اطراف و اکناف محض نشر نجات الله نفوسی ارسال شود که

طالبان را بسبیل الهی هدایت نماید حتی عبور و مرور نیز مفید است مثلاً بلادی که در محلات منعکفه گوشه ای افتاده یارانی که در آنجا هستند از جانی خبری ندارند اگر چنانچه خبری گیرند بالتصادف است حال اگر نفوسی عبور و مرور نمایند و احبّاراً بشارات الهیه دهند و در هر جا يك دوشب بمانند اخبار ارضی مقدس و سایر بلدان و دنیا را از شرق و غرب بدهند و بکمال محبت و خوشی و طرب معاشرت کنند این سبب انجذاب و اشتعال شود و نفوس تربیت گردند و بشور و وله آیند همین سبب نشر نفعات شود و علت اعلاء کلمة الله گردد .

۹- در لوح مبارک خطاب بمعاون التجار نراقسی

میفرمایند :

" الیوم باید هر فردی از افراد احبای الهی فکر خویش را حصر در تبلیغ نماید چون چنین کنند بعد از یکسال احتیاج بمبلغ نماند خود نفوس بدون تبلیغ بشاطی بحر احدیت بشتابند ..... باری ای یاران الهی اقلامهريك از دوستان باید در مدت یکسال يك نفس را تبلیغ نماید این است عزت ابدی این است موهبت سرمدی حضرت رسول روحی له الفدا بحضرت امیر میفرماید که هدایت يك نفس بهتر است از هزار گله شتر و در نزد عرب متاعی بهتر

و گرانتر در عالم وجود از گله شتر نبود مقصود اینست که  
هدایت يك نفس بهتر از گره ارغی و من علیها است " .

۱۰- در لوح مبارک مندرج در صفحه ۷۲ مکاتیب ۳

میفرمایند :

" باری ای یاران بگوشید هر صرفی را دخیلی لازم امروز  
عالم انسانی جمیع بصرف مشغولند زیرا حرب صرف نفوس  
و اموال است اقلا شما بدخل عالم انسانی پردازید تا  
اندکی تلافی آن صرف گردد " .

۱۱- در لوح دیگر میفرمایند :

" این یوم یوم قیام بخدمت است و عبودیت آستان احدیت  
تا حیوة باقی است تعجیل نمائید و تابهار را احزان در بر  
نگرفته و شفا را بیماری غالب نشده قیام نمائید در این یوم  
هدایت نفوس بصراط مستقیم مغناطیس تائید الهیست  
نفوس که خود را وقف این امر نمایند در صون حفظ الهی  
هستند هر که در این یوم يك کلمه حقیقت نطق نماید آن  
کلمه لزال در توج و حرکت خواهد بود و هرگز معدوم  
نخواهد شد " .

۱۲- در لوح دیگر میفرمایند :

" ای بندگان آستان حق جنود ملاء اعلی در اوج عالا  
صف بسته و مهیا و منتظر و مترصد مرد میدان و فارس عرفان

که بمحیی جولان نصرت نمایند و تائید کنند و قوت الظہر گردند پس خوشا بحال فارسی که اسب جولان دهد و طوبی از برای دلیری که بقوت عرفان در میدان بر همان بتازد وصف جهل بدرد و سپاه ضلالت شکست دهد و علم هدی بلند کند و کوس غلبه بنوازد تالله الحق انه لفی فوز عظیم و ظفر مبین و ان هذا هو الفضل البدیع والبهاء علیکم یا احبباء الله القدیم " .

۱۳- لوح مبارک مندرج در صفحه ۲۰۳ مکتب ۳

" شیراز هو الله

ای ثابت بر پیمان روزنامه مفصل شما بنهایت روح و ریحان قرائت گردید الحمد لله خود تجربه نمودی و سبب انتباه دیگران گشتی که هر نفسی بجان و دل بخدمت امر الله قیام نماید لسان فصیح بگشاید و سر شاخسار حقیقت بابدع الحان بسراید ببرا عین الهی ملهم گردد و باقامه حجت قاطعه مؤید شود سطوت تبلیغ صوف جهل را شکست دهد و شوکت تائید سپاه ضلالت را منہزم کند اساس ثبوت و استقامت است و رأفت و محبت و تجرد از هوا <sup>جس</sup> نفسانی و خلوص نیت در امر رحمانی و انقطاع از من فی الوجود و مواظبت بر سجود اگر نفسی مؤید باین الطاف خفیه گردد یک سواره بر صف عالم زند زیرا تائیدات ملکوت

ابهی و عون و حمایت جمال قدم روحی لا حیائیه الفداء  
 پیای رسد چنانچه تجربه نمودی باری مطمئن بآیه مبارکه  
 باش که میفرماید و نراکم من افقی الابهی و ننصرمن قام  
 علی نصره امری بجنود من الملاء الاعلی و قبیل من الملائکة  
 المقربین و هذا هو الحقّ الیقین و مابعد الحق الا الضلال  
 المبین . ”

الحمد لله از موطن جمال مبارک روحی لعباده الفداء  
 نفوسی صموت شدند که به تبلیغ پرداختند و بر نشر آثار  
 و سطوع انوار قیام کردند الحمد و له الشکر باید شب و روز  
 بکوشی و بهر حدود و شغور عبور نمائی و در نهایت تنزیه  
 و تقدیس به تبلیغ پردازی تا مورد تحسین ملکوت ابهی گردی  
 و بملاء اعلی جان و دل پیوسته نمائی و علیک البهاء الابهی

ع ۴

۱۴- در لوح خطاب با آقا سید مصطفی مندرج در صفحه

۳۴۲ مکاتیب ۳ میفرمایند :

” الیوم هنگام تبلیغ است این امر مؤید است هر نفسی بآن  
 پردازد جنود ملکوت ابهی نصرت نماید امر تبلیغ یرلیغ  
 بلیغ از ملکوت ابهی دارد . ”

۱۵- لوح مبارک نقل از نجم باختر سال ۱۹۲۱ شماره

چهار :

## هموالله

ای دختر ملکوتی من نامه تو رسید امروز باید جمیع احبای الهی در فکر تبلیغ باشند نه تأسیس محافل زیرا از تأسیس کمیته ها ثمری حاصل نشود يك اسمی بی رسم مانده چند روزی اجتماع بعد متفرق میشوند ولی اگر به تبلیغ مشغول شوند نفوس را زنده نمایند و در ملکوت ابهی و نزد عقلای احبای رحمانی عزیز میگردند چنانکه دیده شد هر نفسی سبب هدایت و تربیت و حسن اخلاق نفوس شد او مقرب درگاه الهی گشت و مانند شمع روشن در بین جمیع جلوه نمود امیدوارم یاران الهی و اماء رحمن سبب تربیت نفوس شوند و با قلبی فارغ و جانی مستبشر بشارات الهی با خلق محشور گردند .

۱۶- لوح مبارك خطاب به جناب ابن ابهر ایادی

امرالله :

## هوالاتهسی

ای منادی پیمان الیوم اعظم امور تبلیغ امرالله است و نشر نجات الله کتب و رسائل استدلالیه هر چند سبب انتباه نفوس است ولی مبین لازم مجرد کتب استدلالیه سبب انتشار تام نگردد باید نفوسی صبغوث شوند که کتاب مبین باشند و حجت و براهین بیان کنند و نفوس بشریعه الهیه دعوت نمایند

و بصفات و اخلاقی متخلق شوند که قوه مغناطیس ارواح گردد  
 و جاذب قلوب بفیض اشراق محافل تبلیغ تشکیل نمایند  
 و نفوس را تعلیم دلائل و براین کنند تا جوانانی نورسیده  
 تربیت گردند و مؤید شوند و بنشر دین الله قیام کنند  
 و نفوس را بشریعه الهیه کشند این تأسیس است و بنیان  
 متین از زیر حدید حال معلوم میشود که یاران در این امر  
 جلیل اهتمام ندارند البته کل را بکمال همت برایمن  
 مغناطیس موهبت دالت نمائید هیچ امری مانند تبلیغ  
 مؤید نه و هیچ نفسی جز نفس مبلخ موفق نخواهد شد  
 عاقبت جمیع امور سراب و فیض هدایت بارد و شراب ع ع .  
 ۱۷ - لوح مبارک بواسطه جناب میرزا علی بنگسار  
 تبریز - احبای الهی :

هو الله

ای یاران عزیز عبدالبهاء در عالم وجود هر امر عظیمی را  
 زمانی و جهان الهی را موسم و بهاری این ایام فصل  
 ربیع تبلیغ است و موسم انتشار امر بدیع هر موسمی فصل  
 بهار نه و هر وقتی زمان غنچه و گل و شکوفه و ازهار نیست  
 در بهار هر دهقان بمجرد بذرافشانی گشتزار راسبز و خرم  
 بیند و باغبان بمجرد آبیاری درختان را پرگل و شکوفه  
 مشاهده نماید حال چون وقت تبلیغ است و بهار اسرار

یاران الهی باید با عبدالبهاء هم عهد و همدم و همراز گردند و در عبودیت آستان مقدس و خدمت امرالله همقدم و هم آواز شوند در بذل جسم و جان شریک و سهیم گردند و در انجذاب و انبعاث روح و وجدان هم رنگ و هم آهنگ در آن اقلیم شوند ای یاران فرصت را از دست ندهید این اوقات غنیمت است و زمان میدان و هنگام گوی و چوگان هر نفسی بقدمی ثابت و عزمی راسخ و جذب و ولهی روحانی و توجه و تبلی ربّانی زبان به تبلیغ گشاید روح القدس تائید نماید تجربه آسانست و جنود ملاء اعلیٰ صفوف آراسته و منتظر جولان نفوسی در این میدانند تا تائید نمایند و نصرت بخشند و مدائن قلوب به مفاتیح اسم اعظم بگشایند .

ربّ اید عبادك على تبليغ امرك و نشر نجاتك و اعلاء كلمتك  
بين الورى انك انت المقتدر على ماتشاء و انك انت المؤيد  
الموفق الكريم ع ع .

۱۸ - لوح مبارك :

هوالاتهسى

ای بنده حقّ خاموش مباش ساکت منشین بابیان شیرین  
وتبیان شکرین و لب نمکین در نشر میثاق مبین و تبلیغ امر  
عظیم سمعی بلیغ و جهد جهید نما قسم بروی و خوی



بها که ایامیکه در غیر نشر نجات الله بگذرد ليله يلد است  
 و ظلمت دهماء و نفسیکه در غیر تبلیغ امر الله برآید انقطاع  
 نفس حیات طیبه عالم بالا پس ای یار موافق بیا همه  
 دامن بکمر زنییم و بعبودیت آستان مقدس شب را روز کنیم  
 و روز را یوم فیروز تا حرارت آتش جهان افروز نمائیم و نصره  
 یا بهاء الابهی در قطب آفاق برآریم همیشه اخبار شما  
 برسد ع

۱۹ - در لوح تلامذه درس تبلیغ طهران میفرمایند:

" ما آرزو چنان که گلشن الهی را سرو روان گردید و انجمن  
 رحمن را چراغ تابان شوید و مانند نهنگ عشق درخروش  
 آئید و چون دریا پر جوش شوید امروز سپاه ملاء اعلی  
 نصرت مبلغین مینماید و جنود ملکوت ابهی معاونت مجاهدین  
 میفرماید میدان بیان وسیع و فسیح باید بگوئید تا گوی  
 سبقت و پیشی برآئید هر بنیانی عاقبت ویران گردد  
 و هر بنیادی برافتد مگر اساس متین هدایت گبری کوه  
 الی الابد متمادیا اتساع یابد و متانت جوید اگر نفس  
 مبارکی سبب هدایت شخصی شود آن شخص نیز بنشستر  
 نجات پردازد نفوس دیگر را بیدار کند و آن نفوس دیگر  
 جمعی را بشاطی موهبت گبری رسانند پس این موهبت  
 تسلسل یابد والی الابد تزاید نماید تا بدرجه ای رسد که

يك نفس منجر بملتی كبری و امتی عظمی و هدایتی عام گردد  
 و این دانه خرمنها تشکیل نماید پس واضح شد که بنیان  
 عظیم و اساس متین در عالم انسانی هدایت کبری است  
 چون سراجی برافروزد سبب افروختن سراجهای بی پایان  
 گردد پس این چه نعمتی است عظمی و چه الطافیست بی پایان  
 تا توانید شب و روز بگوشید و بجوشید و بخروشید که هر يك  
 مانند دانه خرمهای بی پایان تشکیل نمائید .

۲۰- در لوح مبارك مندرج در صفحه ۳۸۷ مکاتیب

اول میفرمایند :

" ای یاران وقت راحت و آسایش نیست زمان صمت و سكون  
 نه عندلیب گلشن وفا را نغمه و الحان بدیع لازم و طوطی  
 شکرشکن هدی را نطق بلیغ واجب سراج را نور و شعاع  
 فرشی است و نجوم را درخشندگی مستمر حتم دریا را موج  
 باید و طیور را اوج شاید لئالی را لمعان لازم و ازهار  
 ریاض عرفان را بوی مشکبار واجب از فضل حی قدیم امید  
 چنانست که کل بر آنچه باید و شاید موفق گردیم " .

۲۱- و در لوح محفل روحانی طهران میفرمایند :

" بساط تبلیغ باید در جمیع احیان ممد و گردد زیرا تا تائید  
 الهی موکول بر آن اگر نفسی بجان و دل در نهایت همّت  
 کم بر تبلیغ امر الله نبندد البته از تائید ملکوت ابهت

محروم ماند ولی باید که بحکمت باشد و حکمت این است که بمدارای الهی و محبت و مهربانی و صبر و بردباری و اخلاق رحمانی و اعمال و افعال ربّانی تبلیغ نماید نه اینکه به صمت و سکوت پردازد و یکی فراموش نماید خلاصه احبای الهی را فردا فردا به تبلیغ امرالله تشویق نماید که حکمت مذکوره در کتاب نفس تبلیغ است ولی بمدارای تا تأییدات الهیه احاطه نماید و توفیقات صمدانیه رفیق گردد.

۲۲- در لوح مبارک و صایا میفرمایند :

" این طیر بال و پرشگسته و مظلوم چون آهنگ ملاء اعلیٰ نماید و بجهان پنهان شتابد و جسدش تحت ادا بلاق قرار یابد یا مفقود گردد باید افنان ثابته راسخه بر میثاق الله که از سدره تقدیس روئیده اند باحضرات ایادی امرالله علیهم بهاء الله و جمیع یاران و دوستان بالاتفاق بنشر نجات الله و تبلیغ امرالله و ترویج دین الله بدل و جان قیام نمایند دقیقه ای آرام نگیرند و آنسی استراحت نکنند در ممالک و دیار منتشر شوند و آواره هر بلاد و سرگشته همراقلیم گردند و دقیقه ای نیاسایند و آنسی آسوده نگردند و نفسی راحت نجویند در هر کشوری نصره یا بهاء الابهی زنند و در هر شهری شهره آفاق شوند و در هر انجمنی چون شمع برافروزند و در هر محفلی نار عشق

برافروزند تا در قطب آفاق انوار حق اشراق نماید و در شرق و غرب جم غفیری در ظل کلمة الله آید و نفحات قدس بوزد و وجوه نورانی گردد و قلوب ربّانی شود و نفوس رحمانی گردد در این ایام اعمّ امور هکذا ایت ملل و امم است باید امر تبلیغ را مهم شمرد زیرا اساس است این عید مظلوم شب و روز بترویج و تشویق مشغول گردید دقیقه ای آرام نیافت تا آنکه صیت امر الله آفاق را احاطه نمود و آوازه ملکوت ابهسی خاور و باختر را بیدار کرد یاران الهی نیز چنین بایند بفرمایند این است شرط وفا و این است مقتضای عبودیت آستان بهاء " .

۶۳- در لوح دیگر میفرمایند :

" الیوم حقائق مقدسه ملاء اعلی در جنت علیا آرزوی رجوع باین عالم مینمایند تا موفق بخدمتی بآستان جمال ابهسی گردند و به عبودیت عتبه مقدسه قیام کنند " .

۶۴- در لوح مبارک خطاب بجناب ابن اصدق میفرمایند :

" در فکر تبلیغ نفوس مهّمه باشید حال عظمت امر ارکان عالم را گرفته است اکثر نفوس باطنا مایلند که اطلاع یابند ولی خوف از شهرت دارند زیرا یاران بمجرد اینکه نفسی اقبال نماید با کوس و کسرا اعلان نمایند نفوس مهّمه چون نظارگاه عمومند خوف و خطر دارند و فی الحقیقه باندازه ای حق دارند زیرا

زود معترض آنان گردند و لابد با جمعی از مردم مشکلات و معضلات دارند آنان بهانه نمایند و قضیه ایمان نفوس مهمه را وسیله غلبه برایشان کنند . باری تا توانید چنین نفوس را محرمانه هدایت کنید و او را سفارش تمام برکتمان نمائید همچنین پیش نفسی ذکر او نمائید .

( نقل از مائده آسمانی صفحه ۶۰۹ )

۲۵- در لوح دیگر میفرمایند :

" تا نفوس در هر دیار قیام به تبلیغ امر پروردگار نمایند  
 دلبر موهبت جلوه ننماید انوار هدایت نتابد و صبح هدی  
 اشراق نکند و جهان جهان دیگر نشود ایام بگسالت  
 بگذرد و اوقات بی ثمر ماند و عاقبت زیان و خسران رخ بنماید  
 حسرت احاطه کند و آرزوی جان مبدل بزیان و خسران  
 گردد تا وقت است باید کوشید و جوشید و خروشید  
 تا صبح امید بتابد و نور توحید بدرخشد و آفاق منور  
 گردد جانها پریشان شود دلها پرمسرت گردد دیده‌ها  
 روشن شود و حقایق انسانیه گلشن گردد . این است  
 موهبت عظمی این است هدایت کبری این است  
 فضل بی منتهی امروز کوکب روز افروز تبلیغ امر الله است  
 هر نفسی مویّد بان مقرب درگاه کبریا ."

( نقل از مائده آسمانی صفحه ۶۰۹ )

۲۶- در لوح مبارك خطاب بجناب اديب ميفرمايند :

" لعمرك الله لو هديت احدا من عباد الله خير لك عن سلطنة الارض و تمك ما عليها ان ربك لهو الشاهد الكافي العظيم . "

۲۷- در لوح ديگر ميفرمايند :

" اليوم تائيدات الهيه شامل نفوسى است كه شب و روز به تبليغ امر الله مشغولند و بنشر نفعات الله مألوف اين است مغناطيس عون و عنايت و موهبت حق . "

۲۸- و نيز ميفرمايند :

" امروز اعظم امور نشر نفعات الله است بايد اماء الرحمن در طهران توجه بملوكوت ابهى نمايند و تائيد مستوفى طلبند و بترويج تعاليم الهى پردازند و مادون آنها فراموش كنند زيرا مادون آن سبب صداع است و تضييع اوقات و مشغوليت بى فايده و ثمر و نتيجه اش كسالت و بطالت . امر تبليغ مهم است باين امر بايد متمسك باشند و بس . هر يك از اماء الرحمن در اين ميدان جولان نمايد موفق و مويد گردد . " ( نقل از مائده آسمانى صفحه ۶۱۱ )

۲۹- و نيز ميفرمايند :

" اليوم اعظم امور و اهم شئون تبليغ امر الله و نشر نفعات الله است بجمع وسائل بجهت اين ترويج قيام

باید نمود و الیوم این امر مؤید است و جنود ملکوت ابهی ناصر اینمقام و خادم این مقصد زمان تأسیس است نه تزیین و وقت وقت ترویج است نه تعدیل از خدا بخواهید و دعا کنید که جمیع را موفق بر این امر عظیم نماید و از این موهبت نصیبی بخشد .

۳۰- و نیز میفرمایند :

" باری امیدوارم که احبای حقیقی و دوستان صمیمی در این ایام شوری جدید بنمایند و جوش و خروشی پدید آرند زیرا جمیع طوایف عالم نهایت استعداد یافته که تعالیم الهیه استماع نمایند زیرا وقوعات خونریزانه در این جنگ سبب شد که ناس خواه ناخواه مفتون صلح عمومی گردند و مجذوب مغناطیس الهی شوند و تشنه چشمه تعالیم ربّانی گردند اگر نفوس مبارکه بتمام قوت برنشر نفعات قیام نمایند اندک زمانی نمیگذرد که بنیان جنگ برافتد و بنیاد بغض و عداوت بکلی معدوم و مهدوم شود بهار روحانی آید و نغمات رحمانی وزد حرارت شمس حقیقت چنان نافذ شود و احاطه کند که جمیع پرودت و خمودت و کسالت از کون زائل گردد ."

( نقل از مائده آسمانی صفحه ۶۲۶ )

۳۱- در لوح مبارک مندرج در مکاتیب جلد شانسی

صفحه ۲۵۷ میفرمایند :

” وقت ترویج است و هنگام نشر نفعات ربّ عزیز هر کس در میدان تبلیغ بتازد گوی از این میدان ببرد و هر نفسی بنفعات حق مؤانس گردد رخس چون آفتاب بتابد تو استمداد از ملکوت ابهسی جو واستفاضه از ابر میثاق نما از چشمه پیمان و ایمان یزدان آب خور که ماء حیوان است وعین تسنیم جنت رضوان ” .

۳۲- و در لوحی میفرمایند :

” باید در محفل تبلیغ بکمال شیرینی سخن گفت و طوطی شکرشکن گشت ..... عنقریب ملاحظه نمائی که انوار عزّت قدیمه از جبین مبلغمین طالع و شعاع موهبت الهیه از افق مروجین ساطع پس تا توانی زبان بذکر ظهور اسم اعظم بگشای ناس را بظل جمال قدم بگشای تشنگان را عذب فرات شو گمگشتگان را راه نجات ماهی لب تشنه را آب حیات شو و کاروان گمگشته را ستاره صبحگاه نجات وقت را از دست مدهید و زمان حال را غنیمت شمرد شب و روز بکوشید و چون نهنگ دریای عشق بخروشید و باهنگ ملکوت ابهسی صلاهی حیّ علی الفلاح و حیّ علی النّجاح و حیّ علی الصّلاح زنید قسم بجمال مقصود که الیوم جز خدمت امر مبارک و ترویج دین الله و اعلاء کلمة الله و ثبوت بر عهد و میثاق هر فکر و نگرانی خسران مبین است خواه عرشی و خواه فرشیی



شغل صبیانست و هوس طفلان از من بشنو در محفل  
 جز این اذکار را شری نه و در انجمن جز این انوار را اثری  
 نیست " .

۳۳- در لوحی خطاب به علویه خانم میفرمایند :

" باری یاران الهی را تحیت عبد البهاء برسان و بر نشتر  
 نذحات الله تشویق نما و بر تبلیغ امر الله تحریر کن زیرا  
 ایام زندگی بسر آید و ناکامی و کامرانی هر دو نمانند  
 و حیات انسان بی نتیجه گردد . ملاحظه نمائید که بعضی  
 از نفوس محافظت خویش نمودند و از بیگانه و خویش مکتوم  
 داشتند لسان بد تبلیغ نگشودند عاقبت بی ثمر و اثر  
 ماندند ولی نفوس دیگر در راه حق جانفشانی نمودند و  
 به هدایت خلق لب گشودند و بوصایای الهی عمل نمودند  
 آن نفوس در افاق تقدیس مانند ستاره صبحگاهی رخسند  
 و تابانند " .

۳۴- در لوحی دیگر میفرمایند :

" ای بنده الهی تا توانی در هدایت خلق گوش و سقایت  
 بوستان حق نما بد عنایت در مزرعه آفاق تخی پاک افشاند  
 و البته این گشت دهقان حقیقت جهان را بهشت نماید  
 و این تخم پاک ارض را زینت افلاک بخشد و احبای الهی در  
 این جویبار آبیاریند و آب فیض حضرت پروردگار پس تا توانی

آبیاری کن تافیش حضرت باری کامکاری بخشد و نور احدیت  
 بدرخشد و یگانگی علم افرازد و بنیان بیگانگی براندازد  
 محبت عمومی رخ بگشاید و جهان آئینه فیش یارمهربان شود  
 و عليك التّحيّة والثّناء ع

( نقل از مجموعه الواح استنساخ شد ه شیراز )

۳۵- در لوح خطاب جناب میرزا آقا افغان میفرمایند:  
 " الیوم یومیسبت که باید کل افکار را فراموش نمود و جمیع فکر  
 وهوش را متوجه امر واحد نمود و آن اعلاء کلمة الله ونشر  
 نجات الله است در هر عهد و عصر امری مؤید الیوم جنود  
 ملکوت ابهی ناصر نفوسی است که بکلی از خود وخویش و بیگانه  
 بیخبرند چون شمع در جمیع آفاق روشنند و چون گل معطر  
 احمر زینت هر گلزار و چمن شب و روز جز در دست وردی  
 ندارند و صباح و مساء بغیر از حی علی الفوز والفلح ذکر  
 نکنند این نفوس مؤید بفریق ملائکه ملاء اعلی هستند و  
 منظور بلحظات عین رحمانیت طلحة نورا در ملکوت ابهی  
 الان تکلیف جمیع احبایا رحمن این است فکیف افغانان  
 سدره منتهی " .

( نقل از مجموعه الواح استنساخ شده شیراز )

۳۶- در لوح مبارک بافتخار احبای امریک مندرج در مگنا<sup>تیب</sup>

سوم صفحه ۷ میفرمایند :

" باری امیدوارم که در این خصوص همت عظیمه نمائید و یقین است که مؤید و موفق خواهید گشت نفسی که بحقایق و معانی ظهور ملکوت بشارت دهد مانند دهقانی ماند که تخم پاک در زمین پاک افشاند و ابرنسانی فیض باران مبذول دارد البته در نزد سرور قریه مرفرازگرد و خرمنها تشکیل نماید پس ای یاران الهی وقت را غنیمت شمیرید و بتخم افشانی پردازید تا برکت آسمانی و موهبت رحمانی یابید ."

۳۷- و نیز در لوح دیگر خطاب با حبابی امریک مندرج

در صفحه ۲۲ مکاتیب سوم میفرمایند :

" پس یقین بدانید که هر نفسی الیوم بنشر نجات الله قیام نماید جنود ملکوت الله تائید فرماید و الطاف و عنایات جمال مبارک احاطه کند ایکاش از برای من میسر میشد که پای پیاده در شهرها و دهات و کوه و بیابان و دریا یا بهاء الابهی میگفتم و ترویج تعالیم الهی مینمودم و لسی حال از برای من میسر نه لهذا در حسرتی عظیم هستم بلکه انشاء الله شماها موفق گردید ."

۳۸- در لوح دیگر میفرمایند :

" شب و روز در تبلیغ امر الله بکوشید زیرا الیوم این امر مؤید است و هر نفسی در این میدان قدم نهد مظهر نصرت

ملکوت ابهی گردد . اعظم امور الیوم این امرعظیم است  
توجه کلی باین خدمت عظمی نمائید **وَاللّٰهُمَّ اجْعَلْ اورادی**  
**واذکاری زکرا واحدا و وردا واحدا وحالی فی خدمتک**  
سرمد **اگوئیید** .

۳۹- ونیز میفرمایند :

" الیوم امری جز نشر نجات الله و تبلیغ اهل عالم وهدایت  
من علی الارض مؤید و فووق نه هر نفسی بخواهد که ابواب  
عنایت از هر جهت گشاده یابد باید به تبلیغ پردازد ."

۴۰- و همچنین میفرمایند :

" امروز در عالم وجود یرلیخ بلیخ زبان تبلیغ است  
این رق منشور و فرمان ربّ غفور در دست هر سر مستی باشد  
عالم امکان را تسخیر نماید و جمیع وجود را بظل خویش  
در آورد این است امرعظیم این است نورمبین این است  
الطاف ربّ جلیل طوبی لمن فاز فی هذا الیوم المسیر ."

۴۱- لوح مبارک بافتخار حضرت سمندر :

هو الابهی

ای سمندر نارموقده ربّانیه در این کوراعظم و قرن سلطان  
ملك قدم نفوسی بجنود ملکوت الاهی مؤید و موفق گردند که  
چون افواج قدرت و قوت در میدان نشر نجات الله هجوم  
نمایند و در اعلاء کلمة الله بکوشند ظلمات حاله ضلالت را

را صبح نورانی باشند و غیوم متراکه متکافه افق عالم را  
 اشعه شدیدة الحرارة آفتاب رحمانی تشنگان زلال هدایت  
 را سلسبیل نجات باشند و گمگشتگان بادیه غفلت را دلیل  
 معین حیات الیوم هر مقصدی جز این مقصد جلیل عبث و  
 هر سعی و کوششی جز در این سبیل بی ثمر این مقصد  
 الیوم موفق است هر نفسی بر این امر قیام نماید یعنی تبلیغ  
 امر الله قسم بجمال قدم که تائیدات الهی را چون  
 امواج بحار مشاهده نماید و توفیقات رحمانیه را چون آفتاب  
 آشکار پس ای طیرناری شعله ای از نار موقده محبت الله  
 برکد آفاق زن و شراره ای از لعله طور و شعله نور بر قلب  
 امکان بعد از احتجاب ابصار از مشاهده آن وجه پر انوار  
 صبر و قرار مشکوره و با هر دیگر ولو جوهر توحید باشد مشغولیت  
 مدوح نیست جمیع احبای الهی را تشویق به تبلیغ فرما  
 و گل مخلصین را بر تنویر ابصار سایرین دلالت کن این ایام  
 عنقریب منتهی گردد بعون و عنایت جمال قدم روحی  
 لاقدام احبائه الفدا باید بخدمتی موفق گردیم که حیثین  
 صعود با رخی روشن و جانی چون گلشن و روحی مستبشر  
 و مشامی معطر و بصری منور در ملکوت ابهائش داخل و در ظل  
 سدره رحمانیتش مقرّ یابیم ربّ اید عبدك الموقن بآیاتك  
 والمبشر ببشارتك علی نشر نجاتك و هبوب نسماک و ظهور

آثارك وسطوع انوارك وصل اللهم على دوحه فردانيتك  
 وارومه وحدانيتك و على اغصانها وافنانها و اوراقها و اثمارها  
 عبد البهاء ع "

۴۲ - در لوح مبارك خطاب باعضای محفل تهذيب

طهران ميفرمايند :

" ای ثابتان بر پیمان این همتی که در ارسال مبلغین  
 باطراف نموده اید بسیار محبوب و مقبول و این از اعظام  
 خدمات بحضرت مقصود زیرا بذرافشانیست و نشـر  
 نفحات الهی بنیه امر بخلوص مبلغین و انقطاع مخلصین  
 قوت یابد و مبلغین فی الحقیقه در حدود و شعور صـف  
 حرب میآرایند و جیش عاملند نه لشکر رابط و بقوه هدایت  
 کبری قلاع و حصون قلوب را فتح مینمایند و مشام اهل آفاق  
 را بنفحات قدس معطر میکنند طوبی لهم و بشری لهم  
 من الملکوت الابهی ."

۴۳ - بیانات شفاهیه مبارک حضرت عبد البهاء در حیف

۳ صفر ۱۳۳۲

هو الله

اگر ما جمیع احبا که در ظل سدره منتهی هستیم در تبلیغ  
 قیام کنیم حق جل جلاله تائیدات خواهد نمود هر فکری  
 و نذری و عبادتی و خدمتی را بگذاریم و به تبلیغ و عبودیت

آستان مقدس پردازیم مگر عبادت‌های مفروضه می‌بینید که چه خبر است به تبلیغ امرالله شجره مبارکه درنوا است تبلیغ عالم انسانی را نورانی میکند تبلیغ کوره‌ها را بینا مینماید گنگانرا گویا مینماید جمیع اینها تحقق نمییابد مگر به تبلیغ این است چیزی که سبب حیات عالم است سبب ترقیات عالم انسانی است سبب ظهور کمالات معنوی است سبب علو و سمو در جمیع عوالم وجود حتی در نقطه تراب خود انسان چقدر نورانی میشود چقدر روحانسی میگردد چقدر حالت خوش پیدا میکند یک حالت دیگری یک روشنایی دیگری یک روح دیگری یک قوه دیگری پیدا میکند مثلاً انسان زحمت میکشد تا آنکه نفسی خصلت‌سی از خصائل موهومه اش را فراموش کند لیکن بمجرد اینکه تبلیغ شود و ایمان بیاورد جمیع آن خصائل زمیمه را ترك میکند مثلاً در نهایت جبن بود در نهایت شجاعت میشود در نهایت آلودگی بود در نهایت تنزیه و تقدیس میشود در جمیع شئون ترقی مینماید حتی در شعور و فطانت و ادراك و نگاه ترقی میکند .

۴۴ — در سفرنامه مبارک جلد اول صفحه ۳۳۸ مذکور است "و چون از اکلند بسانفرانسیسکو مراجعت فرمودند برای جمعی از جوانان احبا که دائم در فکر تبلیغ امرالله و نشر

نفحات الله بودند میفرمودند : " شکر کنید خدا را که فیض الهی بشما رسیده شمس حقیقت بر شما تابیده و آب حیوان و حیات آسمانی بجهت شما مهیا گردیده انسان چون از چشم شیرینی بنوشد باید در نوشانیدن بساثرین بگوشد حضرات از من خواسته اند که در تبلیغ امر الله صحبت کنم مفصل ذکر کرده ام باز هم میگویم که اول باید وجود انسان خود منقطع و منجذب باشد تا نفسش در دیگران تأثیر نماید هر کس در این میدان قدم گذاشت موفق شد ابواب عرفان بر وجهش مفتوح گردید چشمش بینا گشت و بنفحات روح القدس مویزند شد هم خود هدایت گردید هم سبب هدایت دیگران شد البته وقتی انسان نغمه خوشی میخواند اول خسود مثلذذ و محظوظ میشود لهذا چون بنای هدایت ناس نهد و بیان دلائل کند مذاقش شیرین تر و قلبش مسرورتر شود و دیگر آنکه هر چیزی محدود است مگر فیض الهی که بسبب تبلیغ امر الله بر انسان نازل میشود و الهامات ربانیه تأیید مینماید این است که حضرت مسیح فرمود وقتی که میخواهید صحبت بدارید فکر کنید روح القدس شمارا الهام میکند اگر عزت ابدی و حیات سرمدی و علویت آسمانی خواهید تبلیغ کنید تأییدات الهیه بشما میرسد چرا که تجربه شده است اما ثبات و استقامت میخواهد ملاحظه حواریان مسیح نماید



که بچه ثبوت قیام نمودند تا امر را از پیش بردند حتی جان خود را فدا نمودند .

۴۵- در صفحه ۲۵۸ مذکور است :

” در خصوص تبلیغ امرالله در ممالک امریکا میفرمودند که بجهت این بلاد مبلغ منقطع و عالم بسیار واجب است مثل بعضی از مبلغین جانفشان ایران باید امرالله در این صفحات تمکن تام حاصل نماید و مبلغین پی در پی از شهری بشهر دیگر سفر نمایند و ندای الهی را بلند کنند آنوقت تائیدات ملکوت ابهی احاطه خواهد نمود و قیامتی برپا خواهد شد هنوز آن نحو که من میخوامم تحقق نیافته بسته بتائیدات ملکوت ابهی است و انفاک پاک احببنا خدای واحد شاهد است که اگر نفسی نفس پاکی در حالت انقطاع بکشد ولو تا هزار سال باشد تأثیراتش ظاهر خواهد شد .”

۴۶- در صفحه ۳۲۹ مذکور است :

” عصر باز در مجمع احببا تأکید در امر تبلیغ میفرمودند که هر روزی امری مؤید است و هر وقتی مقصدی مقتضی امروز تبلیغ امرالله و نشر تعالیم الهیه جاذب تائیدات غیبیه است وقت تخم افشانی است و القاء کلمه الهی .”

۴۷- در سفرنامه جلد ثانی صفحه ۳۵۲ مذکور است :

" فرمودند اعظم و اقدم امور تبلیغ امرالله است اینکار مؤید است از جمیع نفوس بیشتر من مستحق راحت گذشته از ضعف بنیه و این درجه از سن باید در مرکز باشم تا از جمیع اطراف خبرچگونگی احوال برسد و من بانجام امور پردازم . باوجود این برای تبلیغ و اعلاء کلمه الله آنی راحت ندارم بلکه خدمتی باستان الهی نمایم و این سرمشق احباب باشد... شب و روز آرام نگیرند دائما باکمال خلوص و انقطاع در فکر تبلیغ امرالله باشند در اینصورت یقین است که با آنچه سزاوار است مؤید گردند ولله الذی لا اله الا هو که اگر نفسی چنانچه باید قیام کند ابواب آسمان بر او گشوده شود جنود ملاء اعلی حمایت او نمایند عزت قدیمه یابد و حیات ابدیه جوید ."

۴۸- و در صفحه ۱۴۰ مذکور است :

" چون جناب آقا میرزا علی اکبر رفسنجانی را امر بمسافرت بسمت سویس نمودند بایشان میفرمودند امروز اعظم امور مسئله تبلیغ امرالله است که نفوس را نجات و فلاح بخشد حیات ابدیه مبذول دارد رضای جمال مبارک در این است و در مقام محویت و فنا که انسان از خود وجودی نداشته باشد شما را برای تبلیغ میفرستم انشاء الله مؤید شوی در کمال شجاعت و شهامت برو و اعتنائی باستگبار و اعتراض نفوس مکن

امروز هیچ چیز بکار نمیخورد مگر تبلیغ امرالله این است که من همه امور را گذارده مشغول تبلیغ شدم وقتی جمسال بروجردی بمکا آمد دیدم افکارش پراکنده است باو گفتم از طهران تا اینجا هیچکس را تبلیغ کرده ای گفت نه پیش نیامد اورا نصیحت کردم که از برای تو امروز تبلیغ امرالله الزمت این برای تو مفید است واقعا چقدر جاه طلبی انسان را دلیل میکند بالعکس محویت و فنا او همه چیز میآلبید هیچ نیافت برعکس آقا میرزا حیدر علی هیچ نمیخواست همه چیز را یافت روز بروز هرچه او خواست و نیافت این نخواستته یافت او صحو بود محوشد ایمن صحو بود صحو گردید."

۴۹- در صفحه ۳۳۰ مذکور است :

" فرمودند امروز جنود توفیق و تائید ظاهر نفوسی است که بر خدمت کلمه علیا قیام کنند و باعلاء امرالله مشغول شوند قوای آسمانی آن نفوس مبارکه را نصرت نمایند بر جمیع قوای عالم غالب و مظفر گردانند اگر مردم اندکی تأمل و تفکر کنند زود حالت انتباه حاصل نمایند و دریابند که آرمگاهی جز در ظل کلمه الله نیست و جز تشبث و توجه بقوه معنویه و تعالی الهیه هیچ امری سبب مسرت روح و تسلی خاطر و اطمینان وجدان نه هیچ گنجی بی درد و بی دام نیست غیر خلوتگاه

عشق آرام نیست. عنقریب خواهیم دید که تمدن اروپائیهما نیز منجر بجنگ عالمگیر و منتهی بانقلاب و هرج و مرج شود جمال مبارک چه صدمات و بلائی را تحمل فرمودند چه نفوس مقدسه ای فدا شدند تا این بنیان سعادت عزت ابدی تأسیس شد و این خیمه وحدت عالم انسانی بلند گردید حال باید احبای جمال مبارک شب و روز مشغول خدمت و در فکر حفظ و حراست اساس امرالله باشند بخود مشغول نباشند از جمیع شئون و افکار شخصی چشم پوشند و نگذارند این زحمات هدر رود."

۵- در لوح مبارک خطاب باحبای ایران میفرمایند :

"باید احبای مدن و قری در نهایت اتحاد و اتفاق و خلوص و انجذاب بنشر نفعات الله پردازند حضرات مبلغین باید در نهایت خلوص و تمکین و تقدیس و تنزیه در سیرو حرکت باشند و جمیع احبا باید نهایت رعایت را در حق نفوس مبارکه صادق مجری دارند". (نقل از کتاب گنجینه حدود و احکام)

۱- در لوح مبارک خطاب بجناب احمد علی مقانی

میفرمایند :

"قوت تبلیغ موهبتی است نه اکتسابی بیان حجت و برهان فیض رحمان است نه بواسطه علوم و معانی چه بسا یار واقع که شخصی امی سبب هدایت عالمی گردید حال تونیز

توکل برحق کن و باعدم بضاعت باین تجارت راجحه پرداز  
 زیرا سرمایه فیض جمال مبارک است و الطاف حضرت مقصود  
 امیدوارم بآن مؤید و موفق شوی لسان فصیح بگشائی و در  
 تبلیغ بیان بلیغ بنمائی ."

۵۲- درلوح مبارک خطاب باماء الرحمن شیراز

میفرمایند :

" ای ورققات موقنات درصفحات اروپا و امریکه  
 اماء الرحمن گوی سبقت و پیشی را از میدان رجال ربوده اند  
 و درتبلیغ و نشر نفعات الله ید بیضا نموده اند عنقریب  
 مانند طیور ملاء اعلی در اطراف و اکناف دنیا بی پرواز آیند  
 و هرنفسی راهدایت کنند و محرم راز گردانند شماها که  
 ورققات مبارکه شرقید باید بیش از آنان شعله زنید و بنشر  
 نفعات الله پردازید و ترتیل آیات الله کنید پس تا توانید  
 بنصایح و وصایای جمال مبارک قیام نمائید تا جمیع آرزوها  
 میسر گردد و آن جو بیار و چمن گلشن احدیت شود ."

۵۳- درلوح مبارک خطاب بجناب میرزا حاجی آقا

طهران میفرمایند :

" محافل بسیار مقبول ولی باید جمیع مجالس محافل تبلیغ  
 باشد این تأیید دارد این سبب اعلاء کلمة الله است  
 و این سبب عزت امر الله محفلی که تو آراسته ای چون محفل

ذکر الهیست و تلاوت آیات و مناجات و امید است که  
نفوس تبلیغ گردند لهذا این محفل محفل سرور و حبور است  
٤ هـ - لوح مبارک خطاب به شیراز محفل تبلیغ نساء  
علیهن بهاء الله الابهی :

" ای اماء الرحمن نامه شما رسید و دل و جان شادمان  
شد که جناب منیر تاسیس محفل تبلیغ نمود از این خبر  
نهایت شادمانی رخ داد و امید چنانست که این محفل باقی  
و برقرار باشد و جمیع نساء یاران بهره و نصیب از ملکوت اسرا  
برند و مقتدر بر تبلیغ دیگران شوند تا عیدات جمال مبارک  
شامل شود حضرت ملکوت ابهی جلوه نماید عالم نساء در  
دوره سابق بخصیارتاریک بود در این دوره بالعکس روشن  
گردد و گوی سبقت را از میدان بر بایند نطق فصیح بگشایند  
و بیان بلیغ جویند و در نهایت شجاعت صف جنگ بیارایند  
و بقوت برهان و سطوة عرفان همالک قلوب را مسخر نمایند  
و علیکن الجہاء الابهی فرصت بیش از این نیست رمضان ۱۳۳۹  
عکا بهجی عبدالبهاء عباس "

٥ هـ - در لوح مبارک خطاب بجناب آقا سید حسین افغان

میفرمایند :

" ولیکن هر موهبتی راقوه جاذبه لازم و هر عنایتی راقوه  
طالبه واجب مفاطیس مواهب الهیه در این ایام اشتغال

بشر نجات الله است قسم بجمال قدم كه جسم تیره  
 خاک نورپاك گردد و ظلمت شديد شمع مبین شود".  
 ٥٦- در لوح مبارك خطاب بجناب ميرزا فتحعلی  
 سروستان میفرمایند :

" اگر تائید ملكوت جمال الهی جوئی بر عهد و میثاق ثابت  
 باش و دیگرانرا راسخ دار اگر عزت قدیمه پایدار  
 جوئی ترویج امرالله کن زیرا تبلیغ امرالله عبارت از افشاندن  
 تخم پاك در زمین طیب طاهر است".

٥٧- در لوح خطاب بجناب آقا میرزا مهدی خان شریک  
 جناب امین میفرمایند :

" ثابت پیماننا نامه نیمه صفر و اصل گردید مضمون دلالت بر  
 آن مینمود که در این امر عظیم در ملاء عام منتشر است و مبلغی  
 خواسته بودید انشاء الله ارسال میگردد جمیع ایـران  
 استعداد عجیبی حاصل نموده یاران الهی باید هر یک  
 به تبلیغ پردازند لسان فصیح بگشایند و بیان بلیغ بنمایند  
 و اقامه ادله و براهین کنند و بشارت بنور مبین دهند  
 هر نفسی اگر در سال يك نفس تبلیغ کند در مدت قلیلی  
 انتشار عظیم یابد".

\*\*\*\*\*

\*\*\*

ح- از بیانات مبارکه حضرت ولیّ امرالله :

۱- در لوح مبارک مورخه ۱۵ شباط ۱۹۲۲ خطاب  
 بمحفل روحانی طهران میفرمایند :

” ولی آنچه الزم و اهمّ واعظم است تبلیغ امرالله است  
 و تولید آنروح ذوق و شوق ترویج کلمه الله در قلوب افراد  
 احبا بقدر امکان نظر را باید از ترتیب و تنظیم امور داخله  
 احبا باتساع دائره امر و انتشار نفعات الله در بین سائرین  
 متوجه نمود دقائق و جزئیات امور را تا حدی ترک نموده  
 در مهمام امور که ارتفاع صیت امر و حفظ حصن حصین  
 شریعت الله است و تحسین اخلاق افراد بشر است کوشید  
 تالطمه ای بر امرالله وارد نگردد و بلیات و شهادت حضرت  
 ربّ اعلی و اسیری و زندانی جمال قدم و بلیات متابعه بر  
 حضرت عبدالبهاء و دم اطهر شهداء هد در نیورود  
 وعده های صریحه منزله از قلم میثاق تحقق یابد .  
 قوله الاحلی :

” این موهبت عظمی و این منقبت گبری حال اساسش بیست  
 قدرت الهیه در عالم امکان در نهایت متانت بنیان و بنیاد  
 یافت و بتدریج آنچه در هویت دور مقدس است ظاهر و آشکار  
 گردد الان بدایت انبات است و آغاز ظهور آیات بینات



در آخرین قرن و عشر معلوم و واضح گردد که چه بهار روحانی بود و چه هوهبت آسمانی .

۲- در لوح مبارک مورخه ۲۷ شباط ۱۹۲۳ خطاب

باحبای شرق میفرمایند :

" باری این اقدامات و تأسیسات هر چند از تمهیدات مهمه و مشروعات لازمه این ایام محسوب ولی زنهار زنهار بدین واسطه امر مهم تبلیغ تمویق گردد و در ترویج کلمه الله و بث تعالیم الله تعطیل و فتور حاصل شود یوم یوم ترویج است هنگام هنگام نصرت و تبلیغ این خطاب روح دهندہ حضرت عبدالبهاء را بیاد آرید :

" ای بندگان آستان مقدس جنود ملاء اعلی در اوج علا صف بسته و مهیا و منتظر و مترصد مردم میدان و فارس عرفان که بمحض جولان نصرت نمایند و تائید کنند وقوت الظهر گردند پس خوشحال فارسی که اسب جولان دهد و طوی از برای دلیری که بقوت عرفان در میدان برهان بتنازد وصف جهل بدرد و سپاه ظلمت شکست دهد و علم همدی بلند کند و کوس غلبه بنوازد تالله الحق انه لفی فوز عظیم وظفر مبین و ان هذا هو الفضل البدیع والبهاء علیکم یا احبباء القدیم . نفس این ندا در این اوان داماد از عالم بالا از حضرت عبدالبهاء بگوش سپاهیان در ملک ادنی واصل

درنگ دیگر ممکن نه و تأمل جایز نیست میدان وسیع است  
و اسباب مهیا یقین است که موفق خواهیم شد .

۳- و در لوح مبارک مورخه ایلول ۱۹۲۶ خطاب

باحبای ایران میفرمایند :

" و از فرایض مهمه که از قبل بآن اشاره شد اعظم و الزم از کل  
امر مهم تبلیغ است زنهار زنهار امر تبلیغ دقیقه ای معوق  
و معطل ماند زیرا امر تبلیغ مقصد اصلی اقدامات امریه  
یاران است و مایه سعادت ابدیه آنان . "

۴- و در لوح مبارک مورخه ۷ جولای ۱۹۳۸ خطاب

بمحفل مقدس روحانی ملی ایران میفرمایند :

" اول فریضه محفل جدید التاسیس ترویج امر مهم تبلیغ  
و از دیاد عده مقبلین و ارتباط مراکز امریه بیکدیگر و تهیه  
وسائل متقنه فعاله جهت ترتیب و تشکیل محافل روحانیه  
جدید در داخل ایران و اقالیم مجاوره است عموم یاران را  
مستمر تشویق و تحریص و ترغیب نمائید و <sup>باین</sup> بیان احلی  
بهائیان آنسامان را متذکر دارند قوله الاحلی :

" جمیع همّت را در تبلیغ امر الهی مصروف دارید هر  
نفسی که خود لایق این مقام اعلی است بآن قیام نماید و الا  
ان یاخذ و کیلا لنفسه فی اظهار هذا الا المر الذی به تززع  
کل بنیان مرصوص و اندکت الجبال و انصعقت النفوس . "

فارسان جیش الهی در این سنه باید بقوه ای حیرت انگیز در مضماری تبلیغ جولانی عجیب نمایند و گوی سبقت را از برادران و خواهران روحانی در اقالیم غربیه بر بایند هذا ما ینبغی لهم و لشانهم و مقامهم فی هذا الدور المشمشع الممتنع البدیح<sup>یح</sup> هـ - و در لوح دیگر خطاب بمحفل روحانی شیگاگ - میفرمایند : ( ترجمه )

" آن مولای بیهمتا دائما ما را از ملکوت قدس خود خطاب نموده امر میدهد تا مواظب باشیم که مبادا توجه بسویار و بیوقوف با امور ثانوی جزئی بوی اهمیت و اشتغال کثیر بجزئیات ما را از مهمترین و لازم ترین وظایف خود باز دارد اهمّ والزم وظیفه ما آنستکه به تبلیغ و تبشیر امرالله قیام نمائیم این صلاهی عالم را که حقیقت صرفه است بگوش دنیای غم زده مخروبه ستم دیده برسانیم تا بخود آیند و بذیل مگرمش متمسک گردند ."

۶ - در لوح مبارک مورخه ۲۷ شباط ۱۹۲۳ خطاب

باحبای ایران و ترکستان میفرمایند :

" تنظیم و اتساع امر تبلیغ که از مهم امور است بنصّ قاطع محول بمحافل روحانی گشته و در وقت حاضر تشکیل محافل و مدارس تبلیغ از برای جوانان و اطفال احبا و تعیین وارسا مبلغین بنقاط لازمه و تهیه و تدارک اسباب مادی و معنوی

از برای نفس مبلغین وسد احتیاجات متعلقین ومنتسبینشان  
 وصدور ترتیبات و تصمیمات کافیه در کیفیت سفر وعبور و مسرور  
 ومدت اقامت در نقاط مختلفه کل محول باعضای محافظ  
 روحانی مدن وقری است تا پس از مشورت و مذاکره بانفس  
 مبلغ اعضاء محفل قرار قطعی دهند وکل احبا بدل وجان  
 تصویب و تائید واجرای قرارهای محفل خویش نمایند."

۷- در لوح مبارک مورخه ۱۶ دسمبر ۱۹۲۲ خطاب

باحبای ایران میفرمایند :

"الیوم تبلیغ بشرائط مدونه درالواح اول فریضه هر نفسی  
 است که خدمت به عتبه علیا را طالب و عامل باشد و بهترین  
 اسبابی است از برای هر مشتاقی که مشاهده اشتمال  
 عالم را بنار موقده الهیه آرزو نماید."

۸- در لوح مبارک خطاب باحبای امریک میفرمایند :

( ترجمه )

"حال که شئون اداری امرالهی منظم در توسعه و شعب  
 مختلفه آن از حیث عدد و اهمیت در رشد و نمو است  
 بینهایت لازم و ضروری است که این حقیقت اساسی را بخاطر  
 آریم که جمیع این فعالیتهای اداری هر قدر بنحو مؤثر  
 و با روح وحدت انجام گردد جمیعا فقط وسائل و عوامل  
 وصول بمنظور است و باید بعنوان وسائل مستقیم برای ترویج

امر بهائی تلقی گردد باید این نکته را کاملاً مرکوز ذهن کنیم که مبادا با شور و شوق زیادی که برای تکمیل و اتقان تأسیسات اداری امر داریم مقصود و منظور الهی که این نظم اداری برای وصول بآن اتخاذ شده بگی از نظرها مخفی و پنهان شود باید مراقب و هوشیار باشیم که مبادا احتیاج رو بتزایدی که برای تخصص در امور و وظایف اداری امر الهی موجود است ما را از ملحق شدن بصنوف آن نفوس که در خط مقدم جنگ با فخر و جلال مشغول دعوت جمعیت باین یوم جدید الهی میباشد باز دارد این است آنچه که حقیقتاً باید مقدم بر همه وجهه همت و منظور نظر باشد این است وظیفه و تعهد مقدس و احتیاج فوری و حیاتی ما باید همگی این اصل اساسی را در خاطر داشته باشیم زیرا سرچشمه جمیع مساعی و مجاهدات آینده است و رافع مزاحم و موجب تحقق آمال مولای حنون .

۹- در لوح دیگر خطاب بمحفل روحانی ملی امریاء

میفرمایند : ( ترجمه )

" مؤمنین بایستی امر را بجمیع حتی بآنان که بنظر مستعد نمیابند ابلاغ کنند زیرا مقیاس حقیقی نفوذ کلمة الله را در افکار و قلوب نفوس نمیتوانند قضاوت نمایند بایستی ابلاغ کلمه کنند حتی بآنان که بصورت ظاهر فاقد هرگونه قوه

قبول تعالیم میباشند شاید علت عدم موفقیتتان در میدان تبلیغ همان است که بیشتر ناظر بضعف و عدم لیاقت خود برای اعلاء کلمه الله میباشید حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء کز او تأکید فرموده اند که نظر بجز خود ننموده بلکه چون توکل و اعتماد مان را بخدا واگذاریم بمحض اینکه قیام نمودیم و واسطه فعال فیض و نزول رحمت الهی گشتیم عون و عنایت حق شامل حال میگرد آیات تصور میکنید که مبلغین قادرند که عقائد را تغییر داده و یا قلوب را تقلیب نمایند کلا و حاشا آنها فقط نفوس مجرده ای هستند که خود را تسلیم نموده تا روح حضرت بهاء الله بهرنحوه اراده فرماید ایشان را بحرکت انداخته مورد استفاده قرار دهد اگر نفسی از آنها ولو برای یک ثانیه فکر و یا تصور کند که خدمات او در نتیجه لیاقت شخصی او بوده کارش تمام و سقو<sup>طش</sup> شروع میگرد . این است منتهی علتی که عده ای از اشخاص لایقه مقتدره با وجود خدمات جلیله بغتتا خود را یکی عاجز یافتند و چه بسا که روح دافع امر آنها را چون نفوس عاطله متروک ساخت . میزان موفقیت حدی است که خود را تسلیم نموده تا اراده حق بوسیله ما عمل نماید ."

۱- و نیز در لوح مبارک ظهور عدل الهی میفرماید :

" نه او غیاع تهدید کننده عالم و نه ملاحظه فقدان وسائل

مادی و عدم اتصاف بکمالات و فقدان علم و تجربه که ظاهراً مورد میل و مطمح نظر است نباید هیچ نفسی را که برای قیام به تبلیغ پیشقدم و پیش‌آهنگ است مستقلاً از قیام باز دارد و یا حائل و مانع شود زیرا قوائی که حضرت بهاء‌الله مکرراً بما اطمینان فرموده همینکه بکار رود مانند مغناطیس جاذب تائیدات موعوده لاریبیه حضرت بهاء‌الله است چنین نفسی نباید منتظر هیچگونه تشویق مخصوصی از طرف نمایندگان منتخب جامعه خویش شود و یا بسبب هیچگونه موانعی که اقوام و یا هموطنانش بخواهند در سبیل او ایجاد نمایند از مقصود باز ماند و یا آنکه توجه و اعتنائی بملامت خورده گیران و تنقید دشمنان و منتقدین خویش نمایند حضرت عبدالبهاء بهر کسی که به تبلیغ امرش قیام نماید چنین میفرماید همینکه حامل پیام الهی که فالح صبح هدایت است گشتید باید مانند باد آزاد و مطلق العنان باشید ملاحظه کنید نسیم چگونه وفادار است و در هر حال آن کسیکه نسبت بآنچه خداوند برای او مقدر فرموده تفویض است بر تمام نواحی ارض اعم از مسکون و غیر مسکون مرور مینماید و منظره ویرانی و دمار و یا علائم موفقیت و کامرانی بهیچوجه نمیتواند او را متألم و یا سرور گرداند بل بر حسب امر و اراده موجودش بهر جهت میوزد .

۱۱- در لوح مبارك مورخه آب ۱۹۲۷ خطاب بمحافل

روحانیه ایران وسایرنقاط شرق میفرمایند :

" ولی ای عاشقان جان نثار زنهار زنهار مباشرت  
باینگونه عملیات و اقدامات شمارا از پیروی وتمقیب امر مهم  
تبلیغ که اس اساس است و مدار هر مشروع واقدا می باز دارد  
زیرا تبلیغ و تبشیر وند ای بامر بها مرجح و مقدم و فائق بر  
تمام امور و مسبب اسباب است و مصلحت سبیل دافع مشکلات  
است و مدد تمام اجرائات زهی حسرت و دریغ اگر از آن  
محروم مانیم و در وادی نسیانش اندازیم و یا آنکه امر دیگری  
را بر آن تفوق و ترجیح دهیم .

۱۲- در ابلاغیه مبارك مورخه ۱۷ نوامبر ۱۹۳۷ خطاب

بمحفل مقدس روحانی ملی ایران میفرمایند :

" فرمودند بنویس نظر با اهمیت امر تبلیغ در این ایام ولزومیت  
اشتراک یاران عزیز آנסامان در اقدامات اخیره مهمه  
جليله احبای امریک که بتمام قوی در تشیید مؤسسات امریه  
و اتساع دائره تبلیغ در دو قاره جنوبی و شمالی امریک سعی  
و جاهدند محفل ملی بهائیان آن اقلیم باید بیش از پیش  
در ازدیاد عدد مؤمنین و مؤمنات و تشویق افراد جامعه  
همت تبلیغ مبذول دارند امید چنانست در این سنوات اخیره  
باقیه قرن اول دور بهائی پیروان امر جمال قدم در آن اقلیم



مکرم بفتوحاتی عظیمه نائل و مفتخر گردند .

۱۳- در ابلاغیه مبارکه مورخه ۳۱ می ۱۹۳۶ خطاب

بمخلف مقدس روحانی ملی میفرمایند :

” فرمودند البته مؤکداً در این سنه بجمیع وسائل متشَبِّث گردند و امر تبلیغ را اهمیت فوق العاده دهند و در تعیین و اعزام مبلغین بولایات ایران و ممالک مجاوره مانند افغانستان و بلوچستان و جزائر خلیج فارس و عربستان تشویق یاران و ازدیاد عدد مقبلین و ممدقین همت مستمر بگمارند زیرا مقصد اصلی تشکیلات امریه و وضع نظام و دستور جامعه بهائی و انعقاد انجمن شور روحانی و ارتباط مراکز امریه بیکدیگر تقدم امر تبلیغ و اتساع دائره امرالله و اشتهار دین الله و اقبال و انضمام نفوس مستعدده سلیمه مقتدره بجمهور بهائیان در آنسامان است .”

۱۴- در لوح مبارک مورخه ۱۲ شهرالقول ۱۵ میفرمایند :

” تبلیغ امرالله و نشرنجات الله و احترام شریعة الله و اعزاز دین الله و تنفیذ احکام کتاب الله از افضل و اشرف اعمال در این ایام محسوب دقیقه ای اهمال جائز نه و مساهله و مسامحه علت تقهقر جامعه و ازدیاد جرأت و جسارت فئه غافله ظالمه گردد . ترک اوطان و سیردرمدن و قری و حصرافکار و ازکار در تقویت جامعه و بیان اثبات حقائق

امریه و کشف اسرار الهیه و اثبات لزومیت شعائر دینیّه و ترویج احکام سماویّه با وجود انقلابات حالیه و مشاکل متنوعه و دسائس نفوس مغرضه و تهدیدات شدیدّه متمادیه اول فریضه پیروان امرحضرت احدیه از رجال و نساء در جمیع مراکز امریه از مدن و قری در آن صقع جلیل است .  
جمال قدم جلّ اسمہ الاعظم میفرمایند :

" ونفسه الحق سوف یزین الله دیباج کتاب الوجوه بذکر احبائه الذین حملوا الرزایا فی سبیلہ و سافروا فی البلاد باسمہ و ذکرہ و یفتخر کل من فاز بلقائهم بین العباد و یستنیر بذکرهم من فی البلاد " .

ید  
۱۵- در لوح مبارک مورخه ۱۴ شهر العظّمه ۹۶ میفرما :  
" ولی آنچه مرجح و مقدم بر این امور و اعظم وسیله نزول و ازدیاد عدد مقبلین و ناشرین و مبلغین و تأسیس مراکز جدیده در مدن و قری و اعزام نفوس مستعدّه مقدسه زکیّه باقالیم مجاوره و تممیم و انتشار آثار مقدسه و تهیه وسائل مادیّه و لوازم ضروریّه این امر خطیر در جمیع قسمتہای امریّه آن خطه مبارکه است از قبل کرارا و مرارا این امر عظیم کہ فی الحقیقه اولین فریضه مقدسه پیروان امر حضرت ربّ العالمین در آن سرزمین است در نامه های متعدده تأکید گشته و تصریح و تبیین نموده و از برگزیدگان جمال قدم در آن اقالیم

مکرم هتتابعا خواهش و تمنانموده که در این میدان وسیع  
 سمند همت را جولانی جدید دهند و اعظم و آخرین وصیت  
 مولای بیهمتا را کمابنبنی و یلیق تنفید نمایند و هرامری را  
 فدای این مقصد جلیل کنند و مستعد ظهور و بروز تأییدات  
 لاریبیه موعوده جمال ابهی گردند و گوی سبقت را از برادران  
 و خواهران روحانی در کل ممالک و بلدان بر بایند و چنان  
 صولتی بنمایند که دشمنان دیرین که در کمینند مایوس و  
 حیران گردند و باینوسیله اعظم واسطه ظهور یوم موعود  
 و اعلان امر حضرت معبود و استخلاص و استقلال شریعت ربّ  
 و دود را فراهم آرند حال نیز با وجود ادامه تضییق  
 داخله شدیده و وقوع حوادث هائله خارجه و اشتداد رعب  
 و یأس و اضطراب بین اقوام متنازعه و طبقات اجناس متفرقه  
 و حکومت متباغضه و بروز آثار فتنه و آشوب عظیم در ممالک  
 بعیده و اقالیم مجاوره این عبد مره آخری از اعماق قلب و در  
 نهایت اشتیاق قیام عاشقانه یاران ستمدیده را آرزو و تمنا  
 نمایم و ظهور علامات ظفر و نصرت این امر عظیم را مترصد  
 و منتظر هذا ما اتضاه لکم یا احبّاء الله فی تلك المدوة  
 القصوی و الموطن الاشرف الاقدس الرفع الاسنی .

۱۶ - در ابلاغیه مبارک خطاب با حبابی امریک

میفرمایند :

( نقل از رساله ترجمه نظامات بهائی صفحه ٣٠ )  
 " در خصوص الغای رسم پرداخت حقوق به مبلغین مآلی  
 حضرت ولی امرالله اظهارات قبلی خود را در این موضوع  
 تأیید و بار دیگر تأکید میفرمایند که باید نهایت دقت بعمل  
 آید تا از اشکالات و سوء تفاهماتی که در ایام سابق موجب  
 زحمت و اشکال در بین احبا گردیده جلوگیری شود نکته  
 عمده که در این خصوص باید تصریح شود آنستکه تبلیغ امرالله  
 نباید فقط بمسئله جماعت محدودی گذاشته شود بلکه باید  
 اعظم وظایف و فریضه هر فرد بهائی باشد باین مناسبت است  
 که از این بیحد طبقه مبلغین حقوق بگیر نبایستی وجود  
 داشته باشد اما اگر احیانا خرج سفر یک فرد بهائی که  
 بمسافرت تبلیغی میرود پرداخته شود سبب ضرر امرالله  
 نخواهد بود مخصوصا اگر این مخارج بصرافت طبع تأدیه  
 گردد این اقدام بشرط آنکه با کمال دقت صورت گیرد و فقط  
 در موقع ضرورت بعمل آید با اصلی که در فوق بدان اشاره  
 شد منافاتی نخواهد داشت خطری که از اینگونه اعمال  
 ناشی میشود آنستکه مسئله تبلیغ امرالله بیک نوع مؤسسه ای  
 جلوه گرمی سازد که معلق و محتاج بمساعدت مبلغین حقوق بگیر  
 است نفوسی که بانهایت شوق و انقطاع قیام به ترویج و  
 اعلاء امرالله مینمایند شکی نیست که باید از هر حیث با آنان

کماک کرد یا آنکه ممکن است بعضی از یاران بطیب خاطر نسبت بآنها کماک مالی مهذول دارند ولیکن آنان نباید بسهم خود هیچگونه توقع و انتظاری داشته باشند .

۱۷- و نیز در ابلاغیه دیگر میفرمایند : ( ترجمه )

" در این دور مبارک تبلیغ امرالله و نشر نجات الله فقط بعهدہ مبلغین لایق و فصیح البیان گذارده نشده زیرا در الواح و آثار مبارکه تصریح گردیده که تبلیغ و تنشیر مخصوص طبقه معینی از نفوس مانند طبقه روحانیون در ادوار قبل نبوده بلکه عموم یاران ثابت باوفای امر حضرت یزدان عهد<sup>دار</sup> این امر عظیم هستند و تحدید تبلیغ برای نفوس معدود مخالف و مبین با نصوص و تعالیم الهیه است . پس در این دور مبارک تبلیغ امرالله وظیفه ای است اجباری عمومی ."

۱۸- و نیز میفرمایند :

" یوم یوم احباء الله است که بقوه بیان و اعلان و اثبات آثار مبارکه اولین انوار شفق صبح صلح عمومی را بدیده جنگجویان و مایوسان عالم بنمایند و باظهار و شرح وعده های محکمه و بشارات مبارکه لزومیت تأسیس صلح اعظم را بمنکرین و معترضین بدلائلی مقنعه اثبات نمایند افراد بشر در شرق و غرب و جنوب و شمال چنان غافلند که محو و ازاله تعصبات متنوعه متزاید عالم را بهیچوجه قابل الاجرا و ممکن الوقوع

ندانسته تأسیس عصر طلائی موعود را مظنون و موهوم شمرد  
روز روز یاران حضرت عبدالبهاء است که باعمال و رفتار و گفتار  
و کردار تعالیم سماویه را کلا یک یک در حیات خویش مجسم  
نمایند و هر یک بشیر آن عصر مشعشع نورانی گشته نـد ا  
بقرب وقوع آن یوم مبارک نمایند و تردد وانگار و اعتراض را  
مادیون عالم را بایقان و اقبال و توجه تام تبدیل دهند  
این است اولین وظیفه هر شخص که خود را نسبت با مرحضرت  
بهاء الله دهد و باین نام مقدس مبارک در میان اهل عالم  
معروف شود."

۱۹- در لوح مبارک مورخه جانوری ۱۹۲۹ خطاب

بمخافل روحانی شرق میفرمایند :

" رابع لزوم دقت و تفرس در حال مقبلین و مصدقین امر  
الهی است و این فقره اهمیتش منبهد ظاهر و واضح گردد  
چون یوم موعود در رسد و ندای بهائیان اوج گیرد و  
علم یابهاء الابهی بر اعلی قتل عالم موج زند و ید خلـون  
فی دین الله افواجا تحقق پذیرد باید امنای محافل  
روحانیه که در رتبه اولی حامی و حارس و نگهبان امراللهند  
بدقت نظر و حدت بصر و تفرس تام در مقاصد و مآرب مقبلان  
تدقیق نمایند و مخلص را از معرض تمیز دهند و بشناسند  
زیرا دخول نفوس غیر سلیمه که خود را در جامعه امر بطمع جاه

و منصب و مال و منال و اسم و رسم داخل نمایند و با اسم  
 بهائی خود را شهرت دهند و با مؤمنین و مخلصین در امور  
 امریه مشارکت کنند علت تولید مفاسد و تضعیف جامعه  
 بهائی و ظهور انشقاق و افتراق گردد و مورث تشستت  
 جمیع بهائیان شود اتقوا من فراسة المؤمن انه ينظر  
 بنور الله باید در حق مؤمنین این ظهور اعظم و امنای امر  
 جمال قدم باحسنها و اتمها و اکملها تحقق پذیرد  
 قلم اعلیٰ باین امر دقیق در الواح نصحیه اشاره فرموده  
 قوله عزّ بیانه :

” سوف یرون المشرکون رایات النصر و یسمعون اسم الله  
 من کل الجهات یومئذ یقولون انا امنّا بالله قل الله  
 اعلم بما فی صدور العالمین ” .

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*

\*

قسمت دوم

شرایط تبلیغ و صفات نفوسی که باین خدمت قیام

مینمایند

مممممممممممممممممممممممم

الف - از بیانات مبارکه جمال قدم جلّ اسمہ الاعظم :

۱- در کلمات فردوسیہ میفرمایند :

” ینبغی لاهل البہاء ان ینصروا الربّ ببیانہم ویعظوا  
النّاس باعمالہم و اخلاقہم اشرالاعمال انفذ من اشر  
الاقوال تأثیر کلام منوط بہ خلوص نیت و انقطاع مبلغ است  
بعضی باقوال قناعت نموده اند ولیکن صدق کلام را اعمال  
شاهدیست امین و گواہی است مبین مقام انسان باعمال  
واقفال ظاہر ومشہود اقول باید با آنچه ازلسان  
مشیت الہی نازل ودر الواح مسطور مطابق باشد ”.

۲- در لوح مبارک خطاب بکریم مندرج درصفحه ۱۶۴

اقتدارات میفرمایند :

” لذا باید احبای الہی بحکمت و بیان براین امرخطیر  
اقدام کنند بعضی را باقوال و بعضی را بافعال واعمال و  
بعضی را باخلاق تبلیغ نمایند وبشطر احدیہ کشانند  
اعمال حسنہ و اخلاق روحانیہ بنفسہا مبلغ امرند بعضی



از این محزون نباشند که عالم نیستند و کسب علوم ظاهر ننموده اند  
 ملاحظه در زمان رسول نما که بعد از ظهور آن نیر اعظم  
 جمیع علما و ادبا و حکما از آن شریعه عرفان رحمن محروم  
 ماندند و ابوزر که راعی غنم بود بمجرد اقبال بفتیّ متعال  
 بحور حکمت و بیان از قلب و لسانش جاری حال جمیع  
 علما را نزد ذکرش خاضع مشاهده مینمائی و حال آنکه  
 در اول امر احدی باو اعتنا نداشته تعالی القدیّم ذوالفضل  
 العظیم انّه هو الحاکم علی ما اراد و انّه لهوالمقتدر القدیر".  
 ۳- در لوح سلطان که خطاب بناصرالدین شاه  
 نازل شده میفرمایند :

" پس نصرت الیوم اعتراض بر احدی و مجادله بانفسی  
 نبوده و نخواهد بود بلکه محبوب آنست که مدائن قلوب که  
 در تصرف جنود نفس و هوی است بسیف بیان و حکمت و تبیان  
 مفتوح شود لذا هر نفسی که اراده نصرت نماید باید اول  
 بسیف معانی و بیان مدینه قلب خود را تصرف نماید و از ذکر  
 ماسوی اللّه محفوظ دارد و بعد بمدائن قلوب توجه کند  
 این است مقصود از نصرت".

۴- در لوح خطاب به ناپلئون سوم مندرج در کتاب

مبین صفحه ۷۱ میفرمایند :

" قد کتب الله لکل نفس تبلیغ امره والذی اراد ما امر به

ينبغي له ان يتصف بالصفات الحسنه اولا ثم يبلغ الناس  
 لتنجذب بقوله قلوب المقبلين و من دون ذلك لا يؤثره  
 في افئدة العباد كذلك يعلمكم الله انه هو الغفور الرحيم  
 هـ - ونيز درهمين لوح مبارك مي فرمايند :

" قل انا قدرنا التبليغ بالبيان اياكم ان تجادلوا مع احد  
 والذی اراد التبليغ خالما لوجه ربه يوئده روح القدس  
 ويلهمه ما يستنير به الصدر العالم و كيف مدور المریدين يا  
 اهل البهاء سخروا مدائن القلوب بسيوف الحكمة والبيان  
 ان الذين يجادلون باهواء انفسهم اولئك في حجاب مبين  
 قل سيف الحكمة احمر من الصيف واحد من سيف الحديد  
 لو كنتم من العارفين ان اخرجوه باسمي وسلطاني ثم  
 افتحوا به ربكم الابهي ان كان جالسا تحت سيوف المشركين".

٦- در لوح اتحاد مي فرمايند :

" نفوسيكه از بحرييان رحمن آشا ميده اند و بافق اعلى  
 ناظرند بايد خود را درياك صقع و يك مقام مشاهده كنند  
 اگر اين فقره ثابت شود و بحول و قوه الهی محقق گردد  
 عالم جنت ابهي ديده شود بلى انسان عزيزاست چه كه در  
 كل آيه حق موجود وليكن خود را اعلم و ارجح و افضل و اتقى  
 و ارفع ديدين خطا ئيست گبير طوبى از براى نفوسيكه بطراز  
 اين اتحاد مزينند و من عند الله موفق گشته اند در علمای

ایران مشاهده نما اگر خود را اعلی الخلق و افضلهم <sup>نستند</sup> نمیدانند  
 تابعین بیچاره بسبب و لمن مقصود عالمیان مشغول  
 نمیشدند ."

۷- در لوح مبارک جوان روحانی میفرمایند :

" خدمت اعظم و اکبر تبلیغ امر او است باید مبلغین بحکمت  
 و بیان باین امر خطایر مشغول گردند و شرائط مبلغین  
 تقدیس و تنزیه است و همچنین توکل و انقطاع طوبی لمن  
 تزیین بطراز الانقطاع فی تبلیغ امر الله مالک الابداع طوبی  
 از برای عبادی که خالصا لوجه الله قصد بلاد نمایند  
 لاجل تبلیغ امر و انتشار آثار لعمر الله ارض بقدم آن نفوس  
 افتخار نماید . امروز خادم امر الهی و مبلغ آیاتش از اعلی  
 الخلق در کتاب مذکور ."

۸- در لوح مبارک مندرج در صفحه ۳۰۵ مجموعه

الواح میفرمایند :

" باید احبای الهی بلحاظ محبت در خلق نظر نمایند  
 و بنصائح مشفقانه و اعمال طیبه کل را بافق هدایت گشایند  
 بسا از نفوس که خود را بحق نسبت داده اند و سبب تزییع  
 امر الله شده اند اجتناب از چنین نفوس لازم ."

۹- در لوح مبارک خطاب بجناب عندلیب مندرج

در صفحه ۱۰ اقتدارات میفرمایند :

" قل انا امرنا الكَلَّ بالتبليغ و انزلنا في شرائط المبلغيين ما ينصف بها كل بصير على الفضل هذا الظهور ونشرو عظامه ومواهبه والطاقه ينبغى لكل نفس اراد ان يتوجه الى الافق الاعلى ان يطهر ظاهره و باطنه عن كل مانع في كتاب الله <sup>رحمن</sup> رب العالمين وفي اول القدم يتمسك ويعمل بما انزله الرب في الفرقان بقوله قل الله ثم ذرهم في خوضهم يلعبون ويرى ماسوى الله كقبضة من التراب كذلك اشرق نور الامر في المأب من افق سماء ارادة الله المقدر العزيز الوهاب وفي قدم اخر يتوجه بكله الى الوجه بلسان السر والحقيقه مقبلا الى الهيت الاعظام يقوم ويقول تركت طمة قوم لا يؤمنون بالله وهم بالآخرة هم كافرين ..... نير شرائط مبلغيين بمشابه آفتاب از آفاق سموات الواح الهى ساطع و لائسح و مشرق عجب است الى حين ملتفت نشده اند حكم تبليغ از سماء امر مخصوصى كل نازل يعنى كل بان مأورند وهمچنين شرائطى كه ذكر شده ..... و درمقاي اين كلمات عاليات نازل بينبغى لمن اراد ان يبلغ امرولىه ان يزين رأسه با كليل الانقطاع و هيكله بطراز التقوى و فى مقام آخر بينبغى لكل مبلغ ان يدع ما عنده و ما عند القوم ناظرا الى ما عند الله المهيم القيسوم ."

” من اراد التبليغ ينبغى له ان ينقطع عن الدنيا ويجعل همّه نصره الامر فى كل الاحوال هذا ما قدر فى لسان حفيظ و اذا اراد الخروج من وطنه لا مرّبه يجعل زاده التو على الله ولباسه التقوى كذلك قدر من لدى الله العزيز الحميد اذا اشتمل بنار الحب و زين بطراز الانقطاع <sup>بشتمل</sup> بذكره العباد ان ربك لهو العليم الخبير ”.

( نقل از گنجینه حدود و احكام )

۱۱- و نیز در لوح خطاب به رضا میفرماید :

” هر نفسی که اراده تبليغ نماید اگر متوجه بسمتی است باید ظاهر را از اشياء دنیا گها و باطن را از ذکرش مقصد من و منزه نماید لمله ینبغى ان یبلغ امر ربّه المهیمن المقتدر العزیز القدير و ینبغى ان یكون زاده تقوى الله العليم الحكيم و درعه انقطاعه عما سواه و توگه علیه در این وقت سزاوار است تبليغ امر الهی و ذکر محبوب لا یزالى و اگر نفسی در بلد اراده تبليغ نماید باید از محل خود بحول الله برخیزد و لوجه الله اقبال نماید و بانقطاع کامل مشی کند تا بان مقرّ داخل شود و بعد بکمال حکمت بما امر ذا کبر گردد این است امر حق که از معین بیان رحمن جاری شد ”

( نقل از گنجینه حدود و احكام )

۱۲- در سورة البیان میفرمایند :

” و منکم من اراد ان يبلغ امر مولا ه فلينبضى له بان يبلغ  
اولا نفسه ثم يبلغ الناس ليجذب قوله قلوب الساميين  
ومن دون ذلك لن يؤثر قوله فى افئده الطالبين اياكم  
يا قوم لا تكونن من الذين يأمرون الناس بالبر وينسون  
انفسهم اولئك يكذبهم كلما يخرج من افواههم ثم حقائق  
الاشياء ثم ملائكة المقربين و ان يؤثر قول هولاء فى احد  
هذا لم يكن منهم بل بما قدر فى الكلمات من لدن مقتدر  
حكيم ومثلهم كمثل السراج يستضيئ منه العباد و هو يحترق  
فى نفسه ويكون من المحترقين ” .

۱۳- در لوح مبارك خطاب به محمد قبل حسن ميفرمايند :

” از هرنفسى نار امل وشهوت ظاهرشود او ازحق نبوده  
و نيست بايد مبلغ بطراز انقطاع و تقوى و امانت و ديانت  
مزين باشد اينست امر حق از قبل و بعد طوبى لعباد  
ما منعه الهوى عن عولى الورى . در كلمات مكنونه فرموديم  
اى بظاهر آراسته و بباطن گسته ..... تأثير كلمه از تقديس  
نفس بوده وهست ” .

۱۴- در لوح خطاب بمير محمد خان ميفرمايند :

” دوستان الهى بايد بتقوى الله قلوبرا تسخير نمايند  
و صدور را از آنچه سزاوار نيست مقدس دارند طوبى از براى  
نفسى كه بحكمت و بيان و روح و ريحان عباد را متذكر دارد

ووافق آگاهی کشاند .

۱۵- در لوح مبارك كه خطاب آن ( ان يا اسمى ان احمد الله بما جعلناك امطار الفضل ) میباشد میفرمایند :  
 " باید نفوس مقدسه تفکر و تدبر نمایند در کیفیت تبلیغ و از کتب بدیعه الهیه در هر مقام آیاتی و کلماتی حفظ نمایند تا در حین بیان در هر مقام که اقتضا نماید بآیات الهی ناطق شوند چه که اوست اکسیر اعظم و طلسم اکبر افخم بشأنی که سامع را مجال توقف نماند لعمری این امر بشأنی ظاهر شده که مغناطیس کل ملل و وجود خواهد بود اگر نفسی درست تفکر نماید مشاهده مینماید که از بسرای احدی مفری نبوده و نیست . "

( نقل از مجموعه الواح خطی )

۱۶- در لوح دیگر میفرمایند :

" قاصد آن کعبه رحمان را امریه تبلیغ نمودیم و سبل تبلیغ را هم در الواح متعدده تفصیل دادیم تا گل بما امرالله متمسک و باحیای نفوس میته مشغول شوند معذک مشاهده میشود بعضی از صراط مستقیم حکمت که اس اساس مد نیه الهیه است انحراف جسته اند مثلا رضیع را بجای لبن لحم میدهند و مریض را بجای تریاق زهر بگوای متوجهان افق هدایت شما اطباء معنوی و حکمای حقیقی هستید

باید بمقتضای اوقات و ایام و نفوس ناظر باشید نفسی که  
از ذکر ولایت مضطرب میشود چگونه قابل حمل ذکر الوهیت  
است نفوسی که خود را از اقویا و علمای اهل پیمان میدانستند  
از ذکر الوهیت منصعق گشتند تا چه رسد بنفوسیکه در کور  
فرقان تربیت شده اند و در دست علمای اوهام قرنهای مبتلا  
بوده اند حبه های حکمت ربانیه را در اراضی جزیره ضایع  
نمائید و باندازه هر نفسی تکلم کنید کل شئی عنده بمقدار  
باید طفل طلب را بلبن اخلاق مرضیه و اعمال طیبیه تربیت  
نمائید و بعد بغواکه الطیبیه ولایت و امثال آن تا بحدّ رشد  
و بلوغ رسد در این وقت اگر باطمینان از کار الوهیت و ربوبیت  
مرزوق شود بآسی نخواهد بود .

۱۷- در کلمات مکتوبه میفرمایند :

" ای پسر تراب حکمای عباد آنانند که تا سمع نیابند لب  
نگشایند چنانچه ساقی تا طلب نبیند ساغر نبخشد و عاشق  
تا بجمال معشوق فائز نشود از جان نخروشد پس بایست  
حبه های حکمت و علم را در اراضی طیبیه قلب مهذول دارید و  
مستور نمائید تا سنبلات حکمت الهی از دل برآید نه از گل ."

۱۸- و نیز میفرمایند :

" ای پسر خاکی : راستی میگویم غافلترین عباد کسی است که  
در قول مجادله نماید و بر برادر خود تفوق جوید بگو ای



برادران باعمال خود را بیارائید نه باقوال".

۱۹- ودرلوح اتحاد میفرمایند :

" بعضی از دوستان الهی حکمت را ملاحظه ننموده اند واز مقامش غافل شده و سبب گشتند در بعضی از بلاد ضوفا<sup>۱</sup> مرتفع شده بشنوید ندای مظلوم را وآنچه درالواح نازل شده عامل شوید تا سمع نیابید لب نگشائید و تا ارض طیبه مبارکه مشاهده نکنید بذرحکمت را ودریعه نگذاریسند القاء کلمه الهی وقتی است که سمع و بصر مستعد باشند و همچنین ارض بعضی در بعضی از احیان تکلم نمودند بآنچه که ضرش باصل سدره راجع است ..... ارض جزر لایق انبات نه و سمع شرای لایق اصغاء کلمه توحید نه".

۲۰- درلوح حکمت میفرمایند :

" من قام لخدمة الامر له ان يصدق بالحكمة ويسعى فسى ازالة الجهل عن البريه".

۲۱- درلوح خطاب بجوان روحانی میفرمایند :

" انا نوصيكم بالحكمة حكمت اعمال و افعالی است كسه سبب آگاهی غافلهای عالم است همچنین تقرب ایشان است بحزب الله عباد بیچاره را ارباب عمائم باوهم تربیت نموده اند باید حکمای ارض بکمال رأفت و محبت عباد را بشریعت الله و مشرق عنایتش دعوت نمایند". (نقل از گنجینه حدود و احکام)

۲۲- در لوح مبارک خطاب با حبابی خراسان مندرج در

صفحه ۲۶۹ مجموعه الواح میفرمایند :

" باید الیوم کل بعنایات الهیه مطمئن باشند و بکمال  
حکمت در تبلیغ امر جهد نمایند تا جمیع بانوار فجر معانی  
منور شوند ."

۲۳- در لوح خطاب بجناب سمندر میفرمایند :

" باید جمیع دوستان بکمال اتحاد و اتفاق به تبلیغ امر  
الهی مشغول شوند و در جمیع احوال بحکمت ناظر باشند  
لئلا یحدث ما یضار ب به القلوب ."

۲۴- در لوح مبارک مندرج در صفحه ۲۹۱ کتاب

اقتدارات میفرمایند :

" مقبلین قبله وجود الیوم باید از غیب و شهود مقدس و  
منزه باشند اگر به تبلیغ مشغول شوند باید بتوجه خالص  
و بکمال انقطاع و استغناء و علو همت و تقدیس فطرت توجه  
باشطار بنفحات مختار نمایند بین فی لهؤلاء ان یکون  
زاد هم التوکل علی الله و لباسهم حب ربهم العلی الابهی  
تا کلمات آن نفوس مؤثر شود ."

۲۵- در خاتمه لوح طب مندرج در صفحه ۲۲۵ مجموعه

الواح میفرمایند :

" جمیع احباباً را من قبل الله تکبیر برسانید بگو الیوم دو امر

محبوب و مطلوبست یکی حکمت و بیان و ثانی الاستقامة علی امر ربکم الرحمن هر نفسی باین دو امر فائز شد عند الله از اهل مدینه بقا محسوب و مذکور چه که باین دو امر امر الله مابین عباد ثابت شده و خواهد شد چه اگر حکمت و بیان نباشد کل مبتلا خواهند شد در این صورت نفسی باقی نه تا ناس را بشریعه احدیه هدایت نماید و اگر استقامت نباشد نفس ذاکر مؤثر نخواهد بود بگو ایدوستان خوف و اضطراب شأن نسوان است و اگر احبای الهی فی الجملة تفکر نمایند در دنیا و اختلافات ظاهره در او لا تخوفهم سطوة الذین ظلموا و یطایرون باجنحة الاشتیاق الی نیرالافاق این عبد آنچه از برای خود خواسته ام از برای کل دوستان حق خواسته ام و اینک به حکمت و حفظ امر شده و میشود مقصود این است که ذاکرین در ارض بمانند تا بذکر رب العالمین مشغول شوند لذا بر کل حفظ نفس خود و اخوان لا مرالله واجب و لازم است و اگر احبا عامل بودند بآنچه مأمورند حال اکثر من علی الارضی بردای ایمان مزین بودند طوبی از برای نفسیکه نفسی را بشریعه باقیه کشاند و بحیات ابدیه دلالت نماید هـذا من اعظم الاعمال عند ربك العزیز المتعال .

" بگو ای دوستان ترس از برای چه و بیم از که گلپاره های عالم باندك رطوبتی متلاشی شده و میشوند نفس اجتماع سبب تفریق نفوس موهومه است نزاع و جدال شأن درندهای ارش بیاری باری شمشیرهای برنده حزب بابی بگفتار نیک و کردار پسندیده بخلاف راجع لزال اختیار بگفتار حد ایق وجود را تصرف نمودند بگو ای دوستان حکمت را از دست مدعید نصائح قلم اعلی را بگوش هوش بشنوید عموم اهل عالم باید از ضرر دست و زبان شما آسوده باشند."

۲۷- ایضا در همین لوح میفرمایند :

" یا حزب الله وصایای دوست یکتارا بگوش جان بشنوید کلمه الهی بمثابه نهالست مقر و مستقرش افنده عبود باید آنرا بگوش حکمت و بیان تربیت نمائید تا اهلش ثابت گردد فرعش از افلاک بگذرد."

۲۸- در لوح مبارک خطاب برحیم میفرمایند :

" ای رحیم انشاء الله بعنایت و مکرمت سبحانی ناس را متذکر نما و لیکن در کل احوال حکمت الهی را از دست مده چه که جدال محبوب نه بلکه بکلمات بالغه و مواعظ حسنه ناس را از شریعه فانیه ببحر باقیه دلالت کن چه که ارش و ماعلیها مقصود حق نه بلکه عندالله مفقود و غیر موجود ولم یسزل باو اعتنائی نبوده و نخواهد بود و باهلش گذاشته شده

و آنچه عند الله محبوب بوده قلوب صا فيه عباد او بوده  
 و خواعد بود که شاید معدودی چند از نفس و هوسوی  
 طاهر شده بمقر قرب بقا در آیند و این نظر برحمت منبسطه  
 او بوده بعباد او و انه لفتنی عن العالمین .

۲۹- و در لوح دیگر میفرمایند :

” ولیکن گل باید در امر تبلیغ بحکمت ناظر باشند من دون  
 آن جایز نبوده و نیست مثلا اگر نفسی الیوم باعلی النداء  
 ناس را به هتاک حجبات موهومه امر نماید چنین نفسی  
 لدی الله از مبلغین محسوب نه چه که خارج از حکمت  
 عمل نموده چه نفسی اگر سالها در امری باشد و آن تربیت  
 یافته یگرتبه نمیتوان او را منع نمود بلکه باید بتدریج بکمال  
 شفقت و رحمت از لسان قوم بیاناتی نمود تا او در ضمن بیانا  
 و حکایات بافق امر فائز شود و حجبات موهومه را خـرق  
 نماید رحمت حق سبقت گرفته و فضلش احاطه نموده  
 این است که جمیع را به حکمت امر فرموده تا امری احداث  
 نشود که سبب اضطراب عقول و نفوس گردد قبل از شهادت  
 بدیع علیه من کل بهاء ابهات جمعی را امر نمودیم که  
 من غیرستر و حجاب ندانمایند و بما اراد الله عمل نمودند  
 و کثر شهادت را از اعلی الاقداح نوشیدند و بعد از  
 شهادت او کل بحکمت مأور شده اند الیوم تجاوز از او جائز نه

۳۰- در لوح خطاب بجناب عندلیب میفرمایند :

" آنچه سبب علو و ارتقاء و تهذیب نفوس بوده مکرر ذکر نمودیم و انجم شرائط مبلغین از آفاق الواح الهی مشرق و لائح ازحق میطلبیم گل را تائید فرماید بآنچه سبب تقرب و انجذاب قلوب است قلم اعلی نوحه مینمایند و میفرماید امروز باید اهل بها اهل ناسوت انشارا باعمال و اخلاق هدایت کنند و بصراط مستقیم راه نمایند ."

۳۱- در لوح خطاب به ش من سمی بالرفیع میفرمایند :

" اکثری از ناس رضیعند باید ایشان را اولاً بلبن حکمت و باغذیه لطیفه تربیت نمود و بعد باغذیه قویه کز لک تقتضی الحکمة ان ربک لهوالمربی العلیم ."

۳۲- در کتاب بهجت الصدور صفحه ۲۵۷ مذکور

است :

" و صبح مشرف شده فرمودند خلق خوش و بخوشی همراهی با خلق نمودن راه تبلیغ است هرچه طرف مقابل میگوید ولو هر قدر وهم و تقلید و بیمعنی باشد باید اذعان نمود و خود و طرف مقابل را مشغول بدلیل اقامه نمودن ننمود که آخرش هم بلجاج و عناد منجر میشود زیرا خود را مقهور و مغلوب مشاهده مینماید و بر غفلت و احتجابش می افزاید باید ذکر نمود صحیح است این قسم هم ملاحظه بفرمائید

صوابست یا خطا البته تادیب و محبت و ملاطفت طرف مقابل گوش میدهد و بفکر جواب ساختن و دلیل پرداختن مشغول نمیشود و مطالب را اذعان مینماید و چون ملاحظه نمود که مقصود مجادله و غلبه نیست مقصود القای کلمه حق و صدق است و اظهار انسانیت و رحمانیت البته انصاف میکند و گوش و چشم و دل فطرت اصلیه اش باز میشود و بفضل الله خلق جدید و صاحب بصر جدید و سمع تازه میشود و بسیاری از نتایج مذمومه مضره مجادله و غلبه را زکرو فرمودند غصن اعظم هر صحبت بی معنی را چنان گوش میدهند که طرف مقابل میگوید از من میخواهند استفاضه نمایند و خورده خورده از راهی که نمیداند او را مشعر و مدراک میبخشند و مرخص شد " انتهى

۳۳- در لوح خطاب بجناب عندلیب میفرمایند :

" اینکه مذکور نمودی مبلغین و قائمین را مؤید فرمایند بر تقدیس و تنزیه و امانت و دیانت و تکلم بمانزل فی الالواح اینکمه آنجناب لدی المرش بطراز قبول و رضا مـزین گشت از حق بطلب و میطلبیم اهل بهارا موفق دارد بر حفظ آیاتیکه سبب ارتفاع و ارتقاء عباد است چه اگر از آیات منزله در مجالس در هر مقام قرائت شود عنقریب عالم از ما عندهم بما عند الله توجه نمایند جناب اسم الله ح هم

در این مقام کلمه عرض نمود که باصفاء فائز و بنور قبول منور  
 قوله نوشته اند که حدود گردستان بسیار مستعد و مبلغ  
 لازم دارد اما بشرط اینکه نفس اعلاء امر را منظور دارد و برای  
 خود بساطی پهن ننماید فی الحقیقه این کلمه و کلمه آنجناب  
 را باید بعضی از مبلغین ملاحظه نمایند و بآن ناظر  
 باشند و بآن تمسک جویند امر من لدی الله الامرال حکیم.  
 ( نقل از مجموعه الواح شیراز ص ۲۲۷ )

۳۴ - در لوح خطاب بحیدر قبل علی میفرمایند :

” بگو یا حیدر قبل علی ندای الهی را بگوش جان بشنو  
 از برای مبلغ جز ادله اثباتیه لازم نه چه که ایشان عالم  
 باللهند و عارف باو علی قدر مقدور این است باب هدایت  
 و نجات علمی جز این علم لازم نه هر که بطلبد و یاسئوال  
 کند خطا کرده امروز علم بالله محبوب و عرفانش مقبول و بیانش  
 مقصود نزد مخلصین معرفة الله و علم توجه و انقطاع بوده  
 و آگاهی برسبیل در عیسی بن مریم ملاحظه نما اصحاب  
 آنحضرت در اول ایام از علوم ظاهره مقدس و مبرا بودند  
 و همچنین اصحاب خاتم انبیا روح ماسواه فداه در اول ظهور  
 بسیاری از اهل سوق یا حیدر قبل علی صیاد ماهی صیاد  
 عالم شد و عصای چوبی بر اسیاف عالم زد این گارها کار  
 استقامت و توکل و تقدیس است لله الحمد بگوثر معانی و بیان



از یدعطای رحمن فائز شدی توئی ساقی رحیق مختوم  
و دارای آن با اسم حضرت قیوم بنوش و بنوشان شاید عباده  
غافل آگاه شوند و سبیل الله را بیابند و بحبلش تمسک  
نمایند .” ( نقل از مجموعه الواح خطی )

۳۵- در لوح خطاب بجناب سمندر علیه بهاء الله  
میفرمایند :

” امروز باید مقلین با علم تقوی و رایت انقطاع و جنود  
حکمت و بیان بنصرت امر مقصود عالمیان مشغول باشند .”

۳۶- در لوح خطاب به ذبیح مندرج در صفحه ۳۲۳  
اقتدارات میفرمایند :

” احبای حق الیوم بمنزله مفاتیحند انشاء الله باید کُل  
بقوت اسم اعظم آن ابواب را بگشایند این است نصرت حق  
که در جمیع زبر و الواح از قلم خالق الاصباح جاری شده و  
همچنین با ناس بمدارا حرکت نمایند و رفتار کنند و بکمال  
تقدیس و تنزیه و صدق و انصاف ظاهر شوند بشأنی که جمیع  
ناس آن نفوس را امناء الله فی العباد شمرند .”

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*

\*\*\*

## ب - ازبیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء

## ۱- در لوح هفت شمع میفرمایند :

" تعالیم الهیه در این دور نورانی چنین است که نباید نفوس را توهین نمود و بجهالت نسبت داد که تو ندانی و من دانم بلکه باید بجمیع نفوس بنظر احترام نظر کرد و در بیان و دلالت بطرز تحری حقیقت مکالمه نمود که بیائید مسائلی چند در میان است تا تحری حقیقت نمائیم و به بینیم چگونه و چسان است مبلغ نباید خویش را نادان و دیگران را نادان شمرد این فکر سبب تکبر گردد و تکبر سبب عدم تأثر بلکه باید امتیازی در خود نبیند و با دیگران بنهایت مهربانی و خضوع و خشوع صحبت بدارد این نوع بیان تأثیر کند و سبب ترقی نفوس شود."

## ۲- در لوح خطاب بمیرزا حاجی آقا طبیب میفرمایند :

" لهذا طبیب روحانی که باید بر هدایت نفوس سقیمه با مراض باطنی قیام نماید و در جمیع معالجات سررشته از طب جسمانی گیرد و بر آن ترتیب حرکت نماید مثلا اول تشخیص مریض هر نفسی را بدهد و مزاج و استعداد و قابلیت او را کشف کند و بر آن اساس ترتیب علاج نماید و منتهای مدارا

و مهربانی را با او ملحوظ دارد و فی الحقیقه خیرخواه و غمخوار علیل و مریش باشد نه اینکه چون مرضی او را شدید بیند طرد و تبعید کند و بخلطت معامله نماید بلکه بقدر امکان در صحت او بکوشد و چون عاجز گردد و تمر از معالجه مشاهده کند ترک او کند .

۳- در لوح خطاب بجناب ابن ابهر میفرمایند :

" الیوم هر نفسی منجذبا بنفحات الله سفر با طراف نماید و در نهایت خلوص و انقطاع به تبلیغ مشغول شود البته تائیدات ملکوت الله برسد و موفقیت عظمی حاصل گردد اما شرط این است که مانند حواریین مسیح سلوک نمایند که میفرمایند از هر شهر که بیرون آید نعلین خویش را بتکانید که تا غبار آن شهر نیز زائل گردد چون چنین شود بسیار مفید گردد ..... اما مبلغان که به تبلیغ میروند باید در نهایت محویت و فناسفر کنند تا نفس در نفوس تأثیر نماید اگر بر احوال و رخا و وسعت و صفا حرکت کنند ابد تأثیر ننماید و بکرات تجربه گردیده ..... و نفوس مبلغه باید متوکلا علی الله منقطعا عما سواه منجذبا بنفحاته متوکلا علیه مانند جناب آقا میرزا علی اکبر و آقا میرزا طراز الله سفر نمایند ."

۴- در لوح مبارک خطاب با حبابی امریک مندرج در مکاتیب

جلد سوم صفحه ۵۲ میفرمایند :

" و بجهت نشر نفحات الله مبلغین کامل بشهرها حتی قریه ها ارسال شود و آن نفوس مبلغین باید ملکوتی باشند ربّانی باشند رحمانی باشند نورانی باشند روح مجسم باشند عقل مصور باشند و بنهایت ثبوت و استقامت و جانفشانی قیام کنند در سفر در قید زاد و توشه نباشند افکار را حصر فیوضات ملکوت الله نمایند و تائیدات روح القدس طلبند و بقوه الهی و انجذابی وجدانی و بشارتی ربّانی و تنزیه و تقدیسی سبحانی برائحه جنّت ابهی مشامها را معطر کنند ."

۵- در لوح دیگر خطاب با حباب امریک مندرج در صفحه

۵۶ مکتوب سوم میفرمایند :

" این نفوس مبلغین باید این ثیاب قدیم را بکلی بیفکنند و قمیص جدیدی بپوشند چنانچه حضرت مسیح میفرماید تولد ثانی یابند یعنی همچنانکه در دفعه اولی از رحم مادر تولد یافتند این دفعه از عالم طبیعت تولد یابند همچنانکه از عالم رحم بیخبر مانند از عالم طبیعت نیز بی خبر گردند بماء حیات و نار محبت الله و روح القدس تعمید گردند بجزئی طعامی قناعت کنند و از مائده آسمانی تناول نمایند از هوی و هوس بکلی فراغت یابند

ممتلا از روح گردند بنفس پاك سنگ را لعل بدخشان  
نمایند و خذف را صدف کنند و مانند ابربهارى خاك سیاه  
را گلشن و گلزار نمایند کور را بینا کنند کر را شنوا نمایند  
مرده را زنده کنند و افسرده را روشن و درخشنده نمایند ."

۶- در لوح دیگر میفرمایند :

" اليوم باید بتوفیقات الهیه و تائیدات سمائیه به تبلیغ  
من على الارض قیام نمود و بروح الهی نفوس میتة را حیات  
ابدیه احسان نمود فوالله الذی لا اله الا هو که اگر  
احبای حق بقسمی که امر شده قیام بر تبلیغ امر الله نمایند  
در مدت قلیله ملاحظه میفرمایند که چگونه کل توجه بشطر  
الهی مینمایند این نفوس جاهله را باید بروش و آثار حق  
دالت بر شریعه عزّ احدیت نمود این است تکلیف کلّ ."

( نقل از مجموعه الواخ خطی )

۷- در لوح مبارک خطاب بجناب معاون التجار نراقی

میفرمایند :

" شخص صلخ باید در نهایت تنزیه و تقدیس قیام نماید  
تا نفس پاکش در قلوب تأثیر کند و جوهر خلوصش در انظار  
جلوه نماید ولی مبلغین که حرف و صنایعی ندارند و کسب  
و تجارتی نمینمایند شب و روز به تبلیغ مشغولند یاران الهی  
باید از آنان ملاحظه نمایند و طوعاً در نهایت روحانیت

اعانتی از آنان بکنند ."

۸- ازبیانات شفاهیه حضرت عبدالبهاء

حضرت عبدالبهاء جلّ شأنه دریوم دوشنبه ماه ربیع الاول

۱۳۳۲ هجری فرمودند :

" ما مبلغ خیلی لازم داریم باید جمیع احبا مبلغ باشند  
..... تبلیغ باعمال است برفتار است بخوش سلوکی است  
بخوش رفتاری است بتقدیس است بمهربانیست بتقوا  
است به تنزیه است بامانت است بدیانت است و بگفتن  
هریک از احبای الهی باید اقلا درسال یکی را تبلیغ کنند  
آنوقت درست میشود با اومعاشرت و مجالست و مؤالفت  
ومؤانست نمایند اورا تبلیغ کنند این است اسباب سرور  
احبای الهی این است اسباب تأیید احبای الهی ."

( نقل از صفحه ۶۹۵ مائده آسمانی )

۹- در سفرنامه امریکا صفحه ۲۷۰ مذکور است :

" فرمودند دیدید چه آتشی بقلوب زدم انسان باید اول  
خود مسرور و منجذب باشد تا بتواند دیگران را منقلب نماید  
اول خود متأثر باشد بعد سائرین را متأثر سازد شما کاری  
کنید که من مسرور باشم آنوقت میبینید چه میشود ."

۱۰- ایضا ازبیانات شفاهیه حضرت عبدالبهاء :

" مبلغ باید مدارا داشته باشد جوهر تقدیس باشد

اطلاعات داشته باشد خودش از تعالیم الهی متأثر شده باشد علم و خبر داشته باشد قلبش خزینه جواهر محبت الله باشد روحش مهتز بنفحات الله باشد جامع صفات انسانیت و الهیه باشد قوه بیان و تبیان داشته باشد و فصیح و بلیغ باشد و در هر شهری که میرود با اعیان و فقرا معاشرت جوید نه خشک مقدس باشد نه تریب دین تا اینکه جمیع کسانی که با او معاشرت مینمایند به بینند که این شخص روحانی است متدین است آسمانی است انسان کامل است عالم است فاضل است با هر فرقه باید معاشرت کند و با آنها ماماشاة نماید تا میان ناس نفوذ و رسوخی پیدا کند مانند نفحه روح القدس با جساد میتة آنها بوزد به بیند تحقیق کند که نفوس در چه درجه و خطی کار میکنند چه افکاری دارند بچه عقائدی متشبثند مطابق آن با آنها صحبت کند تا نزدیک شوند و اقبال نمایند اعظم از همه اینها حالت خود مبلغ است که باید همیشه چون شمع شب افروز باشد این امر مبلغ لازم دارد آنها باید دائما در عبور و مرور باشند مبلغینی که چیز میفهمند و مشتمل هستند عبور باد سبب احیاء اشجار است اما عبود باد خریف مورث خرابی و افسردگی تا دوپست سال دیگر باید افکار حصر در تبلیغ باشد بلی اداره

تکفل ضعفا و تربیت اطفال و نگاهداری فقرا و اداره داخله امری همه هست ولی نه آنکه آنها را بدرجه اهمیت دهند که مسئله تبلیغ فراموش شود و امر تبلیغ را ترک نمایند اول باید امور مبلغین و امر تبلیغ را رسیدگی و مبلغ همها تربیت نموده با اطراف و اکناف جهان و هرملتی بفرستند و کتب امریه و استدلالیه و افکار مقدسه که در نشر امر بروز میکند آنها را ترویج و نشر نمایند بعد از آنکه عالم در ظل کلمة الله داخل شد وقت است که با مرسائره پردازند .

۱۱- در سفرنامه امریکه صفحه ۱۰۱ مذكور است که نطق مبارک بمناسبت انعقاد انجمن تبلیغ در منزل میسیس کرواک بقرار ذیل بود :

" حمد خدا را که میسیس گرواک سبب اجتماع شما و انعقاد چنین محفلی گردیده که بذکر الهی مشغولید و ببیان براهین ناطق امیدم چنانست که روز بروز منجذب تر گردید و نورانیت بیشتر یابید ترقیات فوق العاده نمائید و در تبلیغ امر الله از یکدیگر استفاضه جوئید تا بدانید چگونه باید تبلیغ کنید و بهدایت نفوس پردازید قلوبتان چنان منجذب باشد که بمجرد سئوال جواب کافی شافی دهید و روح القدس در لسانتان تکلم نماید مطمئن باشید و امیدوار بعنایات و تائیدات جمال مبارک که قطره را دریا نماید



دانه را درختی بارور گرداند زره را آفتاب کندوسنگ  
را گوهر آبدار فرماید عنایت او عظیم است خزائن او مطوّ  
است و فیوضات او بی انتها است خدائی که بدیگران  
عنایت فرمود بشما هم عنایت میفرماید من بدرگاه الهی  
تضرع و زاری نمایم و از برای شما تائیدات عظیمه طلبم که  
زیانتان سیف قاطع شود قلوبتان محل تجلی انوار شمس  
حقیقت گردد افکارتان وسیع شود و مقامتان رفیع گردد  
تابنشر نجات الله پردازید و در عالم انسانی ترقیات عظیمه  
نمائید زیرا تا انسان اول خود کسب کمالات ننماید  
بدیگران آموختن نتواند تا خود حیات نیابد دیگرانرا  
حیات نبخشد پس ما باید بگوئیم تا اول خود کسب  
فیوضات ملکوتیه نمائیم حیات ابدیه یابیم تا بتوانیم  
روح بامم عالم دهیم جان بجهانیان بخشیم لهذا باید  
همیشه تضرع بدرگاه احدیت کنیم و طلب فیوضات باقیه  
نمائیم قلبی چون مرآء صافیه یابیم تا انوار شمس حقیقت  
جلوه نماید هر شب و روز عجز و زاری کنیم و طلب تائید  
نمائیم که خدایا ما ضعیفیم تو قوی کن ما نادانیم تو دانا  
فرما خدایا فقیریم غنای ملکوتی ده خدایا مرده ایم  
حیات سرمدی بخش خدایا ذلت محضیم در ملکوت عزیز  
فرما اگر تائیدات آسمانی شامل شود هر یک از ما ستاره

درخشنده گردد و الا از خاک پست ترشود خدا یا تائید کن نصرت فرما ما را غالب بر نفس و هوی کن و از عالم طبیعت نجات ده خدا یا بنفثات روح القدس زنده فرما تا بخدمت توقیام نمائیم و بعبادت تومشغول گردیم و با نهایت صدق و صفا باننتشار آثار ملکوت پردازیم توئی مقتدر و توانا و توئی بخشنده و مهربان".

۱۲- در سفرنامه جلد ثانی صفحه ۲۹۲ مذکور است :

" و چون بعضی از دوستان امریکا تشریف حاصل نموده و طلب تائید در تبلیغ امرالله میکردند بایشان میفرمودند که ه وقتی با بی دین ها صحبت میکنید از مضرات و مفاسد عالم طبیعت آنها را آگاه نمائید که این حالات از خصائص عالم حیوانست اما انسان بقواء عقلیه و احساسات وجدانیه از سایر مخلوقات ممتاز گشته تا تعمق در روحانیات کند کشف حقایق اشیا نماید منجذب ملکوت اعلی باشد در خیرنوع انسان و آسایش بشر گوشتد ترویج وسائل عدل و انصاف نماید آخر بآنها بگوئید که عالم طبیعت و مقتضیات آنرا سیر کردید حال چندی در عالم روحانی و فضای نورانی بیائید اگر ضرری دیدید برگردید از این قبیل با آنها صحبت کنید اما متدینین را به بشارات الهی بخوانید که تا کی مانند ام سابقه در غفلتید آیا در خوابید و یا نابینا شمس حقیقت

تابیده ابواب ملکوت باز شده مواهب الهیه ظاهر گشته  
فیوضات رحمانیه احاطه نموده تاکی بی خبرید مثل یهود  
که هنوز از ظهور مسیح غافلند و از اسم مسیح و ظهور آنحضرت  
در نهایت تعصب و نفرت".

۱۳- و نیز در صفحه ۲۹۳ مذکور است که فرمودند :

" انسان اول باید خود را تبلیغ نماید خود منجذب منقطع  
باشد تا نفس او در دیگران تأثیر کند و دیگر آنکه بقدر طلب  
و استعداد و عطش هر نفسی با او تکلم نماید هر وقت تشنه<sup>ی</sup>  
یافت سلسبیل هدایت را مذبذول دارد ماها گران خرید ه<sup>۴</sup>  
این جواهر شیمه را ارزان نمیفروشیم احبای الهی این  
امر عظیم را بجانفشانی قبول نمودند در زیر زنجیر و شکنجه  
و عذاب افتادند لذا سلسبیل هدایت را به تشنگان دهند  
چه اگر کسی تشنه نباشد ولو هر قدر آب گوارا یابد ابدا  
لذت نبرد".

۱۴- در لوح مبارک مندرج در صفحه ۴۷۲ مکاتیب جلد

اول میفرمایند :

" و آنچه در الواح الهی ذکر حکمت است مقصود این است  
که در امور اتقان شود و در هر امری بوسائط کامله و مناسب  
زمان و مکان تشبث شود تا مریض معالجه بقاعده گردد  
و علیل مد اوا بنوع موافق نه اینکه بکلی از معالجه و مد او

دست کشیده شود هیکل امکان مریض است و جسم گیهمان  
علیل اگر طبیب و پرستار بکلی تراک علاج و دوا نماید بکسی  
مهمل و معطل گردد بلکه بمرض موت مبتلا شود حکایت  
شمعون صفارا ملاحظه باید نمود دو نفر از حواریون حضرت  
روح بجهت تبلیغ امر الله بشهر انطاکیه رفتند بمجرد ورود بنا<sup>ی</sup>  
و عظ و بیان نمودند اهالی چون بکلی از مسائل الهی بیخبر  
بودند جزع و فزع نمودند این جزع و فزع منتج حبس و زجر  
شد و بهیچوجه نفوس از تفصیل خبر نیافته راه معاشرت  
و الفت مقطوع گشت و چون این خبر بشمعون صفا رسید عزم  
آند یار نمود چون وارد شد اول بمعاشرت و الفت پرداخت  
تا با سران و سروران نرد محبت باخت بزهد و ورع و تقوی  
و بیان و تبیان فضائل و خصائل عالم انسانی در مدتی قلیله  
شهرت یافت تا آنکه باسلطان آن مملکت آشنا گشت و چون  
ملک مذکور نهایت اعتماد و اعتقاد را در حق او حاصل نمود  
شبی بمناسبتی زر حواریین شد پادشاه زر نمود که دو نفر  
از جاهلان بی خردان چندی پیش وارد این شهر شدند و بنای  
حرفهای فساد گذاشتند لهذا آنها را گرفته اسیر غل و زنجیر  
نمودیم حضرت شمعون اظهار میل ملاقات ایشان نمود احضار  
کردند بمقتضای حکمت تجاهل فرمود و سؤال کردند که شما  
کیستید و از کجا آمده اید در جواب گفتند که ما بندگان حضرت

روح الله هستيم و از اورشليم ميآيم سؤال از حضرت روح  
 نمود كه او كيست گفتند موعود تورات است و مقصود جميع  
 عباد بعد بنوع معارض از جزئي و كلي مسائل سؤال نمود  
 مجادله كرد و از نفس سؤال مي فهمانيد كه چه جواب بدهيد  
 مختصر اين است كه شبهات قوم را فردا فردا ذكر نمي شود  
 و جواب دادند گاهي بعضي را قبول مينمود و بعضي را  
 مشكلات بيان مي كرد كه ملتفت نشوند كه او هم از آنهاست  
 خلاصه چند شب براي منوال بسؤال و جواب گذرانند  
 گاهي مجادله و گهي مصادقه و رمي بمباحثه و وقتي محاوره  
 مي فرمود تا جميع حاضرين از اس مطالب الهيه باخبر شدند  
 و آنچه شبهات داشتند زائل شد در ليله اخيره گفت كه  
 حقيقتش اين است كه آنچه گفتند صحيح است و جميع تصديق  
 نمودند آنوقت فهميدند كه اين ثالث رفيق آن اثنين است  
 كه در آيه مباركه مي فرمايد فَمَنْ زَنَا هُمَا بِثَالِثٍ بَارِي مَقْصُودٍ  
 از حكمت اين است كه انسان بايد بنوع موافقي كه در قلوب  
 تأثير نمايد و نفوس ادراك كنند تبليغ امر الله نمود و نمايد  
 نه آنكه سكون و سكوت يافت عند ليلى الوار آواز اگر سناز  
 نغمه نمايد صعوه لال است و بلبل گلزار معاني اگر ترانه  
 نسازد عصفور ايك همي پروبال است حمامه گلشن اسرار اگر  
 تغردى نفرمايد چون غراب گلخن نمود ارگرد و طاوس بقا

اگر جلوه نفرماید چون زاغ خرابه زار فنا است .

۱۵- در لوح مبارک خطاب بانجمن روحانی احبا

میفرمایند :

" در هر صورت باید تبلیغ نمود ولی بحکمت اگر چه آرا  
 ممکن نه خفیا بتربیت نفوس پردازند و سبب حصول روح و ریحاً  
 در عالم انسان شوند مثلاً اگر هر نفسی از احبا بانفسی از  
 غافلین طرح دوستی و راستی اندازد و بکمال مهربانی با او  
 معاشرت و مجالست نماید و در ضمن باخلاق و اطوار و حسن  
 رفتار و تربیت الهی و وصایا و نصایح ربّانی سلوک نماید  
 البته کم کم آن شخص غافل را بیدار کند و آن نادان را دانا  
 نماید نفوس استیحا ش دارند باید نوعی مجری داشت که  
 اول استیحا ش نماند بعد کلمه نفوذ نماید اگر نفسی از احبا  
 بانفسی از غافلین مهربانی کند و در کمال محبت حقیقت  
 امر الله را بتدریج تفهیم نماید که بداند اساس دین الله  
 بر چه منوال است و مطلب چیست البته منقلب گردد مگر  
 نادر نفسی که حکم رماد دارد و قلوبهم کالحجارة او اشد  
 قسوة اگر بر این منوال هریک از احبا نفسی را بکوشد  
 تا هدایت نماید در هر سال نفوس مضاعف شود و این را  
 بنهایت حکمت میتوان مجری داشت که ابداً ضرری حاصل  
 نشود و همچنین مبلغین باید با طراف سفر نمایند اگر تبلیغ

سبب فساد است بتشویق احباب پردازند که آن نفوس  
بجذب و طرب آیند و فرح و وله جویند حیات تازه یابند  
و به نجات قدس تر و تازه گردند .

### ۱۶- در لوح دیگر میفرمایند :

" در الواح الهی ذکر حکمت گشته و بیان مراعات مقتضیات  
مکان و وقت شده مراد سکون روحی و شئون عنصری نبوده  
بلکه مراد الهی این بوده که شمع در جمع برافروزد نه در صحرا<sup>ی</sup>  
بی نفع ماء فیض الهی بر ارض طیبه نازل گردد نه ارض جزیره  
و الا خاموشی شمع را حکمت نتوان گفت و پریشانی جمع را  
علامت وحدت نتوان شمرد افسردگی و مردگی حیات و زندگی  
تعبیر نشود و ناتوانی و درماندگی هوشمندی و زیرگی  
نگردد ."

### ۱۷- در لوح مبارک خطاب با حبابی امریک مندرج

در صفحه ۳۱ مکاتیب سوم میفرمایند :

" شرط ثالث آنکه مبلغینی با طرف ملکت بلکه با طرف  
عالم سفر نمایند ولی نظیر عبد البها که در بلاد امریکا سفر  
نمود و از هر آلودگی پاک و مقدس و در نهایت انقطاع  
چنانکه حضرت مسیح میفرماید چون در شهری وارد شوید  
غبار آن شهر را نیز از نعلین خویش بیفشانید ملاحظه  
نمودید که در امریک بسیاری از نفوس در نهایت الحاح و اصرار

خواستند که هدیه ای تقدیم نمایند و این عبد نظر بوصایای و نصایح جمال مبارك ابداً چیزی قبول ننمود باوجود آنکه در بعضی اوقات عسرت شدید بود اما اگر نفسی لله و فی الله بصرافت طبع و طیب خاطر اعانه ای نماید مجرد بجهت سرور آن شخص چیزی جزئی قبول بنماید ولی باید بنهایت قناعت بگذراند مقصود این است که باید نیت خالص باشد و قلب مستغنی و روح منجذب و فکر مستریح و عزم و اراده شدید و همت بلند و در صحبت الله شعله افروخته باشد اگر چنین گردد نفس طاهرش در صخره تأثیر نماید و الا هیچ ثمری ندارد نفسی تا خود کامل نگردد چگونه میتواند نقص دیگران را منقطع کند باری ای احبای الهی بکوشید تا ترویج دین الله و نشر تعالیم الهی بجمیع وسائل نمائید .

۱۸- در لوح مبارك بمنوان ( شیراز بواسطه شاهزاده محمدرضا میرزا علیه بهاء الله الابهی جناب منصور آقاخان علیه بهاء الله الابهی ) میفرمایند :

" الیوم احبای الهی باید بگفتار پرحلاوت و رفتار در نهایت تنزیه و تقدیس و رأفت بهدایت کبری پردازند لسان تبلیغ بکشایند و روش بدیع بنمایند تبلیغ باعمال اعظم از تبلیغ باقوال است زیرا این سبب انتباه است و آن سبب انجذاب البته انجذاب فوق انتباه است اعمال و رفتار و اطوار حقیقت



است و گفتار مجاز اگر این مجاز مطابق حقیقت باشد نثار محبت الله شعله زند و آن نفس مؤید گردد و مانند نجم از افق حقیقت درخشنده شود امیدوارم جمیع یاران باین موهبت مؤید گردند .

۱۹- در لوح مبارک خطاب بجناب عندلیب میفرمایند :  
 " ای حمایه ریاض عنایت وقت تغنی وترنی و نغماتسست و هنگام اشتعال نار محبت الله اگر در این قرن اعظم گه چون آفتاب بین قرون سائره ساطع و روشن است انسان خاموش و مد هوش ماند در چه قرنی ناطق و متکلم و مبیین گردد و اگر نفسی در این بهار الهی از نسائم قدس مهتزاز نگردد و از فیض سحاب رحمت رحمانی چون گل صد برگ خندان نشکند از اشعه ساطعه شمس حقیقت روشن و منور نگردد در چه عهد و موسمی بحرکت آید و در چه ایامی از افق عالم چون ستاره صبحگاهی بدرخشد حکمت مذکور در الواح مقصود آنست که واثتوا البیوت من ابوابها ولا تأتوا البیوت من ظهورها باید چون شمع در زجاجه حکمت بر افروخت نه آنکه خاموش و مخمود ماند ."

۲۰- در لوح خطاب بمیرزا محمد باقر خان شیرازی

میفرمایند :

" الحمد لله این سفر ثانی نیز انجام یافت و بشرق مرا

کردید لکن این سفر دوم قیاس بسفر اول نمیشد زیرا امریکا قیاس بااروپا نگردد و جهانی دیگر است و خلقی دیگر واستعدادی دیگر لهذا عبدالبهاء میدانست وسیع یافت و جولانگاهی فسیح دید در جمیع مجامع و محافل ضحیح یا بهاء الابهی بلند نمود و صریح یا علی الاعلی باوج اعلی رساند از الطاف بی پایان جمال مبارک منتظر ظهور <sup>لعمل</sup> نتایج این سفر امیدوارم که این روش عبدالبهاء دستورا احباً گردد تا کل باین نحو تبلیغ نمایند و آواره دشت و کوه و صحرا شوند نفسی راحت نجویند و دمی نیاسایند و جان و دل بکف گرفته فدای جمال مبارک نمایند .

۲۱- نقل از مجله بهائی بقلم انیس ردت ( ترجمه )

” چه افتخار بزرگی داشتم که روز آخر اقامت حضرت عبدالبهاء در امریکا بحضور مبارکش مشرف گشتم مراسئوالی بود که مدتها میخواستم از محضر انور بنمایم ولی بیم آن داشتم که در جواب مرا مأمور نطق و خطاب بهر کس و در هر محفل بنمایند لذا دیری گذشت که این سؤال در قلبم پنهان بماند تا آنکه روز آخر بخود آمده گفتم فی الواقع شرم آور است که از موقعیت استفاده ننمایم چون بحضور رسیدم فوراً فرمودند آیا کسی سئوالی دارد ؟ بیدرنگ پرسیدم بهترین طریقه تبلیغ امر حضرت بهاء الله چیست ؟ چهره مبارک

تفسیر کرد و بالحنق بس مهیمن بیانات ذیل را فرمودند :

« اولین قدم ایجاد طلب روحانیت در قلب است و بعد دارا شدن حیات بهائی حیات بهائی حیات بهائسی. طریقه بدست آوردن این عطش تفکر و تمعن در سازه حیات جاودانی یعنی دارعبی است کتب مقدسه و کلمات انبیاء را بخوانید و تحصیل کنید و تفکری مخصوص در آیات حضرت بهاء الله بنمائید دعا و تفکر این دو عامل مهم را فراموش ننمائید خیلی وقت صرف این دو کار بنمائید البته با این ترتیب رفته رفته آن عطش و طلب در قلب شما جایگیر خواهد شد و فقط پس از تحصیل این کیفیت است که میتوانید دارای زندگانی بهائی گردید برای اینکه حیات بهائسی دارا باشید باید مهربانترین شخص عالم گردید خالصترین و پاکترین همه شوید فقط و فقط طرفدار حق و حقیقت باشید و حیاتی کاملاً بر طبق اصول الهی دارا گردید همسایگان خود را محبت کنید در موقعی که مریضند دیدن نمائید و چون در زحمتند راحتی بخشید بهر نحو که ممکن است بخد متشان پردازید و از روی صمیمیت بآنها نشان بدهید که ایشان را دوست دارید و از صمیم قلب تمایل بخد متگذاران<sup>پیشا</sup> میناشید فقرا را بخشش کرده غذا برایشان بفرستید هر چه دارید با سایرین قسمت کنید و آنچه خداوند

مقدر فرموده راضی باشید بکسانیکه بشما اطمینان دارند  
 نهایت امانت و وفاداری ابراز دارید هرگز جز طریق مهر  
 و وفا نیوئید با طرز حیات خود بجهانیان نشان بدهید که  
 گوهری در دل و روحی غیر از دیگران دارید کار را بجائی  
 رسانید که همه بگویند این شخص چه دارد که ما نداریم  
 بمال میان نشان دهید که در عین رنج و محنت و در بحبوحه  
 فقر و تنگدستی و بیچارگی و ناخوشی چیزی در قلب دارید  
 که تسلی روح شماست بجمیع بفهمانید که شمارا گنجی  
 در دل است که در گرداب بلایا قلب را قوت و روان را  
 آرامی و اطمینان بخشوده شمارا مشعوف و پرنشاط ساخته  
 قوی و مستحکم نگاه داشته و در برابر سختی و مصیبت راضی  
 و خشنودتان میگرداند وقتی چنین شد همه طالب میگردند  
 که از آن گوهر شمین گنج روان دارا باشند و چون حال  
 بدینموال گردد دیگر تبلیغ را زحمتی نیست فقط بایست  
 بطالبین بگوئید که این در گرانبها چیست .

۲۲- در لوح خطاب بجناب سمند رعلیه بهاء الله

میفرمایند :

" مقصود این است آنچه عبور و مرور یاران الهی چون نسائم  
 صبحگاهی بدیاری و اقطار گردد نفحات قدس منتشر شود  
 و مشامها مطار گردد و نفوس حیات تازه یابند مدد لا زم است

والّا مخمود شوند جوهر مقصد این است که هر وقت نفس مقدّس یافت شود و موانعی در کار نباشد و بکمال روح و ریحان مرور و عبورش بسایر دیار ممکن گردد البته تأخیر نفرمایند هر که باشد ولی شرطش این است که در نهایت انقطاع و نهایت اتحاد و منتهای روحانیت کبری سفر نماید ایمن نفوس بمنزله روح حیاتند و بشارت ربّ الایهات .

۲۲- در لوح خطاب به منتسبین حضرت سمند رعلیه

بهاء الله میفرمایند :

" اما در مسئله تبلیغ باید بنحوی که من در اروپا و امریای

تقریر مینمودم بیان نمائید ."

ج - از بیانات مبارکه حضرت ولیّ امرالله :

۱- در لوح مبارک مورخه ۱۶ اکتبر ۱۹۲۵ خطاب

باحبای ایران میفرمایند :

" تبلیغ و هدایت نفوس در این عصر نورانی غیر ممکن مگر آنکه معرفی کامل و حسن سلوک و اخلاق در انسان توأم و مجتمع گردد لایقبل احدی دون الآخر معرفت الله یعنی اقبال بمظهر کلیه الهیه و حسن رویه و رفتار از لوازم اصلیه و شرائط ضروریه تبلیغ است و اگر چنانچه مبادی امریه و علوم نافعه نیز تحصیل شود نور علی نور گردد و امر تبلیغ را تسهیل و ترویج نماید ولی در رتبه اولی آنچه لازمه تبلیغ است شناسائی مظهر کلیه الهیه و اتصاف بصفات مرضیه ممدوحه است علوم اولین و آخرین حتی تحصیل اصول امریه مبادی روحانیه عاقبت فائده و اثری نبخشد مگر آنکه منضم باین دو شرط اعظم گردد و همچنین معرفت مظهر ظاهر و اگر ثمر و نتیجه اش حسن سلوک و تزکیه اخلاق نباشد از نفوذ و تأثیر محروم و نزد اهل دانش و ارباب بصیرت قابل اعتناء نبوده و نیست چه که این معرفت معرفت حقیقی نه بلکه صرف توهم و تقلید است و همچنین حسن نیت و صفای قلب

و راستی و صداقت اگرچنانچه از نورشناسائی حق محجوب ماند و باقبال بمظهر ظهورش فائز نگردد و بالمآل از قسوه دافعه تائید و امدادات روح القدس که یگانه دافع هموم و کروب اینعالم ظالمانیست ممنوع و از تأثیر دائمی و نتایج کلیه محروم. فتح و ظفر در این قرن انور نصیب مؤمن نیاک رفتار است نه عالم بدکردار مواعظ علماء سوء که از مقصد دین غافلند و هنر و همت اهل علم و تقوی که از عرفان معلوم محجوبند هر دو اثرات و نتایجش در حیّز ادنی محدودند فانی ولی ثمرات هم عالیه هر مؤمن پرهیزکار بی پایمان و باقی چه که مستمد از روح نبّاض آئین حضرت بهاء اللّٰه است و بنفثات روح القدس مؤید این است شرط و وفا و این است سرّ تبلیغ امر بهاء .

۲- در لوح مبارک مورخه ۱۶ دسمبر ۱۹۲۲ خطاب

باحبّای ایران میفرمایند :

" بکرات و مرات از لسان اطهر میثاق شنیده شد که اگر چنانچه مبادی اساسیه و تعالیم اصلیه حضرت بهاء اللّٰه که در بلاد غرب علی رؤس الاشهاد اعلان و بیان شد در نهایت وقار و تجرد و توجه و خلوص بطالب مستمّد بهمان اسلوب بدیع و لحن جدید و ترتیب کامل که موافق و مطابق مشرب عالم است القا گردد چندی نگذرد که

مستمع منقلب گردد و نور ایمان در قلبش پرتو افکند .

۲- ونیز میفرمایند :

” پس احبای الهی که منادیان این امرند و ناشران این تعالیم باید الیوم باعمال و کردار و رفتاری در بین عموم ظاهر شوند که نفس اعمال غافلان را تبلیغ نماید و تشنگان طالبین نجات را هدایت کند چه بسا از لسان اطهر میثاق شنیده شده که اگر فردی از افراد احبا با اجرای یک تعلیم از تعالیم الهیه در نهایت توجه و تجرد و همت و استقامت قیام نماید و در تمام شئون حیات خویش این یک تعلیم را منظور نظر داشته بتمامها اجرا نماید عالم عالمی دیگر شود وساحت غیرا جنت ابهی گردد .”

۴- در لوح مبارک مورخه جانوری ۱۹۲۹ خطاب با احبا

و محفل روحانی مرکزی ایران میفرمایند :

” وهمچنین اقوال مبلغین امر الهی چه مبلغین ثابت و چه مبلغین سیار باید بسط حقایق و مبادی و احکام الهیه را نماید و راهنمای عملیات محافل روحانیه گردد و اقدامات محافل روحانیه باید مثبت و مؤید دعوت و مدعای مبلغین شود و الاً اقوال مبلغین را اگر محافل روحانیه در اجراءات خویش تنفیذ ننمایند اثر و ثمری نبخشد و سلك و روش محافل روحانیه اگر چنانچه بتعلیمات بهیه صادره از فم



مبلغین تطبیق نشود سقیم و عقیم ماند این است مبدا<sup>۱</sup>  
 بهائیان این است مسلک روحانیان این است ضامن  
 و کافل وحدت جمع مؤمنان ."

۵- در لوح مبارک مورخه ۲۷ شباط ۱۹۲۳ خطاب

باحبای ایران و ترکستان میفرمایند :

"حضرات مبلغین باید در نهایت روحانیت و توجه و انقطاع  
 از متاع دنیا و از هر تعلق و توقعی و اسم و شهرتی فارغ  
 و آزاد بوظیفه مقدسه خود پردازند و اعظم و صایای مقدسه<sup>۲</sup>  
 را که مقصود تبلیغ و ندای امرالله است باحسنها و اکملها  
 مجری دارند."

۶- در لوح مبارک مورخه ۱۶ دیسمبر خطاب باحبای

ایران میفرمایند :

"شرط ثالث و اخیر از برای ارتفاع کلمه الله امر مهم<sup>۳</sup>  
 تبلیغ است و این امری است بغایت مهم و مشکل و دقیق  
 شرائط مبلغین در الواح مقدسه جلیا مسطور و مشبوت  
 باید بدقت کامله و توجه تام آن شرائط را تلاوت کرد  
 و سعی و جهد موفور مبذول داشت تا هریک باین صفات  
 ملکوتیه متصف گشته زبان به تبلیغ دین الله گشویی<sup>۴</sup>  
 از جمله شرائط منزله تنزیه و تقدیس و اتصاف بصفات ممدوحه<sup>۵</sup>  
 مرضیه است و حسن رفتار و گفتار و کردار مراعات حکمت

است و ملاحظه مقتضیات زمان و مکان باید اعمال ممدّ و مثبت بیان در تبلیغ گردد و شخص مبلغ اولاً استعداد طالب و نوایای قلبیه و مشرب و محیطش را بدقت ملاحظه نموده و آغاز صحبت نماید تحصیل علوم و فنون و معارف و اکتساب معلومات هرچند از لوازم ضروریه محسوب نه ولی از تأثیر گلی و اهمیت عظمی خارج نیست .

یابد

۷- در لوح مبارک مورخه ۱۹ دسامبر ۱۹۲۳ میفرما :

" تبلیغ باعمال حکمت قبول ننماید و تقیید و تحدیدی نداند گل از وضع و شریف و قدیم و جدید پیرو جوان قابلیت و توانائی پیمودن این سبیل را داشته و دارند پس عذری از برای احدی نماند ..... هر نفسی که خود را بشیم و حلال تقدیس و تقوی و اخلاق مزین ندارد او بهائی حقیقی نه ولو اینکه باین اسم موصوف و مصروف ..... و اگر نفسی امس و جاهل و از تبلیغ بنطق و بیان قاصر و باعمال وسلواک و رفتارش علت انتباه و تذکر و اقبال یاک نفس گردد البته مرجح و محترم تر و عزیزتر و بهتر از شخصی است که سالهای سال به تبشیر و تبلیغ لفظی پرداخته و شهرت و اهمیت یافته ولی مشرب و اخلاقی مباین و مخالف کلام و قول او حسنات این نفس عاقبت قلب نفوس را بنور ایمان کاملاً دایماً منور خواهد ساخت ولی سیئات این شخص بالاخره سبب شود

که تمام مواعظش فراموش گردد بلکه بالعکس نتیجه بخشد و توجه و ایمان مبدل بیأس و سستی و بیدینی شود میل و رضا بلکه امرش دید حضرت عبدالبهاء در این است که بهائیان در جمیع امور حتی در جزئیات و معاملات یومیه و روابط افراد بایکدیگر بحسب تعالیم الهی رفتار نمایند .

۸- در لوح مبارک مورخه ۲۳ ک ۱۹۲۳ خطاب باحبای

ایران و ترکستان میفرمایند :

”هر قدر نام بهائی مشتهرتر گردد و امرالله عزیزتر و رفیع تر شود اعمال و اخلاق حسنه طیبه زکیه طاهره احباء الله باید بهمان درجه در انظار آشنا و بیگانگان بیشتر و بهتر جلوه نماید آثار علویت این تعالیم باید در روش احبای ظاهر و مکشوف گردد چه که اول مبلغ حسن رفتار یارانست و بهترین دلیل و هادی بصراط مستقیم الهی همانا حسن سلوک و حسن معاملات و خدمت حقیقی بمعالم انسانی روح الهی نفوذ و تأثیرش در جسد امکان متوقف و منوط باعمال است نه اقوال و الا فتور و تأخیر حاصل شود و تائیدات شدیدیه که مخصوص این قرن اعظم است شامل حال نگردد و آمال و نوایا تحقق نیابد همت لازم و سعی موفور واجب تذکر و تنبیه شرطست و استمداد عون و عنایت هردو باید جمع گردد تا در اعمال از سائرین ممتاز گردیم

وفى الحقیقه تبلیغ این امر مبارک را نمائیم والاّ از فیض برکت محروم و از تحقق آمال ممنوع خواهیم گشت .

۹- در لوح مبارک مورخه ۱۵ سپتمبر ۱۹۳۲ خطاب بمحفل روحانی طهران میفرمایند :

” راجع بامر تبلیغ بنوع تأکید و بیان اطمینان کامل فرمودند که ایشان ( مقصود جناب فاضل مازندرانی ) وسائر مبلغین را که محفل مرکزی تعیین مینمایند باید در این ایام اوقات را صرف ترویج امر نمایند و افکار را حصر در این امر خطیر نمایند و خود را آلوده بامور دنیویه ننمایند این نفوس مستثنی بوده وهستند .”

۱۰- در توقیع مبارک خطاب بمحفل روحانی ملی امریک

میفرمایند : ( ترجمه )

” احبای الهی مخصوصا آنانکه تجربه کافی در امر تبلیغ ندارند باید در طرز ابلاغ تعالیم امر الهی نهایت دقت و مراقبت را بکار برند حصول موفقیت در امر تبلیغ تنها منوط بصداقت و خلوص و ایمان نبوده بلکه در عین حال تدبیر و نهایت حزم و حکمت نیز لازم است هنگام ابلاغ کلمه الله بعامه نفوس در بیان مطالب نباید عجله نمود بلکه دقت و اهتمام لازم است که تعالیم الهی را بطور جامع و کامل ابلاغ و برای رعایت خاطر دیگران دخل و تصرفی در آن ننمود

ایمان و ایقان با امر الهی باید از روی کمال عقیده و خلوص باشد یا باید امرالله را بدون هیچ قید و شرطی قبول نمود و یا خود را بهائی معرفی نکرد توجه نفوسی را که جدیداً در ظل امر وارد میشوند باید باین نکته جلب نمود که برای ورود در زمره پیروان رسمی و فعال امرالله قبول قسمتهای بخصوصی از تعالیم و ردّ بعضی دیگر با طرز فکر آنها منطبق نیست جائز نه باین طریق هرگونه سوء تفاهم زائـل و وحدت اصلی امر الهی محفوظ خواهد ماند .

( نقل از صفحه ۳۳ رساله نظامات بهائی )

۱۱- در لوح مبارک مورخه ۲۴ نوامبر ۱۹۲۴ بواسطه محفل روحانی ملی خطاب با حباب امریک میفرمایند: ( ترجمه )  
 " اولاً بایستی سعی کنیم که دارای حیات کامل بهائـی گردیم بعد با نیتی واحد و فکری واحد و ندائی واحد مردانه برخاسته افراد را قوی ساخته بسوی مقصد اصلی رهسپار گردیم و در چنین هنگام غم آوری بیاد آریم که آخرین نصایح آن مولای حنون چه بوده قوله الاحلی :  
 " دقیقه‌ای آرام نگیرند و آنی استراحت نکنند در ممالک و دیار منتشر شوند و آواره هر بلاد و سرگشته هراقلیم گردند دقیقه‌ای نیاسایند و آنی آسوده نگردند و نفسی راحت نجویند در هر کشوری نعره یابها<sup>ء</sup> الابهی زنند و در هر

شهری شهره آفاق شوند و در هر انجمنی چون شمع بر افروزند و در هر محفلی نار عشق بر افروزند تا در قطب آفاق انوار حق اشراق نماید و در شرق و غرب جم غفیری در ظلّ کلمة الله آید و نفحات قدس بوزد و وجوه نورانی گردد و قلوب ربّانی شود و نفوس رحمانی گردد در این ایام اهمّ امور هدایت ملل و امم است باید امر تبلیغ را مهمّ شمرد زیرا اساس است این عید مظلوم شب و روز بترویج و تشویق مشغول گردید دقیقه ای آرام نیافت تا آنکه صیت امرالله آفاق را احاطه نمود و آوازه ملکوت ابهی خاور و باختر را بیدار کرد یاران الهی نیز چنین باید بفرمایند این است شرط وفا و این است مقتضای عبودیت آستان بها . حواریون حضرت روح بگلی خود را و جمیع شئون را فراموش نمودند و تراک سر و سامان کردند و مقدس و منزّه از هوی و هوس گشتند و از هر تعلقی بیزار شدند و در ممالک و دیار منتشر شدند و بهدایت من علی الارض پرداختند تا جهان را جهان دیگر کردند و عالم خاک را تابناک نمودند و بپایان زندگانی در ره آند لبر رحمانی جانفشانی کردند و هریک در دیاری شهید شدند " فبمثل هذا فلیعمل العالمون " پس از آنکه کاملاً باهمیت این عبارات و معانی حقیقی این جواهر شمیمه پی بردیم و بر موز آگاه و مطلع گشتیم و چون در اشراف فیضان

این ابر رحمت در قلوب خود احساس انتعاشی جدید و امید  
شدید و روحی مستبشر نمودیم بکمال قوت و همت برخیزیم  
و با خاطری مطمئن و قلبی ملهم و فهمی کامل به تبشیر  
و تبلیغ قیام نمائیم و تبشیر را از اهمّ فرائض و اعظم خدمات  
خود دانیم و تبلیغ را مهیج ترین عواطف روحانیه خویش  
قرار دهیم بجمیع نقاط عالم پراکنده شویم امیال و منافع  
شخصی را فدا و قربانی نمائیم از راحت یومی و آمال  
درونی و مسرات حیاتی دست و دل بشوئیم و در ره دوست  
عاشقانه بپوئیم با فرق مختلفه و کافه ملل متنوعه اختلاط  
حاصل کرده و تماس کاملی با افکار و عادات و رسوم مردمان  
روی زمین بدست آریم تا بیمن الله و تائیده در قلوب ملل  
نار اشتیاق برافروزد و نیز بجمیع وسائل مشبث گردیم  
و با تمرکز و دقت و ادامه در خدمت نفوس مستعده سلیمه را  
در ظلّ ظلیل این آئین جلیل وارد سازیم در کلیه احیان  
محبوب خود عبدالبهاء و طریقه تبشیر و تبلیغ او را بخاطر  
آوریم او با حکمت تامّ و مهارت کامل با فرق مختلفه تماس  
حاصل میکرد در ملاقاتهای اولیه با نهایت دقت و بردباری و  
حضور ذهن بیان مطلب میفرمود در جمیع خطابات خود  
وسیع النظر بود و با علوّ فکر تعالیم و اصول محکمه امریه را  
تشریح و تبیین مینمود با صبر و سکون و دقت و تدریج

پرده از وجه حقائق منیره این آئین مقدس بر میداشست  
 باعاطفه و احساس شدیدی خلق را دعوت بملکوت الهی  
 میفرمود و با عشق و ایمان مطالب و حقایق عالیها بر مستمعین  
 القا مینمود با وجود چنین شعله و حرارت و انجذاب بی  
 وقار و سکونت را در مباحثات خود از دست نمیداد و با الحسی  
 مطمئن به صحبت برمیخواست در عقائد و آراء خویش چون  
 جبل آهنین محکم و متین بود و در طرق حیاتی بسیار وقور  
 و سنگین مشی میفرمود آن مولای عالمیان با چنین خصائص  
 برجسته ای به تبلیغ و انتشار امر حضرت بهاء الله قیام  
 فرمود اگر همگی مصمم گردیم که در سبیل او مشی نمائیم  
 قطعا آن یوم نزدیک است که امر الله از ظلمت امر جدید کوچک  
 نامعلومی بدرآمده و بروشنائی جهان تاب و دیانت قویه عمومی  
 خواهد رسید در این طرز حیات سرّ موفقیت مکتون و مستعد  
 است و در این رویه و سلوک حقیقت پیشرفت و علو امر الله  
 مقدر و مستتر سرّ صلاح و امید فلاح امری که از جان و دل  
 میپرستیم در همین است پس آیا کمالا بمسئولیتها و وظائف  
 خود آگاه هستیم آیا بر عظمت و تقدیس و اهمیت و ثقل تکالیف  
 خویش پی برده ایم ؟ ” .

۱۲- و نیز در لوح مبارک مورخه ۲۰ فوریه ۱۹۲۷ خطاب

بمخفل روحانی علی بهائیان امریک میفرمایند : ( ترجمه )



" در خصوص طریقه تدبیر اموری که در این کنفرانسها  
 وسایر اقدامات بهائی باید اتخاذ شود چنین بنظر میرسد  
 که این نهضت عجیب روز بروز ترقی نموده و بر قدرت و قوتش  
 افزوده میگردد و محافل روحانی ملی باید تشجیع شده  
 اگر وضعیات اجازه میدهد و وسائل موجوده تقاضا میکند  
 متمسک بدو طریقه مستقیم و غیر مستقیم تبلیغ و انتشار امر الله  
 گردند تا قلوب نفوس مستعد را حاضر نموده بسرچشمه  
 هدایت رسند و مؤمن و موقن شوند طریقه اول آنستکه  
 بدون احتیاط پرده از وجه منیر حقائق برداشته بسرعت  
 ومبارزانه القاء مطلب میشود و طریقه ثانی تدریجی و باحکمت  
 وممانت است ولی بدون ادنی شائبه انحراف از اصول مسلمه  
 امریه تجربه این حقیقت را واضح خواهد ساخت که هر یک از  
 این دو رویه بطریقه خاص خود مقتضی طبایع و طبقات  
 مخصوصه میباشد و هر یک از این دو در این جامعه  
 دائم التفسیر باید بنهایت درجه ممانت و دقت و رزانیت  
 امتحان شده و بکار روند البته برعهده نمایندگان ملی  
 یاران الهی آن اقلیم است که این دو طریقه را بنحوی  
 بایکدیگر ترکیب نموده بکار برند یعنی لهجه صراحت و  
 مستقیم را بالحن تدریجی و حکمت توأم تا آنکه بزرگترین  
 نتیجه را بجهت پیشرفت این ترقی مقدور و محتوم امرابهی

حاصل نمائیم برهر بهائی عالی فکر ثابت راسخی کامل و واضح  
 و مبرهن است که کلیه نیات و اعمال نوع پرستی که باشجاعت  
 و صراحت در این ایام بمنصه بروز و عمل میآیند از سرچشمه  
 قدرت محرکه استناره و استقبال به تعالیم جمال اقدس بهی  
 است ولی با وجود این باید طریقه حضرت عبدالبهاء را بخاطر  
 آریم تا بفهمیم که جنبه حکمت و تدریج ارجح و اولی است  
 و استنباط میکنیم که باید حقائق تدریجا و باکمال متانت  
 در برابر چشمهای بی عقیده دنیای کنونی پرتوافکن گرد و نیز  
 در مقابل این دنیائی که بسی برایش دشوار است به تعالیم  
 الهیه مقبل گردد. بایستی تدریجا از وجوه منیره حقائق  
 لامعه این نهضت عظیم که بنفسه محسوس امم و منجی عالم  
 و منادی بنی آدم است پرده برداشته و آن طاق محکمه  
 متینه را متدرجا در برابر اهل عالم گذاریم مثلا اعلام و  
 درخشنده ترین نمونه حیات بهائی حضرت عبدالبهاء بود  
 که با صبر و مهارت عجیبی چه در خطابات عمومی خود و چه  
 در صحبتهای خصوصی خویش القاء اوامر الهیه و اساسهای  
 این آئین مبین را بوجهی بیان میفرمود که متناسب قوای مختلفه  
 و استعداد متنوعه مستمعین بود شگنی نبود که با این حکم  
 بالفه بالمآل خرق حجاب از وجه اهل ارتیاب مینمورد  
 و با آنهائی که قوای روحانیه شان مستعد درای فیوضات

الهییه شده بود اصول مسلمه امریه را گوشزد میفرمود و با  
متانت و رزانت عجیبی روابط خفیه حقیقیه این امر اعظم را  
باشرائع و ادیان گذشته باحسن وجه بیان میکرد بهائیان  
چه وقتی شخصا مشغول اقدامات و انجام خدمات امریه  
میباشند و چه هنگامی که در هیئتی قیام بخدمت نموده اند  
بایستی چون در مقابل معترضین قرار گیرند بنهایت جرأت  
و شهامت و بدون ادنی شائبه خوف و هراسی ایستادگی  
نمایند و در برابر بیدینی و مادیت و سطحی بودن جامعه  
امروز بهترین و مؤثرترین وسیله تبشیر و تبلیغ همانا القای  
تعالیم و احکام الهی است بنحو حکمت و تدریج زیرا  
این طریقه ایست که برای نیل به مقصد اعزّ اعلیٰ حقّ  
بجهت غیورترین و باحرارترین و راسخترین خادمین که  
بدعوت خلق مشغولند لازم و واجب بشمار میرود حضرت  
مولی الوری غالباً میفرمودند که هر چه عمومی است الهی است  
بدین نکته باید کاملاً واقف باشیم بهائیان هر مملکتی  
حاضرند و بلکه از روی دل و جان مشتاقند که قولا و عمالا  
باهر طبقه و ملّتی معاشر باشند و این آمیزش و خلطه  
البته مقدس از الوان تعصب وطنی و سیاسی است این  
معاشرت محض خاطر عموم اهل عالم و از روی محبت و خلوص  
صرف است و معلوم است پس از آنکه مؤسساتی که مستقیماً

مربوط و منوط بامر است مساعدتهای لازم و شایان خود را  
انجام دادند اعمال خیریه خویش را وسعت داده  
هر گونه همراهی و معاضدت اخلاقی و مادی  
را که بتواند بهر مؤسسه ای ابراز خواهد داشت  
ولی باید مقصد اصلی را بخاطر داشته باشند  
که این تشریک مساعی و معاضدت بایستی  
وقتی منتج بنتیجه گردد که معاشرین  
آنها بالاخره بفهمند و بنهایت لزوم  
و اهمیت حقیقی آئین بهائیت  
در این یوم عظیم کاملاً  
معتبرف و مدعن گردند

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*

\*

قسمت سوم

او امر مبارکه راجع به نصرت و اعانت مبلغین  
 سسسسسسسسسسسسسسسسسسسسسسسس

الف - بیانات مبارکه حضرت بهاء الله

۱- در کتاب مستطاب اقدس میفرمایند :

" و نریکم من افقى الابهى و ننصر من قام على نصره امرى  
 بجنود من الملاء الاعلى و قبيل من الملائكة المقربين "

۲- و نیز میفرمایند :

" انصروا یا قوم اصفيائى الذین قاموا على زگرى بین خلقى  
 و ارتفاع کلمتى فى مملکتى اولئک انجم سماء عنایتى ومصابيح  
 هدايتى للخلائق اجمعين "

۳- و همچنین میفرمایند :

" طوبى لکم یا معشر العلماء فى البهاء تالله انتم امواج  
 البحر الاعظم و انجم سماء الفضل والوية النصر بین السما  
 والارضيين "

۴- در لوح مبارک خطاب بجمال مندرج در صفحه

۲۲۲ کتاب اقتدارات میفرمایند :

" نفوسیکه اليوم من عند الله مأورند به تبلیغ امر و تخصیص

داده شده اند بمعنایات مخصوصه او کَل باید نسبت بایشان خاضع باشند چه که آن خضوع لله واقع میشود چون بامر حقست بحق راجع است ولیکن آن نفوسیکه تخصیص داده شده اند باید کمال اتحاد مابینشان مبرهن و ظاهر باشد دیگر در ایچ عرفان و مراتب آن نفوس عند الله مشهود بود هو خواهد بود .

ه- در لوح دنیا میفرمایند :

" یا حزب الله علمای راشدین که بهدایت عباد مشغولند و از وساوس نفس آماره مصون و محفوظ ایشان از انجم سماء عرفان نزد مقصود عالمیان محسوب احترام ایشان لازم ایشانند عیون جاریه و انجم مضمیئه و اثمار سدره مبارکه و آثار قدرت الهیه و بحور حکمت صمدانیه طوبی لمن تمسک بهم انه من الفائزین فی کتاب الله ربّ العرش العظیم " .

ب- بیانات مبارکه حضرت عبد البهاء

۱- در لوح مبارک خطاب بجناب بشیر الهی میفرمایند :

" امروز اول شخص در این نباء عظیم مبلغ فصیح و بلیغ است و مقرب درگاه ربّ عزیز حضرات مبلغین نفوسی محترمه اند و سزاوار خدمت و رعایت در جمیع مراتب " .

## ۲- در لوح دیگر میفرمایند :

" ای احبّای الهی الیوم نفس مبلغ مؤیّد است  
 و مبلغین صف اوّل مقرب درگاه کبریا و مستمّد از ملکوت  
 ابهی لهذا باید احبّای الهی نهایت محبت و احترام  
 را در حق مبلغین مجری دارند و در هر جا وارد گردند  
 سرور و حبور حصول یابد ." ( نقل از گنجینه )

## ۳- از بیانات شفاهیه حضرت عبدالبهاء در باره

مبلغین : ( نقل از مجله بهائی - ترجمه )

" جمال مبارک در ایام حیات هرگاه اراده داشتند که فضل  
 و رأفت مخصوصی نسبت بیکی از احبّاب را بر او راتشویق  
 بر تبلیغ امر الله و نشر نجات الله میفرمودند و هر وقت  
 بمسافری صحبت میفرمودند و یا بافتخاری یکی از احبّاد در  
 ممالک بعیده لوحی نازل و آنها را تحریص بر تبلیغ میفرمودند  
 کاملا واضح و مبرهن بود که آن اشخاص از نفوس نفیسه و از  
 اهل اخلاص و مورد محبت خاصّ جمال اقدس ابهی بودند  
 لحظات عنایت بقدری شامل حالشان بوده که آنان را مأمور  
 بر اعلائی کلمه الله مینمودند چقدر قابل ملاحظه و وقّت  
 است که الواح معتبره شامل اصول و احکام الهیه بافتخار  
 مبلغین امر الله نازل گشته نفوسیکه حیات خود را وقف  
 انتشار امر الله و تبشیر نفوس بملکوت الله مینمودند مورد

عنایات نامحدود جمال مصبود گشته و هر وقت اسم آنها  
 بر محضر انور برده میشد چهره مبارک متبسم و شادمان  
 شده و این خود واضحترین نشانه عواطف جزیله الهیه  
 از قسم اطهر صادر میشد و لسان عظمت بکلمات و جمالتی  
 نطق میفرمودند که قلوب طافح از شوق گشته چهره ها  
 برافروخته شده و با قدرت و سطوت مهیمنه اش چنان حرارت  
 و انجذابی در قلوب ایجاد میفرمود که کل حاضر بودند  
 جان خود را برای پیشرفت امرالله و اجرای او امر جمال مبارک  
 فدای نمایند مبلغین راهمیشه اسرافیل خدا مینامیدند که  
 در صورت دیده مردگان مراقب غفلت و بیچارگی رابقوه کلمه الله  
 بحیات ابدی وارد میسازند روزی در ضمن صحبت بقدری  
 از خدمات و اقدامات مبلغین امرالله تحسین و تمریف  
 فرمودند و بحدی تمجید از فداکاری آنان نمودند که  
 با وجود آنکه محبوبی بیش نبودم با خود گفتم ای کاش میبود  
 میگشتم تا بکاشفر که تا آنوقت هیچ مبلغی نرفته بسود  
 حرکت نمایم میخواستم تنها و بدون اثاثیه حرکت کنم  
 فقط یک بسته الواح و کتب و قلم و کاغذ همراه ببرم حتی  
 تذکره خود را تهیه کردم و مفتی بزرگ ضامن من شد و لسی  
 وقتی متصرف ابراهیم پاشا شنید پیغام فرستاد که از قرار  
 معلوم جناب شما در صد مسافرتی طولانی میباشید من



جسارت نمیکنم که مانع از این سفر گردم ولی از آنجائی که حکمران این نقطه میباشم مجبورم جمیع حوادث را بمرکز اخبارنمایم بنابراین حسب الوظیفه بمحض اینکه پا در کشتی گذاردید بیاب عالی خبر خواهم داد چون من آشنا بدین تعارفات بیمعنی وبی حقیقت بودم فهمیدم که بطرز مؤدبی مرا مانع از حرکت شده لهذا از شهر خارج نشدم ولسی همیشه آرزوی سفرتبلیغی و تبشیر نفوس بملکوت الهی و اعلاء کلمه ربّانی در اقطار جهان بودم و اینکار را محول بوقت و فرصتی دیگر نمودم .

۴- در لوح خطاب بجناب آقا محمد حسن بلور فروش

شیراز میفرمایند :

" حضرات مبلغین فی الحقیقه قیام بر خدمت نورمبین دارند و البته تائید یابند بانفاس طیبه روح حیات دمند و بپراهین قاطعه زبان بگشایند و نفوس مخموده را تروتازه نمایند و حقایق جامده را بحرکت آرند طوبی لهم و حسن مآب ."

۵- در لوح مبارک خطاب بحضرات افغان آقامیرزا

بزرگ و آقا میرزا حبیب الله میفرمایند :

" امید چنانست که مبلغین در آنخطه و دیار موفق بخدمات فائده گردند جناب منیر نجم ساطع اثیر است فی الحقیقه چنانچه باید و شاید بخدمت پرداخته جناب ناطق

سراجی بازغ است در هدایت نفوس می‌گوشد جناب نوش  
به نیتی صادق و فکری ثاقب و رخی بارق به هدایت نفوس  
میپردازد قدر این مبلغین را بدانید زیرا در امر الله  
جانفشانند هر مبلغی که بموجب نصایح و وصایای الهی  
سلوک و حرکت مینماید کوجب درخشنده افق  
عنایت است."

### ح - بیانات مبارکه حضرت ولی امر الله

۱- در لوح مبارک خطاب با آقای دکتر بدیع الله آگاه  
میفرمایند :

" علماء در این کور مقدس در یک مقام ایادی امر الله  
و در مقام دیگر مبلغین و ناشرین امر که در سلاک ایادی  
نباشند ولی رتبه اولی را در تبلیغ حائز "

( استخراج از مرقومه متحد المال شماره ۲۵ / ۱۷۰۹ مورخه  
اول شهر الکمال سنه ۲۰۲ بدیع مطابق ۱۰ مرداد ماه  
سنه ۱۳۲۴ محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران راجع  
باجرای نقشه یکساله تبلیغ ) :

" را بهما برای رعایت شأن و مقام حضرات مبلغین محترم  
تمنی است بذکات ذیل عطف توجه فرمایند :

( ۱ ) حضرات مبلغین در مواقعی که مطالبی میخواهند  
بمخفیل بیان نمایند حق ورود بجلسات محافل روحانیه  
بدون رعایت نوبت خواهند داشت .

( ۲ ) مبلغین حق حضور در انجمنهای شور ولایتی  
دارند .

( ۳ ) مبلغین حق حضور در انجمن شور روحانی ملی  
بهائیان ایران خواهند داشت .

( ۴ ) احبای الهی باید مقام و منزلت حضرات ناشرین  
نفحات الله را همواره مد نظر قرار داده و احترام آنان را  
ملحوظ دارند .

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*

\*\*\*

\*

قسمت چهارم  
اهمیت محافل درس تبلیغ

الف - بیانات مبارکه حضرت عبد البهاء

۱- لوح مبارک بافتخار تلامیذ درس تبلیغ :

” فاران بواسطه جناب میرزا جلال الله اعضای انجمن  
درس تبلیغ علیهم بهاء الله الابهی .

هو الله

ای تلمیذان حقّ و شاگردان دبستان الهی از قرار معلوم  
در محفل معانی نزد ادیب عشق بآموختن حقایق و اسرار  
مشغولید و بسوختن حجاب اوهام مألوف البته همّت  
نمائید تا گاری از پیش برید زیرا آنصفحات در نهایت  
احتیاج تانفوس آگاه مبعوث شوند و بهدایت طالبان  
پردازند در این ایام تشنه بسیار ولی ساقی اقل قلیل  
تحصیل درس تبلیغ بسیار لازم و واجب گردیده امیدم  
چنانست که نورسیدگان بهائیان گل به تحصیل درس تبلیغ  
مشغول گردند آنان که روز فرصت ندارند شبها بگویند  
وبیاموزند ربّ و رجائی آید هولاء علی التحصیل العلوم

الدّالة على ظهور جمالك في حيز الاكوان و علمهم اسرار ما  
 كان في غيب الامكان وانطقهم بالحجج والبرهان واكشف  
 بهم الحجب والاستار التي غشت البصائر والابصار ومهد لهم  
 السبيل و اوضح بهم الدليل واسق بهم السلسبيل كل  
 ظمان ملتهب الاحشاء يتمنى قطارة من الماء رب اجعلهم  
 آيات تدل على اشراق انوارك و ظهور برهانك و بروز آثارك  
 واحاطة قيو ميتهك وثبوت ربوبيتك و وضوح الوهيتك انك  
 انت الكريم انك انت الرحمن الرحيم . ع

۲- در لوح مبارك خطاب يا حباي امريك مندرج در

مکاتیب جلد سوم صفحه ۳۲ میفرمایند :

" از جمله تشکیل محفل تبلیغ است که نفوس مبارکه قدمای  
 احباب نورسیدگان محبت الله را در مدارس تبلیغ جمع  
 نمایند و جمیع براهین و ادله و حجج بالفیه الهیه را تعلیم  
 دهند و تاریخ امر را تشریح نمایند و آنچه ادله ظهور  
 موعود در کتب و صحف الهیه از قبل موجود آنها را تفسیر  
 کنند تا نورسیدگان در جمیع این مراتب ملکه تامه  
 حاصل نمایند ."

۳- در لوح مبارك خطاب به محفل روحانی طهران

وسایر احباب مندرج در مکاتیب جلد اول صفحه ۳۰ میفرمایند :

” وهدایت کبری مشروط و منوط بعلم و دانائی و اطلاع بر اسرار کلمات ربّانی است لهذا باید یاران الهی صغیرا و کبیرا رجالا و نساءا بقدر امکان در تحصیل علوم و معارف و تزئید اطلاع بر اسرار کتب مقدسه و ملکه در اقامه دلائل و براهین الهی بنمایند حضرت صدرالصدور الفائز بالمقام الاعلی فی عالم السرور روح المقربین له الفداء تأسیس محفل تعلیم نمودند و ایشان اول شخص مبارکی هستند که اساس این امر عظیم نهادند الحمد لله در ایام خویش نفوسی را تربیت نمودند که الیوم در نهایت فصاحت و بلاغت مقتدر بر اقامه ادله و براهین الهی هستند و فی الحقیقه این تلامذه سالله طاهره روحانیه آن مقرب درگاه گریا هستند و بعد از صعود ایشان بعضی از نفوس مبارکه اقدام در ابقاء تعلیم و تعلم فرمودند و این مسجون از این خبر بنهایت مسرور شد حال نیز در نهایت تأکید رجا از احبّای الهی مینمایم که بقدر امکان بکوشند و در توسیع دائره تعلیم آنچه بیشتر کوشند خوشتر و شیرین تر گردد حتی احبّای الهی چه صغیر و چه کبیر و چه نکور و چه اناث هریک بقدر امکان در تحصیل علوم و معارف و فنون متعارف چه روحانی چه امکانی بکوشند و در اوقات اجتماع مذاکره کل در مسائل علمیه و اطلاع بر علوم و معارف عصریه باشد اگر چنین گردد بنور مبین آفاق

روشن شود و صفحه غیرا گلشن ابهی گردد .

۴- در لوح مبارک خطاب بجناب صدرالصدور و محمد آ

مؤسس درس تبلیغ میفرمایند :

" امروز تعلیم تبلیغ اعظم اساس است و اقتباس دلائل و  
براهین فرض و اطلاع بر حجج قاطعه بر ظهور نور مبین واجب  
مجلسی که آراستی بسیار سبب فرح و سرور قلب عبدالبهاشده  
البته همّت و مداومت و استقامت را مجری فرماید تا  
انشاء الله بنفثات رحمانیه نفوس تربیت شوند که هریک در  
انجمن عرفان شمعى روشن گردند بسیار این قضیه مهم  
است و برگل واجب و مفروض در سر هر سه ماهی لائحہ آن  
مجلس تبلیغ را ارسال دارید تا منتشر شود و سبب تشویق  
دیگران گردد ."

۵- در لوح دیگر خطاب بایشان میفرمایند :

" ای صدرالصدور بساط روحانی فی الحقیقه کار این است  
که شما مینمائید بتدریس تبلیغ مشغولی و بیان براهین  
الهی میفرمائی و زبان بحجت بالغه ربّانیه میگشائی  
جامی لبریز از صهبای عرفان در دست داری و نورسیدگان  
جنت ابهی را سرمدت میفرمائی ولی باید آن محفل مقدس  
همیشه آراسته باشد و هر سالی نفوسی چند از نهالهای  
باغ الهی به فیض اسرار تبلیغ نشو و نما نمایند و ثمره

معرفت الله و راز ملکوت الله ببار آرند و هریک رساله استدلالی مرقوم نمایند .

۶- در لوح دیگر خطاب بایشان میفرمایند :

" فی الحقیقه الیوم آنحضرت خدمت باصل و اساس امر الهی مینمائید زیرا اسّ الاساس تبلیغ امر الله است و تنبیه نفوس و نشر تعالیم الهی و تربیت نوع انسانی و این موكول بتعلیم تبلیغ است از حق میطلبیم که در زمانی قلیل نورسیدگان جنت ابهی را بحقایق و معانی پروری و حجاب او هم بدری تاهریک از آنها زبان فصیح بگشایند و جمعی دیگر را تبلیغ نمایند آنوقت فیض برکت آسمانی مشهود گردد و جنود غیبیه ملکوت ابهی با سلاح حجت و برهان کشور حقایق و اقالیم قلوب بگشایند کعبه انبت سبع سنابل ."

۷- لوح مبارک خطاب به تلامیذ درس تبلیغ جناب

صدر الصدور :

" ای ابناء عبد البهاء حقا که سبب روح و ریحانیـــــــــــــــــد و مورث شادمانی و کامرانی یاران شب و روز به تحصیل نفعات قدس مشغولید و در هر دم مویّد بالطف ملکوت ابهی عبد البهاء چون بیاد شما افتد نهایت سرور یابد و چون نظر بشما کند ملاحظه نماید که نهالهای بیهمالید که در جنت ابهی در نهایت طراوت و لطافت در نشو و نماست



البته این نظر سبب سرور وانشراح صدور گردد از خدا خواهد که هر یک از شما را در انجمن انسانی شمع نورانی فرماید تا هر یک بنطقی فصیح ولسانی بلیغ در جماع عالم اقامه بر<sup>هین</sup> و حجت قاطعه اسم اعظم نمائید مری نفس شوید و مدرس فنون هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون الهی الهی هو لاء طيور حدیقة رحمانیتك فانبت فی جناحهم ابا هر عونك و عنایتك و قوادم نونك و رعایتك و خواقی زكرك و مواهبك حتى یطیروا الى اوج العلوم و یرفرقوا فی سماء الفنون و یغنوا بابداع الانعام علی الافنان بفنون الالغان و یطربوا كل مستمع اصفی الى النداء و یفرحوا كل قلب منجذب الى ملكوتك الابهی رب رب اجعلهم سرجا نورانية فی محافل الافاق و نجوما ساطعة رحمانية فی افق الاشراق و لئالی اصداق الوفاق و جواهر متلئلة فی يوم الميثاق رب رب انهم یدرسون برهانك و یتعلمون حججك و آثارك و یرتبطون الادلة القاطعة من الآیات الباهرة و الاحادیث الواردة حتى یهدوا عبادك الى المنهج القويم و الصراط المستقیم لیعلموا دینك المبین بین العال<sup>مین</sup> و ینتشر آثارك بین الخافقین انك انت المویّد الموفق الکریم المیزالوهاب ع ع ."

۸- در لوح مبارک خطاب بجناب نعیم میفرمایند:

" حضرت صدرالصدور روحی لرمسه الفدا تأسیس درس  
 تبلیغ نمودند و بنهایت همت سعی بلیغ فرمودند و در این  
 گلشن الهی نهالهای تازه پرورش دادند و لطافت و طراوت  
 بی اندازه بخشیدند مرغان صامت را ناطق کردند و طفلان  
 بیخبر را مبشر بجمال جلیل اکبر فرمودند این تأسیس  
 تسلسل یابد و این انوار بر قرون و اعصار بتابد حال آنکه  
 پاک بملکوت اعلی عروج نمود و آن ورقاء ایام بقا طیران کرد  
 و آن پروانه بحول سراج ملاء اعلی پرواز نمود لهذا محلش  
 در ملاء ادنی خالی ماند عبدالبهاء را آرزو و مقصد چنان که  
 این تاج را بر سر تو گذارد تا در محل آن بزرگوار نوجوانان  
 درس تبلیغ دهید و حجت و برهان بیاموزی و دلیل و آیات  
 و اخبار بنمائی نورسیدگان ملکوت ابهی را تربیت کنی و  
 بفیض ملاء اعلی نشو و نما بخشی تا این تعزیت منتهی شود  
 و تهنیت جدید جلوه نماید و سبب تسلی قلب عبدالبهاء  
 گردد زیرا از مصیبت حضرت صدرالصدور بعد از مصیبت کبری  
 بسیار متأثر شدم و این درد را درمانی و این زخم را مرخصی  
 جز آن نه که ملاحظه شود که جای آن بزرگوار شخصی  
 استوار یافته و بنفحه مشگبار مشامهارا معطر مینماید و این را  
 بدان که هر نفسی بی آن روح مجرد گیرد به تعلیم و تدریس  
 پردازد تا عیادت متابعا متوالیا در رسد حتی خود او حیران

ماند .

۹- در لوح مبارك خطاب بجناب حاجی میرزاسید

علی میفرمایند :

” جمیع تدریس و تعلیم باید درس تبلیغ باشد تا تلامذه در تبلیغ مهارت پیدا کنند و الا اگر بنحو و صرف و منطق و بدیع و بیان و امثال ذلك پردازند و بعد درس تبلیغ بخوانند سالهای سال بگذرد و فرصت از دست برود پس در دلائل اثبات الوهیت و براهین وحدانیت و تنزیه و تقدیس حقیقت بحت مجهول النعت و اثبات لزوم وحی و براهین حقیقت مظاهر مقدسه بدلائل عقلیه و نقلیه باید مهارت یابند و جمیع آیات و احادیثی که دلیل بر یوم ظهور است حفظ کنند این قضیه در دو سال حاصل شود آنوقت به تبلیغ پردازند .

۱۰- در لوح مبارك خطاب با حبابی گیلان میفرمایند :

” ولی باید جوانان مانند سرو روان در خیابان تحصیل بکوشند تا در اندک زمانی موفق به تبلیغ گردند زیرا مبلغ کمیاب است و طالبان و مستعدان بسیار تشنگان مانند افواج ولی هادی منهاج قلیل مبلغین قدیم صعود نمودند و مبلغین جدید از قرار معلوم نفوس معدودند در هر شهری باید محفل درس تبلیغ تأسیس شود و تحصیل مسائل لازمه و معانی و اطلاع بر حجج و براهین منطوقه و منقوله گردد و

گذشته از این احبای الهی در وقت اجتماع مذاکره و صحبت را حصر در بیان حجت و برهان کنند تا در تبلیغ تمکن تمام یابند .

زی  
۱۱- در لوح خطاب بجناب میرزا محمد باقرخان شیرا

میفرمایند :

" در خصوص مبلغ مرقوم نموده بودید بلی شاهزاده محمد رضا میرزا نیز مرقوم نموده اند باید بتشویق و تحریص مبلغ تربیت کرد و نهایت احترام از مبلغین کامل نمود زیرا مبلغین بسیار کمند چاره نیست شما بگوشید که در آنجا یک محفل درس تبلیغ تشکیل کنند تا جوانان نورسیده تربیت شوند ولو در شبها باشد بتحصیل لوازم تبلیغ پردازند و همچنین احبا جمیعا چون در جائی دو نفر جمع شوند مذاکراتشان بکمال شوق حصر در بیان برهان باشد ."

۱۲- در لوح دیگر خطاب بایشان میفرمایند :

" واما از استعداد نفوس مرقوم نموده بودید فی الحقیقه چنین است تشنه بسیار ولی ساقی قلیل طالب بسیار ولی مبلغ کمیاب علی الخصوص مبلغاتی که با اعیان و اشراف معاشرت داشته باشند و حکمت را منظور دارند و در هر خصوص که زبان بگشایند لسان بلیغ داشته باشند تا بیان در دل و جان مستمعان تأثیر و جلوه نماید بالفعل مبلغین

بسیار کمند و از هر طرف فریاد بلند این المبلغ این المبلغ  
چاره نیست جز اینکه در هر شهری محفلی بجهت درس تبلیغ  
تأسیس نمود تا نونهالان جنّت ابھی که در نهایت شوق  
و ذوق و شور و ولهند تحصیل فن تبلیغ نمایند اگرچنانکه  
باید و شاید معمول گردد در اندک زمانی در هر شهری  
مبلغین کامل و ناطقین ثابت ظهور یابد .

۱۳- در لوح مبارک خطاب بجناب آقامیرزا منیر

نبیل زاده علیه رحمة الله میفرمایند :

" خدمت در دارالتعلیم و همتت در شرکت تبلیغیه و در  
ترتیل و ترجمه کتاب الهی و بیان استدلالات عقلیه و نقلیه  
بسیار بموقع این دلیل تائید است که بچنین خدماتی موفق  
و موید و همچنین درس تبلیغ به نساء و رقات عائله و سائیر  
ورقات آن نیز بسیار بجاست چه که نساء را استفاده در علوم  
و کمالات و استفاضه حقایق و معانی از رجال جائز ولی در  
کمال وقار و لوازم و مقتضای عصمت و عفت حال شما الحمد لله  
از هر جهت محافظه و ملاحظه دارید "

—————

—————

—

## ب - بیانات مبارکه حضرت ولیّ امرالله

در لوح مبارک مورخه ۸ جون ۱۹۲۵ بواسطه محفل مرکزی ایران بتمام محافل روحانیه میفرمایند :

۱- و از جمله فرائض اعضای محافل روحانییه ترویج امر تبلیغ است باید جوانان را علم تبلیغ بیاموزند و بر معلومات امریه و علمیّه و ادبیّه آنان بیفزایند و با سلوب و لحن خطابه های حضرت عبدالبهاء در بلاد غرب آشنا نمایند و بشرايط مبلغین که در کتب و صحف مشهور است متذکر سازند نفوس قابله زکیّه منقطعه را بنقاط بعیده در ممالک آزاد اعزام نمایند و در رعایت مواظبت و محبت و مؤانست با مهتدین و مقبلین سعی بلیغ مستمره مبذول دارند این است اساس اساس شریعت الله این است مایه برکت سماویّه این است مدار عزّت و سعادت ابدیّه طوبی للفائزین .

۲- در لوح مبارک مورخه ایلول ۱۹۲۶ خطاب با حبابی ایران و صفحات شرق میفرمایند :

" باید بهر وسیله که ممکن و میسر باشد جوانان هوشیار پاک طینت را ترغیب و تشویق نمود تا نورسیدگان

از بنین و بنات مبادی و اصول تبلیغ را بیاموزند و بلزومیت  
و فواید و منافع کلیه آن اقناع و آشنا گردند". (۱)

—————

—————

—————

—————

---

(۱) استخراج از مرقومه متحد المال شماره ۱۷۰۹/۲۵ اول  
شهرالکمال ۱۰۲ بدیع محفل مقدس روحانی ملی :  
ثالثا تأسیس کلاسهای درس تبلیغ در ولایات در مراکز  
امریه تا حدی که مبلغین و مدرسین بتوانند مرتباً سیر  
و سیاحت نمایند و چندی در نقطه توقف و بتعلیم و تدریس  
پردازند کلاسهای درس تبلیغ مطابق پروگرام مخصوصی که  
بعدا تهیه و ارسال خواهد شد تشکیل شود تا جوانان  
مستعد بهائی در آن نقاط تعلیمات لازم را فراگیرند و تا  
موقعیکه پروگرام از مرکز نرسیده محافل روحانیه بامشورت  
حضرات مبلغین و مدرسین پروگرام تدریس را تهیه فرمایند .

قسمت پنجم  
نشریات امریه ممدّ امرتیلیغ است

الف - بیانات حضرت ولیّ امرالله

۱- در لوحی میفرمایند :

" اتّسع دایره مطبوعات و نشریات امریه باذن و اجازه مقامات رسمیه در این ایّام از لوازم ضروریه محسوب زیرا ممدّ امر تبلیغ است و مروج آئین ربّ جلیل امید چنانست که بهمتّ آن برگزیدگان اسم اعظم و مساعده زمامداران آن کشور مکرّم و سائل تأسیس اولین مطبعه بهائی در عاصمه آن مملکت مستقلا فراهم گردد و دائره اش آنا فانا اتّسع یابد و بدینوسیله خدماتی شایان بمصالح دولت و ملت نماید علی‌المجاله تحصیل اجازه از برای دخول کتب امریه در ایران علی‌الخصوص سالنامه بهائیه و تاریخ سنین اولیه این ظهور که در امریک امنای محفل مرکزی مباشرت بطبع نموده اند مقدم و لازم زیرا نفس این اقدام موید نشریات امریه در آن اقلیم است و مساعده و مشوق یاران در اتمام مشرق الانکار در آن سامان".



قسمت ششم

امر مبارك راجع به تشكيل لجنه تبليغ مركزي

الف - از بيانات حضرت وليّ امر الله

۱- در توقيع مبارك مورخه ۲ اكتوبر ۱۹۲۶ خطاب

بمحفل مقدس روحانى ملى ميفرمايند :

” فرمودند بنويس هرچند امور تبليغى از اهمّ  
و اعظم وظيفات محفل ملى محسوب تشكيل لجنه  
مركزي جهت تنظيم و ترويج امر تبليغ در داخل ايران  
و اقاليم مجاوره نيز لازم جزئيات و تفرعات اين امر  
مهمّ مقدس راجع باعضاى لجنه و تصميمات مهمّ  
از خصائص امنائى محفل ملى آن سامان است  
اين دو هيئت يعنى اصل و فرع مؤيد و متمم  
يكديگرند و اقدامات هريك در اين سبيل جالب تايد  
شديد حى قديراست ”.

—————

—————

قسمت هفتم  
آداب نطق و بیان

الف - بیانات مبارکه حضرت بهاء الله

اهمیت بیان

۱- در لوح حکمت میفرمایند :

” قل ان البيان جوهر يطالب النفوذ والاعتدال اما النفوذ معلق باللطافة واللطافة منوطة بالقلوب الفارغة الصافية واما الاعتدال امتزاجه بالحكمة التي نزلناها في الزبر والالواح .“

۲- در لوح دیگر که عنوان آن ( ان یا اسمی ) است

میفرمایند :

” یا آیه در لوح جناب نبیل اهل قائن نازل اگر کسی بحلاوت آن آیه فائز شود معنی نصر را ادراک مینماید .  
( عین آیه فوق مذکور است ) و سپس میفرمایند :

” یا اسمی بیان نفوذ میطلبد چه اگر نافذ نباشد مؤثر نخواهد بود و نفوذ آن معلق بانفاس طیبیه و قلوب صافیه بوده و همچنین اعتدال میطلبد چه اگر اعتدال نباشد سامع متحمل نخواهد شد و در اول بر اعراض قیام نماید

واعتدال امتزاج بیان است بحکتهائی که در زیر والواح نازل شده و چون جوهر دارای این دوشئی شد اوست جوهر فاعل که علت و سبب کلیه است از برای تقلیب وجود این است مقام نصرت کلیه و غلبه الهیه هر نفسی بآن فائز شد او قادر بر تبلیغ امرالله و غالب بر افئده و عقول عباد خواهد بود." ( نقل از مجموعه الواح خطی )

### رعایت زبان خوش در صحبت

۳- در کتاب مستطاب اقدس میفرمایند :

" انما تعمر القلوب باللسان كما تعمر البيوت والديار باليد  
واسباب اخر."

۴- در لوح خطاب به مانچی میفرمایند :

" دانای آسمانی میفرماید گفتار درشت بجای شمشیر دیده  
میشود و نرم آن بجای شیر کودکان جهان از این بد انائی  
رسند و برتری جویند."

۵- و نیز میفرمایند :

" لسان شفقت جذاب قلوب است و مائده روح و پیمثابه  
معانی است از برای الفاظ و مانند افق است از برای اشراق  
آفتاب حکمت و دانائی."

۶- و نیز میفرمایند :

" اگر نزد شما کمه و یا جوهریست که دون شما از آن محروم

بلسان محبت و شفقت القا نمائید اگر قبول شد و اثر نمود مقصود حاصل و الا اورا باو واگذارید و درباره او دعائید نه جفا ” .

۷- ونیز در لوح خطاب بجنا بسمندرمیفرمایند :

” یاسمندر انشاء الله در کل احوال بنصرت حق ببیان و حکمت مشغول باشی (۱) مبین و ناصح لازم و در شرایط بیان از قلم رحمن جاری شد آنچه که سبب اشتعال نار محبت الهی است در افنده عباد چه بسیار از کلمات که سبب علو و سمو و اشتعال خلقت و چه مقدار سبب برودت و افسردگی یاک گداه نار محبت بر افروزد و گداه آخری آنرا بیفوسد ” .

سخن باندازه باید گفت

۸- حضرت بهاء الله در لوح اتحاد میفرمایند :

” و از جمله ناصح حق بیان بوده و هست در این ظهور اعظم

(۱) حضرت رسول اکرم میفرمایند : المر مخفی فی طی لسانه و ملای روی در بیان و تشریح این معنی در مثنوی معنوی فرموده است اینچنین فرموده احمد در مقال \* در زبان پنهان بود حسن مقال ادبی مخفی است در زیر زبان \* این زبان پرده است بردرگاه جنس از نا جنس پیدا میکند \* گوهر هریاک هوید امیگند شیخ اجل سعدی میفرماید :

زبان در دهان ای خردمند چیست

کلید در گنج صاحب هنر

چو در بسته باشد چه داند کسی

که گوهر فروش است یا پیلوسه ویر

اعمال و اخلاق جنود حقند و بنصرت مشغول بیان اگر باندازه گفته شود رحمت الهی است و اگر تجاوز نماید سبب و علت هلاک در الواح کل را وصیت فرمودیم به بیانی که طبیعت و اثر شیر در او مستور باشد تا اطفال عالم را تربیت نماید و بحد بلوغ رساند بیان در هر مقامی بشأنی ظاهر و باثری باهر و از او عرف خیر و شرّ متضوع .

۹- در لوح مانکچی مندرج در صفحه ۲۶۶ مجموعه

الواح مبارک میفرمایند :

” بگو ای مردمان سخن باندازه گفته میشود تا نورسیدگان بمانند و نورستگان برسند شیر باندازه باید داد تا کودکان جهان بجهان بزرگی در آیند و در بارگاه یگانگی جای گزینند .“ (۱)

صحبت گوینده باید عاری از خود پسندی باشد

۱۰- در لوح مبارک خطاب بمانکچی میفرمایند :

” یزدان پاک میفرماید آنچه در این ره زیروز شمارا از آرایش

(۱) نظامی گنجوی فرماید :

حرف از سخن چو در توان زد \* آن خشت بود که پرتوان زد  
کم گوی و گزیده گوی چون در \* تا زانک توجّهان شود پیر  
یک دسته گل دماغ پسر و ر \* از خرمن صد گیاه بهتر

پاك نمايد و باسایش رساند همان راه راه من است —  
پاکی از آلايش پاکی از چیزهائی است که زیان آرد و از بزرگی  
مردمان بکاهد و آن پسندیدن گفتار و کردار خود است  
اگرچه نيك باشد". (۱)

ب — بیانات مبارکه حضرت عبد البهاء  
قوه تائید سبب سهولت امر نطق و بیان است

۱- در لوحی میفرمایند :

" اما مسئله نطق و بیان و اقامه دلیل و برهان بر ظهور جمال  
یزدان چون تائید برسد سهل و آسان گردد لهذا توجه  
بحضرت رحمن نما و زبان بگشا و در گهر بیفشا".

۲- در لوح دیگر میفرمایند :

" لهذا نظر با استعداد و قابلیت خود منما بلکه در وقت تبلیغ  
توجه بملکوت ابهی نما تائیدات الهی طلب و بکمال اطمینان  
و قدرت زبان بگشا و آنچه بر قلب القامیشود بگو و از اعتراض  
و معاتبه اهل عناد ملول مشو و فتور میاور هرچه آنان اعتراض

---

(۱) این رباعی منسوب بحافظ علیه الرحمه است :

عیب است عظیم بر شمردن خود را و ز جمله خلق برگزیدن خود را  
از مرد مای دیده ببايد آموخت دیدن همه کم و ندیدن خود را

نمایند تو محمد مگر جواب بده ."

( نقل از صفحه ۶۱ مائده آسمانی )

۳- در خطابات مبارک صفحه ۱۹۷ نطق مبارک در عکا

میفرمایند :

" در این سفر هر چند ما در نهایت عجز و ضعف بودیم لیکن تائیدات جمال مبارک مثل دریا موج میزد در هر جا که وارد شدیم چون بنای صحبت گذاردیم دیدیم جمیع ابواب مفتوح و انوار شمس حقیقت چنان تائید مینمایند گه حد و وصف ندارد در هر جائیکه وارد شدیم چه در کنائس چه در معابد چه در مجامع اول توجه بملکوت ابهتی مینمودیم یک چند دقیقه و تائید میطلبیدم بعد ملاحظه میکردم که تائیدات جمال مبارک در اوج آن محفل موج میزند آنوقت بنای صحبت میگردم ."

۴- در سفرنامه جلد ثانی صفحه ۱۲۲ مذکور است :

" و همچنین فرمودند نفوسیکه قوه ناطقه دارند اگر این قوه در آنها با تقدیس و انجذاب توأم شود اثرات عظیمه از آنها ظاهر شود و بخدمات فائقه در آستان الهیه موفق گردند ."

و نیز در صفحه ۲۶۰ چنین مذکور است :

" بعد به مستر هرریکل فرمودند مطمئن باش چون توکل بملکوت ابهتی نمائی یقین است که وقت بیان موید میشوی من در هیچ

د  
 مدرسه داخل نشدم مع هذا در ایام طفولیت وقتی در بغداد  
 برای جمعی صحبت میکردم بر حسب استعداد آنها  
 بفتنه دیدم و الی وارد شد فوراً ملاحظه کردم که آن  
 صحبتها بکاره الی نمیخورد بلامقدمه این آیه را خواندم  
 که اذ قال موسى ربّ ارضی انظر الیک اگر لقای الهی در این  
 عالم محال بود حضرت موسی سؤال از امر خال نمینمودند  
 پس از این آیه معلوم است که لقای الهی در این دنیا ممکن  
 است و بعد نظر با استعداد سائرین گفتم انّ الکلیم علیه  
 السّلام لما شرب صبها محبة الله و سمع نداء الله و انجذب  
 بنفحات الله نسی ما فی الدنیا و رأى نفسه فی الجنة الصّافی  
 هی مقام المشاهدة و اللقا لذا قال موسى علیه السّلام  
 ربّ ارضی انظر الیک مختصره الی استاد و خوب گوش داد  
 پس از آن ما را دعوت بمنزل خود نمود بعضی از حاضرین  
 چون مدعی علم بودند مکرر شدند و چنان بحق و حسد  
 آمدند که بوصف نیاید حال چون تائید برسد حالت ته کل  
 و اعتماد دست بدهد انسان جنود او هم را درهم شکنند  
 و حجبات مانعه را خرق نماید من هیچوقت در مجامع  
 نطق نکرده بودم بدایتاً وقتی میخواستم صحبت کنم عرق  
 از جبینم میریخت اما تائیدات جمال مبارک چنان شامل شد  
 که در جمیع مجامع ندا بملکوت ابهی گردید لهذا شماها



همه بروید و مطمئن بتائید جمال مبارك باشید و من تنها  
در اینجا هستم .

۶- در سفرنامه جلد ثانی صفحه ۱۲۰ مذکور است :

” آنروز در مجمع عمومی قبل از تشریف فرمائی و نطق مبارك  
مادام رشارد حسب الامر نطق نمود و بیانش در مسائـل  
امر الله و تذکر قلوب خیلی مؤثر گردید و در ساحت انـسـور  
بسیار مقبول آن بود که ایشان را با بعضی از احبائی که  
میتوانستند در مجمع عمومی صحبت نمایند مکرر تشویق  
و تشجیع میفرمودند و امر بقیام و نطق در مجامع و نشـر  
نفحات الله مینمودند و چون تشریف فرمای محفل شدند  
نطق مبارك در باره قوه عقلیه و قوه ناطقه بود که این دو اعظم  
موهب الهیه است و چون انسان لسان گشاید و مقاصد  
و افکار خود را مطابق تعالیم الهیه و توجه ببهاء الله نماید  
انبعاثات روحانی و الهامات ربّانی او را احاطه کند .

تأمل و رعایت مقتضیات در صحبت

۶- در سفرنامه جلد اول صفحه ۳۱۴ مذکور است که :

” فرمودند نطقهای من همه باقتضای وقت و اندازه  
استعداد نفوس است .

بهر طرفك آن پدرتی تی کند

گرچه عقلش هند سه گیتی کند

۷- و نیز در صفحه ۱۵۸ از بیان مبارک مذکور است :

" در جماع گفتگوهای من همه مبنی بر اساس موضوعی است که هم موافق حقیقت و هم در نهایت حکمت است مثلا میگویم اصول حقایق ادیان الهیه یکیست جمیع انبیا مطالع حقیقتند البته کسی نمیتواند بگوید اساس انبیا و حقیقت تعالیم آنها مختلف بوده پس گفته میشود که از خصائص تعالیم بها الله صلح اکبر است وحدت عالم انسانی است منع لعن و طعن است معاشرت با ادیان است وحدت وطن و وحدت جنس و سیاست و امثال ذلك است آیا هیچیک از اینها در کتب و ادیان سابقه بود ؟ و در آخر بیان میشود که شرائع و ادیان الهیه منقسم بدو قسم بوده قسمی صرف روحانیاتست که این اصول و احکام روحانیه در جمیع شرایع الهیه یکی بوده قسم دیگر فروعات احکام است که بمقتضای هر عصری تبدیل شده مثل اینکه در توراتست که اگر کسی دندان کسی را بشکند دندان او را بشکنید اگر چشم کسی را کور نماید چشمش را کور کنید برای يك دالر دست بریده شود حال آیا اینها جایز است و عمل آنها در این عصر ممکن ؟ البته هیچکس نمیتواند بگوید جایز است در این صورت جمیع مسائل مهمه ابلاغ شده واحدی هم انکار و اعتراض ننموده ."

۸- ایضا مذکور است که فرمودند :

” بیان باید بمشرب حصار و اقتضای وقت باشد و حسن عبارات و اعتدال در اداء معانی و کلمات لازم فقط حرف زدن نیست همیشه در عکا میرزا محمد علی بیاناتی را که از من میشنید بعینها در مواقع دیگر ذکر میکرد ولی ملتفت نبود که هزاران حکم و مصالح لازم است نه تنها گفتن در آیام بغداد و سلیمانیه شیخ عبدالحسین گفته بود که جمال مبارک کردها را باینوسیله جمع و جذب کردند که اصطلاحات عرفا و صوفیه را بیان مینمودند بیچاره شیخ مذکور رفت و کتاب فتوحات مکیه را پیدا و عبارات آنرا حفظ نموده در هر جا زکر کرد دید هیچکس گوش نمیدهد خیلی تعجب کرد که چرا مردم گوش نمیدهند جمال مبارک فرمودند بشیخ بگوئید که مافتوحات مکیه را نمیخوانیم بلکه آیات مدینه را القامیکنیم مخصوص شیخ را نمیگوئیم بل از نصوص الهیه حرف میزنیم“ (۱)

(۱) شیخ اجل سعدی علیه الرحمه فرماید :

|                           |                             |
|---------------------------|-----------------------------|
| سخن دان پرورده پیرکهن     | بیانند یشد آنکه بگوئید سخن  |
| مزن بی تأمل بگفتاردم      | نکوگوی اگر دیرگوئی چه غم    |
| بیانند یش وانگه برآور نفس | وز آن پیش بس کن که گویند بس |
| بنطق آدمی به بود از دواب  | دواب از توبه گرنگوئی صوا    |

و نیز فرماید :

از تکرار موضوع صحبت شده باید خود داری کرد

۹- در نطق مبارك در پاریس نوامبر ۱۹۱۱ میفرمایند :

"من از اساس حضرت بهاء الله ذکر کردم در جمعیت دیگر  
مفصل بیان کردم دیگر تکرار لزومی نداشت نمیشود من يك  
صحبتی را در هر مجلسی تکرار کنم این عجز است که انسان يك  
مسئله را در هر مجلسی اظهار کند لهذا من در هر مجلسی بیانی  
دیگر میکنم تکرار نمیکنم زیرا فائده در این است در هر مجلسی  
صحبتی مخصوص بکنم انسان عاقل در جمیع اوقات نفوس را يك  
طعام نمیدهد لا بد هر روز طعامی جدید میدهد اگر يك  
طعام بد دهد ملال حاصل میشود سیر میشود هر روز يك میوه  
تازه تقدیم میکند طبیب هر روز دوی جدید میدهد نمیشود  
يك دوا بدد."

سخن آنکه کند حکیم آغاز یا سرانگشت سوی لقمه دراز  
که زنا گفتنش خلل زاید یا زنا خوردنش بجان آید  
لا جرم حکمتش بود گفتار خوردنش تندرستی آرد بار  
ایضا فرماید :

صدف وارگوهر شناسان راز  
دهان جز بگوهر نکردند باز  
نباید سخن گفت ناساخته  
نشاید بریدن بینداخته  
تأمل کنان در خطا و صواب  
به از ژاژ خایان حاضر جواب  
کم آواز هرگز نبینی خجل  
جوی مشدگ بهتر که يك توده گل

قسمت هشتم

چند فقره از مناجات‌هاییکه

جهت موفقیت در تبلیغ تلاوت میشود

الف - از مناجات‌های حضرت بهاء الله جلّ ثنائه

۱- در لوح مبارک خطاب به عبد الوهاب مندرج در صفحه

۱۶۱ مجموعه الواح این مناجات نازل گردیده :

الهی الهی

لك الحمد بما فتحت على وجوه اوليائك ابواب الحكمة  
والعرفان وهديتهم الى صراطك و نورت قلوبهم بنور  
معرفتك وعرفتهم ما يقربهم الى ساحة قدسك اى رب  
اسألك بالذين سرعوا الى مقرّ الفداء شوقا للقاءك  
و ما منعتهم سطوة الامراء عن التوجه اليك والاعتراف  
بما انزلته فى كتابك ثم بالذين اقبلوا الى افقك  
بازنك وقاموا لدى باب عظمتك و سمعوا نداءك وشاهدوا  
افق ظهورك وطافوا حول ارادتك ان تقدّر لا وليائك ما  
يويدىهم على ذكرك وثنائك و تبليغ امرك انك انت  
المقتدر على ما تشاء لا اله الا انت الغفور الرحيم

۲- در لوح مبارک خطاب بجناب ملا محمد علی آيين

مناجات نازل :

قل لك الحمد يا الهى وسيدي ومقصودى بما  
 ايدتنى على عرفان بحر فضلك و سماء ظهورك وسقيتنى  
 كوثر الاقبال بايادى عطائك اسئلك بانوار شمس وجهك  
 ونار سدره امرك بان تؤيدنى فى كل الاحوال على  
 خدمتك وتبليغ امرك اى رب لا تعجزك اشارات  
 الامم اى رب اسئلك بنفسك بان تفتح باصباح  
 قدرتك على وجهى باب معرفتك ثم اكتب  
 لى من قلمك الاعلى خيرا لآخرة والا لى  
 انك انت مالك السورى لا اله الا انت القوى  
 المقدر القدير".

( نقل از مجموعه الواح شيراز )

## از مناجاتهای حضرت عبدالبهاء

۱- در لوح مبارک بافتخار احبای امریک مندرج در صفحه ۲۶ مکاتیب سوم میفرمایند :

" هر نفسی که بجهت تبلیغ سفر بهر طرفی نماید در سفر در بلاد غرب شب و روز این مناجات را تلاوت نماید :

## الهی الهی

ترانی والهها منجذبا الی ملکوتک الابهی ومشتعلا بنار محبتک بین الوری و منادیا بملکوتک فی هذه الدیار الشاسعة الارحاء منقطعا عما سواک متوگلا علیک تارکا الراحة والرّخاء بعیدا عن الاوطان هائما فی هذه البلدان غریبا طریحا علی التراب خاضعا الی عتبتک العلیا خاشعا الی جبروتک العظمی مناجیا فی جنح اللیال و بطون الاسحار متضرعا مبتهلا فی الغدو و الاصال حتی تؤیدنی علی خدمة امرک ونشرتعالیمک و اعلاء کلمتک فی مشارق الارض و مغاربها رب اشدد ازری و وقفتی علی عبودیتک بكلّ القوى و لا تترکنی فریدا و حیدا فی هذه الدیار رب انسنی فی وحشتی

وجالسنى فى غربتى انك انت المويّد لمن تشاء على ما تشاء وانك انت القوى القدير .

۲- و نیز در انتهای لوح مبارک مندرج در صفحه

۴۳ مکاتیب سوم میفرمایند :

" هر شخصی که بمدن و شهرها و قراء این ولایات سفر نماید و بنشر تعالیم الهی پردازد هر روز صبحی باید این مناجات را تلاوت نماید :

### الهی الهی

ترانى مع ذلّى و عدم استعدادى و اقتدارى مهتما  
بعظائم الامور قاصدا لاعلاء كلمتك بين الجمهور ناديا  
لنشر تعاليمك بين العموم و انى اتوفق بهذا الا ان يويد  
نفثات روح القدس وينصرنى جنود ملكوتك الاعلى و تحييط  
توفيقاتك التى تجعل الذباب عقابا والقطرة بحورا  
وانهارا والذرات شموسا وانوارا رب ايدنى بقوتك القاهرة  
وقدرتك النافذة حتى ينطق لسانى بمحامدك ونعوتك  
بين خلقك و يطغى جنانى برحيق محبتك و معرفتك  
انك انت المقتدر على ما تشاء و انك على كل شئ قدير .

۳- در لوح مبارک صفحه ۸۴ مکاتیب سوم میفرمایند :

" ناشرین نفعات الله این مناجات را در هر صباح تلاوت نمایند :



رَبِّ رَبِّ لَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ بِمَا هَدَيْتَنِي سَبِيلَ  
 الْمَلَكُوتِ وَ سَلَكْتَ بِي هَذَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ الْمَمْدُودَ  
 وَنُورَ بَصْرِي بِمَشَاهِدَةِ الْانْوَارِ وَاسْمَعْتَنِي نَفَمَاتِ  
 طَيُورِ الْقُدْسِ مِنْ مَلَكُوتِ الْاَسْرَارِ وَاجْتَذَبْتَ قَلْبِي بِمَحَبَّتِكَ  
 بَيْنَ الْاَبْرَارِ رَبِّ اَيُّدِنِي بِرُوحِ الْقُدْسِ حَتَّى اُنَادِيَ  
 بِاسْمِكَ بَيْنَ الْاَقْوَامِ وَابْشُرْ بِظُهُورِ مَلَكُوتِكَ بَيْنَ الْاِنَامِ  
 رَبِّ اَنْتَى ضَعِيفٌ قَوْنِي بِقُدْرَتِكَ وَ سُلْطَانٌ كُنْتُ  
 وَكَلِيلُ الْبِسَانِ اَنْطَقْنِي بِذِكْرِكَ وَثَنَائِكَ وَذَلِيلٌ عَزَّزْنِي  
 بِالْاَدْخُولِ فِي مَلَكُوتِكَ وَبَعِيدٌ قَرَّبْتَنِي بِعَتَبَةِ رَحْمَانِيَّتِكَ  
 رَبِّ اجْعَلْنِي سَرَاجًا وَهَاجًا وَنَجْمًا بَارِزًا وَشَجَرَةً  
 مَبَارَكَةً مَشْحُونَةً بِالْاَثْمَارِ مَظْلَلَةٌ فِي هَذِهِ الدِّيَارِ  
 اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيزُ الْمُقْتَدِرُ الْمُخْتَارُ .

٤- در لوح مبارك صفحه ٥٢ مكاتيب سوم ميفرمايند :  
 ” وَبِجَهَةِ نَشْرِ نَفَحَاتِ اللّٰهِ مَبْلَغِينَ كَامِلٍ بِشَهْرَهَا حَتَّى قَرِيهَهَا  
 اَرْسَالَ شُودِ وَ اَيْنَ مَنَاجَاتِ رَا هِر رُوزِ تَلَوتِ نَمَاينَد :

### الهى الهى

هذا طير كليل الجناح بطئ الطيران ايده بشديد  
القوى حتى يطير الى اوج الفلاح والنجاح ويرفرف  
بكل سرور وانسراح فى هذا الفضاء ويرتفع هديره  
فى كل الارحاء باسمك الاعلى وتلذذ الآذان من  
هذا النداء وتقرأ العين بمشاهدة آيات الهدى رب  
انى فريد وحيد حقير ليس لى ظهير الا انت ولا نصير  
الا انت ولا مجير الا انت وفقنى على خدمتك  
وايّدنى بجنود ملائكتك وانصرنى فى اعلاء كلمتك  
وانطقنى بحكمتك بين بريتك انك معين الضعفا  
ونصير الصغرا وانك انت المقتدر العزيز المختار .

هـ - ودرخاته لوح مبارك صفحه ٥٧ مكاتيب سوم

ميفرمايند :

" ناشرين نجات الله هر روز صبح اين مناجات را تلاوت

نمايند :

### الهى الهى

ترى هذ الضعيف يتمنى القوة الملكوتية وهذذا  
الفقير يترجى كنوزك السماوية وهذذا الظمان يشـتاق

معین الحیاة الابدية وهذا العلیل یرجو شفاء الغلیل  
 برحمتك الواسعة التي اختصت بها عبادك المختارین  
 فی ملكوتك الاعلی ربّ لیسر لی نصیر الّا انت  
 ولا مجیر الّا انت ولا معین الّا انت ایّدنی  
 بملائکتك علی نشر نفحات قدسك وبتّ تعالیمك بیین  
 خیرة خلقك ربّ اجعلنی منقطعا عن دونك متشبثا  
 بذیل عنایتك مخلصا فی دینك ثابتا علی محبتك  
 عاملا بما امرتني به فی كتابك انك انت المقدر  
 العزیز القدير .

۶- در لوح مبارك صفحه ۶۲ مكاتیب سوم میفرماید :  
 هرنفسی كه باطراف به تبلیغ رود در كوه و صحرا و خشگی  
 و دریا دائما این مناجات را تلاوت نماید :

### الهی الهی

ترى ضعفی و نلّی و هوانی بین خلقك مع ذلك  
 توگت علیك و قمت علی ترویج تعالیمك بین عبادك  
 الاقویا معتمدا علی حولك و قوتك ربّ ان طیرا كلیل  
 الجناح اراد ان يطیر فی هذا الفضا الذی لا یتناهی  
 فكیف یمكن هذا الّا بعونك و عنایتك و تائیدك و توفیقك  
 ربّ ارحم ضعفی و قوّنسی بقدرتك و ربّ ارحم عجزی

وَايَّدَنِي بِقُوَّتِكَ وَقَدَّرْتَكَ رَبِّ لَوْ تَوَيْدَ بِنَفْثَاتِ الرُّوحِ  
 اعْجَزَ الْوَرَى لِبَلْغِ الْمُنَى وَتَصَرَّفَ كَيْفَ يَشَاءُ كَمَا آيَّدَتِ  
 عِبَادَكَ مِنْ قَبْلِ وَكَانُوا اعْجَزَ خَلْقَكَ وَأَزَلَّ عِبَادَكَ وَاحْقَرُ  
 مِنْ فِي أَرْضِكَ وَلَكِنْ بَعُونِكَ وَقُوَّتِكَ سَبَقُوا أَجْلَاءَ خَلْقِكَ  
 وَأَعَاظِمَ بَرِيَّتِكَ وَكَانُوا ذَبَابًا فَاسْتَنْسَرُوا وَكَانُوا قِبَاعًا  
 فَاسْتَبَحَرُوا بِفَضْلِكَ وَعِنَايَتِكَ وَأَصْبَحُوا نَجُومًا سَاطِعَةً  
 فِي أَفْقِ الْهَدَى وَطَيُّورًا صَادِحَةً فِي آيَكَةِ الْبَقَاءِ وَأَسُودًا  
 زَائِرَةً فِي غِيَاضِ الْعِلْمِ وَالنَّهْيِ وَحَيَاتِنَا سَابِحَةً  
 فِي بَحْرِ الْحَيَاةِ بِرَحْمَتِكَ الْكَبِيرِ إِنَّكَ أَنْتَ الْكَرِيمُ  
 الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ .

\*\*\*\*\*

\*\*\*

\*

## قسمت نهم

خاتمه

شامل قسمتی از ترجمه مقاله حضرت روحیه خانم

حرم مبارک  
—————۱- میثاق الهی و تبلیغ

" اهمیت مسئله عهد و میثاق (بالاخص تا آنجا که مربوط بمقام و موقعیت حضرت ولی امرالله و ارتباط ایشان با افراد بهائی است) و تأثیر ماوراء تصور آن در مسائل و مشکلات تبلیغی شایان توجه و تبصّر دقیق است زیرا مسئله عهد و میثاق روح و جان فعالیت تبلیغی است فرد بهائی در هر مسئله دیگری میتواند بدرجه ادراك و اصل شود و یا در مجاهده و تحقیق بماند اعتراف کند و یا هنوز برشد درك و اعتراف نرسیده باشد ولی در امر میثاق باید از بدایت کاملاً مطلع و عارف و معترف باشد و معنی و مفهوم آنرا بداند و نتایج حاصله از آنرا بشناسد تا بتواند بهائی باشد زیرا بدون فهم عهد و میثاق و ایمان و اعتراف بآن يك فرد بهائی در بوستان امرالله بمنزله شجری است بوریشه و مایه با وزش اولین نسیم و پیدایش کمترین افتتان

هالك و هابط خواهد گرديد آنچه زيلا گفته ميشود امري غريب و حيرت آور است و بايد هر بهائي كه در ميدان تبليغ قدم ميگذارد در اين باره برههئي با خود بفرود و مراقبه بپردازد :

اگر امورات تبليغي ده يابيست ساله گذشته را در نظر بگيريد و سران و سرداران ميدان تبشير و تبليغ را از چشم انداز تبصره دروني بگذرانيد مشاهده مي فرمائيد كه جمله گي شيران بيشه ميثاق در دفاع و جهاد در راه ميثاق شديد البطش و قوي الاركان بوده اند و اگر بسوابق عائله و سلسله اسلافشان از جنبه سابقه امري هم نظر كنيد مي بينيد كه اين شيربچگان از نژاد شيران پر سطوت بهائي در عهد ماضي بوده خون بهائياتي كه در دوره حضرت عبدالبهاء دلباخته آن طره مشكبو در امر ميثاق صاحب مقام و موقعيت مهمي بوده اند در عروقشان جاري است در دنياي خارج و دنياي بهائي امتحانات و افتتانات در جزر و مد است ولي اين طبقه بهائيات هميشه مصون و در امانند زيرا شجر وجودشان داراي ريشه هائي است كه از اعماق زمين برفيض بوستان ميثاق غذاي روحاني لازم مرتبا بايشان ميرساند عقیده و ايمان نسبت بمقام مركز عهد و ميثاق "كه در حال حاضر شخص حضرت ولي امر الله

مرکز عهد حضرت عبدالبهاء مظهر آن میباشند " وعشق  
وعلاقه خالصانه بحضرتش سیف و سنان و درع قوی الارکان  
هر فرد بهائی است بهائی با این شمشیر بران و درع  
قوی الارکان فاتح و منصور و بدون آن بی دفاع و درفتور  
است " .

## ۲- اولین قدم

در امر تبلیغ واجبات و محرمات فراوان است هر  
موضعی که تفوه به تبلیغ نموده تدریجا راه و رسم مخصوصی  
برای خود پیش گرفته است و صورت واجبات و محرماتی برای  
خود ترتیب داده و برای نگارنده مستحیل است که جمیع  
این روشها را در این مقال مورد بحث قرار دهد نه مدعی  
علم و اطلاع کافی نسبت بهمه روشها هستم و نه فرصت و مقام  
اجازه این است تمام را میدهد ولی فقط برای اینکه مشهودا  
و تفکرات خود را در این امر بایاران راستان در میان گذارم  
بذکر چند فقره در این باره اکتفا میکنم زمانی یکی از احبا  
در امر تبلیغ مثالی خودمانی برای نگارنده ذکر نمود که  
شایان تکرار است این خانم میفرمود که تعالیم الهی  
جنگ کامل و ذخیره بی انتهای از بضائع مختلفه است که  
هر فردی از آن چیزی میطلبد و چون مادر این انبار بزرگ  
همه چیز داریم همه مشتریان را میتوانیم راضی کنیم

این مثال کاملاً رسا است زیرا اگر طالبی در حقیقت طالب باشد و در گرداب افکار متضاد و یا رکود و خمود عمیق و یا کبر و نخوت غوطه بخورد ما در زخائر امرالله جواب سؤال و دفاع حوائج او را داریم یکی از مشکلات اصلی ما این است که همیشه ما بحوائج شخص طالب پی نمیبریم تا هر چه میخواهد باو برسانیم بعضی از ما فراموش میکنیم که تا ظرفی را خالی نکنیم نمیتوانیم چیزی را در آن بریزیم شخص مبتدی که جلسات ما میآید و یا او را تصادفاً میبینیم اکثر اوقات خاطری پر و دلی ناراضی دارد ما باو اجازه نمید<sup>هیم</sup> که درد خود را بگوید و آنچه در خاطر دارد عرضه نماید تا از بارسنگین فکری وشك و ریبها و مشکلات و فرضیه های مختلفه خود قدری فراغت یابد چون میدانیم که ما جواب مشکلات او را داریم فوراً سعی میکنیم آنچه را جواب مسائل او فرض میکنیم باو خواه و ناخواه تحمیل نمائیم این رویه بندرت مگال بموفقیت میشود و علت هم معلوم است برای جواب ما هنوز جایی در خاطر او بازنشده و پیش از اینکسه بتواند مشکلات و ناراحتیهای خود را از خاطر بیرون ریزد و محلی باین ترتیب برای تعالیم بهائی در خاطر خود باز کند ما سعی میکنیم آنچه داریم بزور در خاطر سنگین او خالی کنیم ما باید خود را بمنزله طبیب بگیریم علاج امراض در نزد



ما است و باید آنچه بتوانیم دواى مرض را زود بارباب حاجت برسانیم ولی آیا مریغ نزد دگترچه میکند باید درد خود را بگوید و علائم و آثار مرض را بیان و نمایان نماید ولی اگر بمحض ورود مریض بمطب دگتر شخص دگتر شروع به بیان وضع خویش کند و یا از نظر خود راجع بمسائل بین الطلسی و وقایع آینده بحث نماید و یا از رویاهای همسر خویش شرحی بمیان آورد آیا مریض از این وضعیت راضی خواهد بود و یا مجذوب دگتر خواهد گشت و در چنین حالی آیا داروی چنین دگتری را بکار خواهد انداخت جواب پر واضح است تبلیغ تا حد زیادی عبارت از تکامل در فن استماع است گوش دادنی که در فن گوش دادن بحد صنعت و هنر کامل گشته باشد اگر بطرف خود گوش دهید تا بفهمید دردش چیست و چه حاجتی دارد بخوبی میتوانید از آثار مبارکه دواى درد و جواب سؤال او را انتخاب و با او تفهیم نمایید ولى مع الاسف جمیع ماها افکار ثابت و تمایلات دست آموزی که قرین و مونس شب و روز ما است در مواضع مختلفه و از زوایای متعدده مربوط بامر الهی و غیر آن داریم بهمین جهت اغلب اتفاق میافتد که شخصی که بحد وافر علاقمند بمسائل اقتصادی است گریبانش بدست بهائی پر جوش و خروش و افتاده که علاقه شدیدی بحیات بعد از ممات و بقای روح

دارد مبتدی در هذیان میزان کار مزد و ساعات کار و تجارت آزاد و تسهیم منافع غلیان دارد و مبلغ بکمال حد هذیان را با بیان صفات و کمالات روح انسانی و عود بمبدأ و کیفیات معاد تلافی میکند یا شخصی دائماً از استماع اصوات و مشاهده شبی های خیالی و احساس مقدمات صرع و فجاه در رنج و شکنجه است ولی در میدان تبلیغ مواجهه با دیوار سنگی و سرد افکار و بیانات یک مبلغ بهائی میشود که صرفاً اینحالات و افکار را مذموم دانسته با و میگویند اینها شأن انسان نیست و باید از این مراحل گذشت و متوجه کمالات عقلی و مزایای محسوس نظم بدیع الهی در این ظهور ربّانی بود اگر کسی حاجت بچیزی دارد هر چه باشد باید همان پاوداد و دادن چیزی دیگری بجای آن با و حاجت رافع نمیکند اگر مبلغ دارای اطلاعات کافی و جامع در امر نیست که بتواند با عالم اقتصادی از اقتصادیات و یا عالم علوم روحی از روحانیات صحبت کند اقلاً باید عقل و درایت خویش را از این راه بکار بندد که بعدم اطلاع خود معترف شود و طالب حقیقت را بشخصی برساند که علم و اطلاعش در امر بهائی در موضوع مورد حاجت کافی باشد.

~~~~~

~~~~~

### ۳- اظهار توجه و علاقه نسبت بدیگران

اغلب واقع میشود که همکار محترم بهائی مادرحالی که برق مظفریت از چشمانش جستن دارد و بر چهره اش آثار رضایت و قناعت گریه ای که تازه از بلع موش فراغت یافته نقش بسته بمامیگوید الساعه پیام الهی را بسمع طالب حقیقی رساندم باید جرئت کرده و باو عرض کنیم که راست است پیام الهی را بطالب حقیقت رساندی ولی آیا او هم این پیام را بسمع قبول اصفا نمود آنچه میخواست با و رساندی یا تنها مست تمتع از لذت ابلاغ پیام بودی چه بسیار اتفاق میافتاد که حضرت عبدالبهاء نفوس را مرحبا گفته میفرمودند " خوب و خوشید " " شاد و مسرورید " علاقه صمیمانه و محبت بی شائبه حضرتش مانند اشعه آفتاب طرف را احاطه و ارکان وجودش را گرم مینماید این توجه و علاقه نسبت بشخصی که با او مواجه میشوید در جمیع قطعات عالم از رموز اصلیه تبلیغ است و هیچ رمز و حکمتی هرگز بر آن مزیت نخواهد یافت تبلیغ نظام عالی و تمرین سخت مؤثری برای تضعیف حس خودپرستی هر شخصی است زیرا موفقیت در تبلیغ منوط باین است که خود را در پس صحنه بگذارید و اراده شخصی و میل بس

خود نمائی را تاحدی تحت سلطه درآورد تا درست  
 مثل دستگاه گیرنده رادیو که منظم و حاضر برای کار باشد  
 بتوانید امواج منتشره از قلب و فواد شخص مبتدی را بوضوح  
 بگیرید اگر دستگاه گیرنده خود را با دستگاه دهنده  
 شخص مبتدی میزان کنید میتوانید روحا با او مانوس شوید  
 با این توافق و تجانس روحی و فکری میتوانید نور امرالله را در  
 قلب او وارد نمائید بصراف این دلیل که آنچه میگوئید در نظر  
 شما صحیح و مطابق با واقع است ممکن نیست خود را بزور  
 برون و قلب شخص دیگری تحمیل کنید و یا حقیقت را در مغزش  
 بگوئید و بضرب چکش افکار خود را در فلز وجود او بخورانید .

#### ۴- همکاری در مجاهده تبلیغی

میزان حساس و دقیق در کار است برای تشخیص اینکه  
 آیا تماما باید خود عهده دار تبلیغ و تکمیل ایمان مبتدی  
 باشید و یا او را بدست دیگران بسپارید و یا با مبتدیان  
 احبای دیگر شما آغاز صحبت نمائید و به تبلیغ پردازید  
 چون ذکر وقایع در این مورد بیشتر مطلب را روشن میکند  
 نگارنده از ذکر دو مورد که در طی مرتبت بهائی خود با آن  
 مواجه گشته خود داری ندارد :

جناب علیقلی خان که ناطق زبردستی است ششپن در

خانه ای برای جمعی زیاد در دعوت خصوصی ایراد نطق نمودند پس از ختام بیان مراندا داده گفتند چیزی بگو و این امر موجب اضطراب زیادی برای من گردید پیش آمد بینهایت غیرمنتظر بود و مرا دچار قلق فراوان نمود پس از پایان مجلس از ایشان سؤال کردم که چرا چنین کردید مخصوصا با بیان رسا و جامعی که خود را نمودند دیگر ضرورت نداشت که بیان دیگری شود جواب دادند که بیان هر قدر طولانی و جامع باشد همیشه چند درصد از مستمعین در مجلس خطابه از آن بیان و طرز فکر و استدلال ناطق شمری نمیگیرند و اثری نمیبرند ولی ممکن است ناطق دیگری در همان مجلس آن عده را در تحت تأثیر بیان خویش در آورد این بیان و تبیین هرگز از خاطر نگارنده محو نشده فی الحقیقه شاید صحت این قضیه مانند حل مسائل علم حساب قابل اثبات باشد که یکی از صد نفر میتواند عده ای از این قبیل را که از تأثیر بیان یک ناطق خارج مانده اند تحت تأثیر قرار دهد و این مسئله در مورد نفوسی نیز که ما عادة در راه تبلیغ با آنها در تماسیم صدق میکند فکر شما ممکن است هرگز توفیق نیابد که جرقه هیجان و نشئه انقلابی در شخص متمیننی ایجاد کند حتی در موردی که مبتدی همسر خود مبلغ باشد ولی یکی دیگر از

پاران شاید نفسش در او گیرا و مؤثر شود این هم یکی از فنون تبلیغ است و شاید اهمیتش کم نباشد که بفهمیم با فلان شخص بهتر است کدام یک از احبّاً صحبت کنند .

### هـ - عدم مداخله

درس دومی که گرفتم این بود که نباید بامبتدی دیگری که در دست یکی دیگر از احبّاء است صحبت نمود و دخالت بيمورد در کار تبلیغ او کرد و واقعه ذیل بیشتر مطالب را روشن میکند زیرا به نتایج بسیار نامطلوب منجر گردید .

خانم جوانی مدت متمادی در جلسات تبلیغی حاضر میشد و مادر نگارنده با او صحبت میکرد بالاخره اظهار میل کرد که در سلك مؤمنین درآید و وارد خدمت گردد به تصویب محفل مادرم با او مذاکرات مفصل نهائی نمود بیشتر در این بحث راجع به عهد و میثاق و الواح و صایا شرح و بسط داد این دختر از نفوس آرام ولی دقیق و پرتفکر و اقدام بقبول ایمان بهائی برای او قدمی بسیار سنگین و مهم بود بنابراین او را بحال خود واگذارند تا خود تصمیم نهائی را بگیرد مادرم با او گفت که اکنون شما از همه مسائل و شئون امر بهائی مطلع شده ای و باید خود مطالعه نموده اتخاذ تصمیم نهائی

در همین موقع یکی از یاران با نهایت حسن نیت سعی نمود  
 با کمک کرده در اخذ تصمیم نهائی او را یاری کند و فی الجمله  
 از راه اصرار با نحوه فشار مخصوص سعی نمود بار او را در منزل  
 امر پائین آورد دختر آرام با وجدان که اهل تفکر و تدقیق  
 بود این امر را از قبیل دعوت دعاة و اصرار به تبلیغ و تبشیر  
 شمرد و از این راه ظن و قیاس و شك و ریب حاصل نمود  
 و ناراحت شد و از قبول و تصدیق امر مبارك سر باز زد و حتی  
 از معاشرت و مؤانست با ما همه نیز دوری کرد .

پایان

گ